دو ماهه حقیقت ۲۸

علمی فرهنگی جهادی

سرطان و اسد
۱۳۹۷هـ ش
جون و جولایی
2018 م
رمضان و شوال
۱۴۳۹ هـ ق

آتش بس یا فتح دلها ؟

حقیقت مبارزه میان حق و باطل

روا نه جګړه طالبانو که یرغلګرو پیل کړې؟!

مصاحبه با مولوی محمد محسن هاشمی مسؤل جهادی در ولایت تخار

ناکامی استراتژی جنگی ترامپ در افغانستان



حقیقت

دو ماهه علمی فرهنگی جهادی

سال پنجم، شماره چهارم

رمضان المبارک و شوال المکرم ۱۴۳۹هق

سرطان و اسد ۱۳۹۷هش

جون و جولایی ۲۰۱۸ میلادی



یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.
مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسنده آن می باشد.
ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com

فهرست مطالب

سرمقاله

امریکا؛ ایستاده در نقطهٔ کور

امریکا در جنگ ناکام هفده ساله در افغانستان، آخرین تلاشهای خود برای نجات یا فرار از شکست در این کشور را به کار گرفته و قصد دارد به تجاوز خود در افغانستان به گونهء پایان دهد که حیثیت اش بطور مطلق آسیب نبیند؛ اما متاسفانه همچنان بر توطئه چینی و انحراف افکار عمومی از حاشیه های جنگ افغانستان پافشاری کرده و استراتیژست های امریکا بالخصوص در قسمت نظامی، چنان رهنمودهایی را در پیش روی مقامات قصر سفید قرار می دهند که جز تکرار رسوایی و سناریوی شکست، کدام دستاورد دیگر نداشته و متاسفانه همچنان در نقطه کور جنگ ایستاده اند.

بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ استراتژی امریکا نسبت به جنگ افغانستان اعلام شد؛ استراتیژی جنگ، که وحشت بیشتر اشغالگران را در پی داشت، بمباردمان های کور هوایی شدت یافت، (و امریکا) از تمام قوت فکری و نظامی خود کار گرفت، خاک افغانستان را به خون و خاک کشید؛ اما درمقابل مبارزهء حق طلبان لحظه ای متوقف نشد و وجبی از مناطق تحت تصرف مجاهدین به تصرف دشمن خون آشام در نیامد، چون در نبرد حق و ایمان، تکلیف نتیجه را حق واضح می کند، در افغانستان برخلاف تمام انتظارات، برگ برنده و پیروزی با مجاهدین همراه گردید و استراتیژی وحشت و دهشت امریکا باز هم جواب نداد.

امریکا سپس با تقویت گروهک های به اصطلاح مخالف مجاهدین، خواست جنگ افغانستان را به گونه دیگر تبلیغ کند اینکه مثلا افغانستان تنها از دست طالبان نا امن نیست بلکه گروه های دیگری نیز در این کشور سربرآورده و ایجاد نا امنی می کنند؛ و با این ترفند در صدد توجیه ادامه تجاوز خود شد؛ اما خوشبختانه تمام آن پروژه های امریکایی که بر خلاف مجاهدین جور شده بودند نیز با شکست های ذلت بار مواجه گردیده و بساط شان در گوشه و کنار افغانستان در حال جمع است.

باز به اسم صلح، تعدادی را به فریاد واداشته از شهرها به سوی کابل (پایتخت) اعزام نمود که مثلا در نماد مردمی و بی طرف، در همه جا از مجاهدین خواسته شود دست از جهاد کشیده و به اصطلاح با رژیم کابل کنار بیایند و اداره نامشروع و تحمیلی کابل را قبول نموده، و از ادامهء راه عزت و آزادی خود دست بردارند؛ اما که این پروسه و استفاده جویی غلط از نام مقدس «صلح» نیز ناکام گردید و پرده از حقیقت آن درامهء شوم برداشته شد.

امریکا باز هم آرام نگرفت و به اسم علماء دین در کابل کانفرانس برگزار کرد تا علیه جهاد مقدس جاری و مبارزه مجاهدین فتوا صادر کرده و مشروعیت معنوی جهاد را زیر سوال ببرد، (گرچه این ترفند را هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی به راه انداخته بود) اما که خوشبختانه این هم نتیجه نداد و آنها که به اسم عالم دین فریب خورده و به نام فتوا، اعلامیه اجباری صادر کردند یکی یکی در برابر رسانه ها حاضر شده و از حقیقت آن کنفرانس پرده برداشته و با توبه و ندامت صراحتا از دسیسهء امریکایی ها خبر داده و از ملت مسلمان معذرت خواهی نمودند.

و ...

بدون تردید این آخرین تیرهای زهرآلود در کمان امریکاست که یکی پس از دیگری برای نجات خود از باتلاق جنگ استفاده می کند؛ و لکن همه در بیراهه و محکوم به شکست است چون جنگ افغانستان هرگونه که تحلیل شود یک نگاه مشترک بین تمام دیدگاه ها پدید آمده و آن شکست قطعی امریکاست؛ پس بهتر آن است که امریکا بیش از این، خود را مضحکه عام و خاص نگرداند و در برابر آرمان و ایمان مجاهدین قهرمان و ملت شهید پرور افغانستان سر تعظیم خم کرده و بپذیرد که شکست خورده و مجبور است چه دیر یا زود این نتیجه مفتضح را رسما قبول کند.



زندگی رمضانی

حکمت الله حکمت

ماه مبارک رمضان با تمام برکات و رحمات بی کرانش به انتها رسید و معلوم نیست رمضانی دیگر نصیب ما بشود یا قبل از آن داعی اجل سر برسد. رمضان در سال یک بار می آید و به تک تک مسلمانان مشق و تمرین می دهد تا زندگی شان را سرتاسر با یاد و ذکر خدا و رسیدگی به بندگانش سپری نمایند. رمضان المبارک یک ماه است، اما درس ها و پیام های حیات بخش آن برای کل زندگی است.

در ماه مبارک رمضان الله متعال دل های مؤمنان را نرم می گرداند، خوی باغیانه و سرکش انسان به تواضع و فروتنی تمایل پیدا می کند. بسیاری از گردن کشان به گردن کجی می رسند و به همین سبب مساجد آبادتر می شود، قرآن مجید بیشتر تلاوت می شود، به نمازهای نافله و اذکار و دعا اهتمام بیشتری دیده می شود و همچنین فقرا و غریبان نفس راحت تری می کشند. این قدرت لایزال خداوند یگانه است که با قید و بند شیاطین سرکش و سرازیر فرمودن رحمت های خاص، بندگانش را بر اطاعت بیشتر توفیق عطا می فرماید.

خداوند حکیم در هر عبادت تاثیرات خاصی نهاده است، تأثیر اصلی روزه و رمضان نرم کردن قلوب و از بین بردن سرکشی پوشیده در نفس انسانی است. کسر شهوات و هواپرستی از ثمرات خاص روزه است. امام شاه ولی الله دهلوی رحمه الله فرموده است که در وجود هر انسان «بهیمیت» و حیوانیت و در عین حال روحانیت و معنویت نهاده شده است؛ انسان برای گذراندن یک زندگی متعادل و میانه نیاز به هر دوی این صفات و فطرت های درونی دارد. فرضیت روزه در رمضان المبارک برای ایجاد تعادل در همین دو خصیصه انسانی است.

برای آنکه ما انسان ها در طول سال بین دو ویژگی فطری و غیرارادی خود تعادل بیاوریم، ناچار به انجام دادن اعمال رمضانی و داشتن زندگی رمضانی هستیم. عبادات، نوافل و دعاهای ما نباید منحصر به یک ماه و زمان باشد، باید کل سال را رمضان وار گذراند. غریبان و فقیران و یتیمان و خانواده های اسیران و شهیدان فقط در ماه رمضان نیازمند نیستند، آنها همیشه باید دستگیری شوند و اهل خیر و هر کس که توانایی دارد باید به این طبقات رسیدگی کند. عبادت هم برای همیشه است، هرچند اجر و ثواب چندبرابری در رمضان می رسد، اما در دیگر ماه ها به فرایض و واجبات و نوافل اهتمام کردن شیوه مسلمانی است.

در حدیث شریف آمده است که بهترین عمل نیک همان است که دوام داشته باشد، هرچند قلیل و اندک باشد. حال ما باید با در نظر داشت مصروفیات روزانه خود، پلانی برای رازونیاز با خدای خود داشته باشیم و وقتی را برای انجام عبادات مختلف خاص کنیم. هرچند این عبادت ها کم باشند. اینگونه نباشد که تا رمضانی دیگر ما فرصت روزه گرفتن نداشته باشیم و توفیق تعاون با حاجتمندان از ما سلب شود و نماز شب و تهجد به کلی تعطیل شود.

برای روزه نافله باید روزه در اوقات خاص (مانند شش روز شوال، عشره اول ذوالحجه، عاشورا، هر دوشنبه و پنجشنبه و ایام بیض) را در نظر داشت و در حد توان برای روزه در این ایام تلاش کرد. صدقات نافله را هم به نحوی اهتمام کرد و روزانه بخشی از قرآن پاک را تلاوت نمود. از نمازهای نافله، اشراق، نماز چاشت، اوابین، تهجد و سنت های قبل و بعد از نمازهای فرض را بر خود لازم بگیریم. کم از کم برای حاجت های خود نماز حاجت بخوانیم، برای نعمت های بی انتهای پروردگار نماز شکر بخوانیم و بر گناهان توبه و استغفار نموده، نماز توبه بخوانیم. اینگونه می توان کل سال را رمضانی گذراند.



اهمیت اتحاد و اتفاق



ابو طیب جوزجانی

وحدت، اتحاد و همبستگی و همسویی از نظر همه اقشار در هر جغرافیای که باشند و اهل هر زبان، دین و آیینی که باشند یک صفت محمود و حسن است و در مقابل اختلاف، پراگندگی و درهم شکستگی فی ذاته چیزی مذموم و قبیح شمرده میشود از همین جهت هر نهضت وصاحبان هر نظام اتباع خود را به سمت اتحاد و اتفاق دعوت میدهند؛ اما جای حیرت در اینجاست که وحدت و اتفاق در میدان عمل و درمرتبه فعلیت کمتر سراغ گرفته میشود علت و عامل اصلی در فقدان و نبود این وصف حسن در بین قشر های جامعه اینست که دعوتها بسوی اتفاق تنها و تنها در قالب شعار وعنوانهاست وعاری از نیت و اراده هاست.

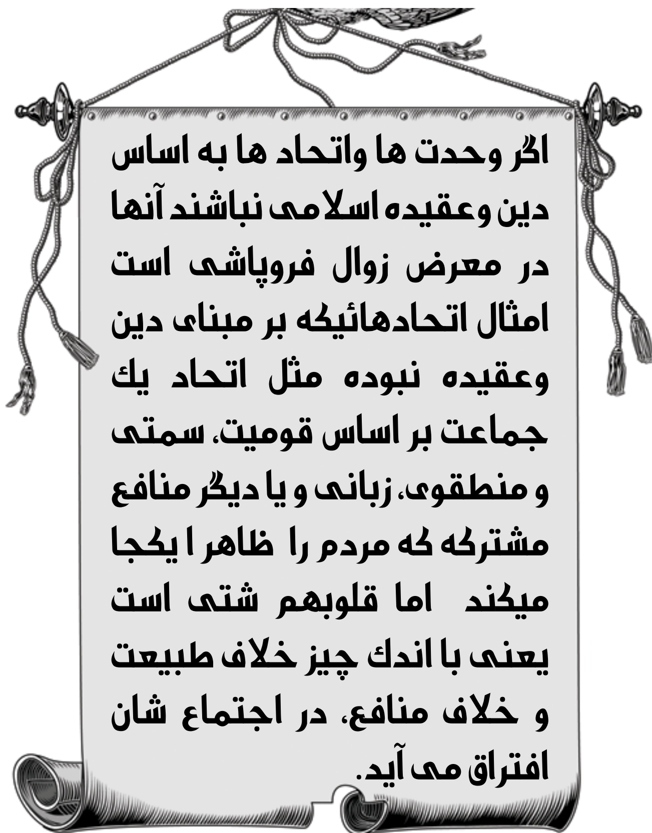
دیگر اینکه وحدت های صوری ساخته و بافته خود انسان هاست لهذا در اکثر موارد دیده شده در جای اتحاد و اتفاق، افتراق و اختلاف بروز میکند اما وحدت حقیقی که معیار کامیابی و کامرانی است و تحت روشنی کتاب الله و سنت رسول الله علیه الصلوۀ والسلام است در خود اصول وضوابطی دارد اگر وحدت ها واتحاد ها به اساس دین وعقیده اسلامی نباشند آنها در معرض زوال فروپاشی است امثال اتحادهائیکه بر مبنای دین وعقیده نبوده مثل اتحاد یک جماعت بر اساس قومیت، سمتی و منطقوی، زبانی و یا دیگر منافع مشترکه که مردم را ظاهر ا یکجا میکند اما قلوبهم شتی است یعنی با اندک چیز خلاف طبیعت و خلاف منافع، در اجتماع شان افتراق می آید پس معلوم میشود زیربنا وشالوده وحدت حقیقی همانا اسلام یعنی سرسپردن به فرامین واحکامات الهی است و بس چنانچه در کتاب الهی به این اصل تصریح گردیده است **(ان الدین عندالله الإسلام)** دین مرضی و پسندیده در نزد الله متعال همانا دین مبین اسلام است و تنها لایحه عمل برای نجات بشریت از ضلالت و گمراهی دین مقدس اسلام است.

وقتیکه انسان در سلک و مسلک اسلام داخل میشود

بخاطر آوردن اتحاد، الله متعال به دو اصل حکم میکند یکی جزء ایجابی است که «**اعتصام بحبل الله الممدود من السماء الی الارض**» و دیگری جزء سلبی است که مسلمانان نباید اختلاف و پراکندگی را اختیار کنند «**واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا واذکروا نعمة نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته الله اخوانا**» الله متعال میفرماید: (چنگ بزنید به ریسمان الله همه شمایان و تفرقه و پراگنده نشوید و یاد آورید نعمت الله را که برشماست وقتیکه بودید با یکدیگر دشمن سپس انداخت الفت و محبت را در قلب هایتان پس گردیدید با یکدیگر برادران) از این آیه متبرکه بصراحت دانسته میشود اصل و معیار وحدت و اتفاق اول ایمان به کتاب الله بوده و تسلیم شدن به فرامین آن است چونکه مفسرین حبل الله را به کتاب الله تفسیر نموده اند چنانچه از حضرت ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که «**کتاب الله هو حبل الله الممدودمن السماء الي الارض**» (روح المعانی ج ۴ص ۳۲۰) و در اصطلاح لغات عربی مقصود از حبل آن چیزی را گفته میشود که وسیله و یا ذریعه انجام کاری شود و در کلام الله مجید از این جهت به حبل تعبیر شده چونکه کتاب الله از یکطرف ارتباط اهل ایمان را با الله جل مجده برقرار می سازد و از طرف دیگر مسلمانان را در رشته واحد تنظیم ساخته یک جماعت واحد و یک پارچه می سازد.

و درجای دیگر کتاب الله چنین آمده «**ان الذین أمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا**» در این آیه نیز اشاره به اصل اتحاد گردیده الله متعال فرموده: (البته کسانیکه ایمان آوردند و عمل نیک و پسندیده کردند یقینا الله تعالی برای شان و دربین شان مودت و محبت را ایجاد میکند) و این بدیهی است که در بین انسانها وقتی محبت بیاید او محبت هم از جانب الله متعال واراده او باشد اختلاف دور و در جایش اتحاد وهمدلی وبایکدیگر احساس ایثار وقربانی به وجود می آید.

در همین ارتباط حدیث پیامبر اسلام -صلی الله علیه و سلم - هم صراحت دارد «**عن ابی هریرة عن النبي صلی الله علیه وسلم قال ان الله اذا احب عبدا دعا جبرائیل فقال یا جبریل اني احب فلانا فاحبه قال فیحبه جبریل قال ثم ینادي في أهل السماء ان الله یحب فلانا قال فیحبه اهل السماء ثم یوضع له القبول في الارض رواه مسلمین حدیث سهیل**» رسول الله علیه الصلوه والسلام در یک حصه از حدیث فرمودند: (وقتیکه الله متعال اراده محبت را با کسی بکند به فرشته خود جبرئیل



امین خبر میدهد که من فلانی را دوست میدارم توهم با او دوستی کن سپس جبرئیل به اهل آسمان ندا میکند یا معشر الملایکه الله متعال با فلانی دوستی و محبت میکند اهل آسمان نیز با وی دوستی را شروع میکنند سپس برای او مرتبه قبولیت و محبت در زمین مانده میشود و با او هر کس دوستی، مودت ومحبت را شروع میکند.)

درجای دیگر از کلام الله چنین ارشاد گردیده: «**و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبیل فتفرق بکم عن سبیله ذالکم وصکم به لعلکم تتقون**» ترجمه: (و البته همین دین کامل راه مستقیم و مسیر رضای ماست پس اتباع وپیروی آن را کنید و نروید به راه و روش های که اصل آن مهره های هوا و خواهشات است اگر چنین کردید از راه مستقیم منحرف میشوید اینست که به شما خالق تان توصیه و امر کرده تااینکه شما کامیاب شوید.)

و درجای دیگری الله متعال این قسم ارشاد میکند: «اطیعوالله و رسوله و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» (از الله و فرستاده او اطاعت وپیروی کنید و نزاع با یکدیگر را کنار گذاشته و اختلاف نکنید اگر چنین کردید پراگندگی و انتشار در بین تان به وجود می آید قوت، دبدبه و هیبت تان برداشته میشود.)

حدیث دیگری را مسلم چنین رواست میکند: «**ان الله**

وحدت و اتفاق از جمله مهمترین مقاصد شریعت اسلام بوده است، از اهمیت وحدت است که احکام قتال با بُغات، خوارج و مرتدین مشروع گشته است و در عمل به چنین آیات و احادیث است که رضای الله متعال و رسولش (صلی الله علیه و سلم) به دست می آید.

یرضی لکم ثلاثا ویسخط لکم ثلاثا یرضی لکم ثلاثا ان تعبدوه و لاتشرکوا به شیئا و ان تعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تتفرقوا و ان تناصحوا من ولاه امرکم و یسخط لکم قیل و قال و کثرة السوال واضاعة المال» یعنی (یقینا الله تعالی راضی و خوشنود میشود از شما از سه چیز وناراض میشود از سه چیز، اسباب رضایت، اول عبادت الله ذوالجلال که از هرگونه شرک و ریا خالص باشد و ترک تمام اقسام شرک، و دوم عدم اختلاف و تفرقه، و سوم برای صاحب امر وامرایتان که در روشنی کتاب وسنت انتخاب شده اند خیرخواه باشید و الله تعالی از سه چیز نا خوشنود میشود اول قیل وقال و بحث های احساساتی، دوم بدون کدام ضرورت سوال کردن و سوم ضایع کردن مال.)

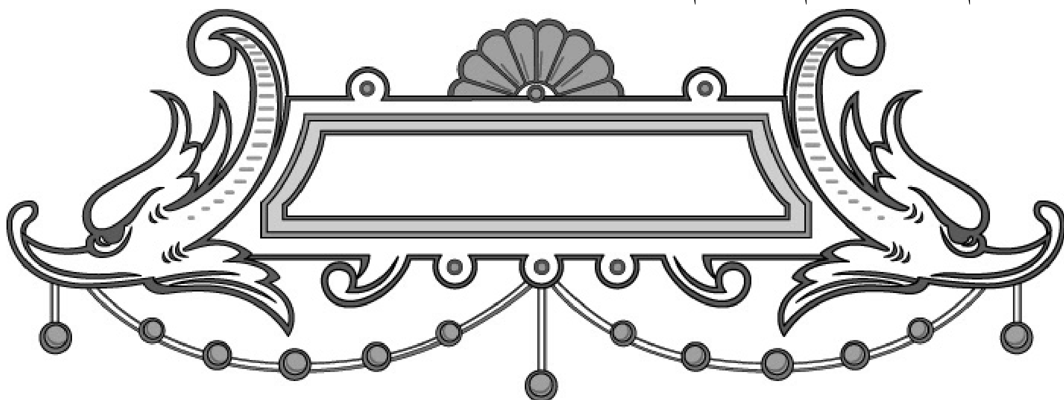
از نصوص فوق الذکر معلوم میشود که اتحادیکه بر مبنای خواهشها ومنافع مادی باشد و بافته و تافته خود انسان ها باشد موقتی و در حال پروپاشی است اما اجتماع و انسجامیکه شالوده وتهداب او ولاء و براء و منظور شده از آسمان باشد نتیجه بخش، دایمی و نشانه بارز برای رسیدن به کامیابی است از همین جهت است ائتلاف ها، شعارها و هیاهوی اتحاد در بین اقشار مختلف جامعه به شد و مد در جریان است اما در زمان کم و کوتاه میبینم که از هم پاشیده می شوند چونکه یک چیز را در این بین فراموش کرده اند و آن در واقع سرخم کردن و تسلیم شدن به فرامین اسلام است در حالیکه شاید آنها از پشت و عقب فرع روان و دوان باشند.

فواید اتحاد و اتفاق بطور مختصر اینست که عامل اصلی حفاظت وحدت مسلمانان است و در وحدت شوکت، قوت وهیبت نهفته است.

پس نتیجه مبحث اینکه:

وحدت و اتفاق از جمله مهمترین مقاصد شریعت اسلام بوده است ، از اهمیت وحدت است که احکام قتال با بُغات، خوارج و مرتدین مشروع گشته است و در عمل به چنین آیات و احادیث است که رضای الله متعال و رسولش (صلی الله علیه و سلم) به دست می آید.

الله متعال به همه اهل اسلام توفیق وحدت، اتفاق، اتحاد، همدلی و مودت و دوستی را عطا نماید تا اینکه شهامت، غیرت، دبدبه و شوکت از دست رفته شان را دوباره تصاحب کنند. آمین!





علماء نباید حقایق دینی را تحریف کنند!

سعید بدخشانی

از آنجائیکه علماء وارثین انبیاء علیهم السلام می باشند، باید با ابلاغ و رسانیدن احکامات الهی و ارشادات نبوی صلی الله علیه وسلم به امت، فرض منصبی خویش را به جا بیاورند، و در راستای اصلاح جامعه، جهاد وتنفیذ نظام شرعی از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزند.

علماء اسلام مکلفیت دارند که حسادت، کینه، بغض، عداوت، دسایس و دشمنی دیرینه یهود و نصاری که در قبال پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و سلم، صحابه کرام، تابعین، تبع تابعین، علماء حقانی و مسلمانان واقعی داشتند و نیز دارند را برملا نموده و ملت مؤمن را از اهداف شوم وتباه کننده آنها برحذر بدارند.

نبی کریم صلی الله علیه وسلم و یاران راستین شان در راه گسترش اسلام و نابودی کفر، شرک، بربریت، یهودیت و نصرانیت وعقائد منحوس آنها، تکالیف ودشواریهای طاقت فرسا را متحمل شدند که بالآخره اسلام عزیز را در گوشه و کنار دنیا حکم فرما ساخته و انسانها را از بندگی بندگان بیرون و به عبادت خالق یکتا سوق دادند. بناءً وارثین آنها نباید اسیر دالر، جاه و جلال و مادیات ناچیز دنیا گردند، علماء نباید خود را وسیله دست کفار و بردگان زرخرید آنها بگردانند، علماء نباید حقایق دینی و نصوص را تحریف، حلال را حرام و حرام را حلال جلوه دهند.

بلی! جهاد یکی از فرایض مهم الهی است که به تغییر زمان ومکان تغییر نمیکند و تا روز قیامت در مقابل کافران، اشغالگران، تجاوزگران و مفسدین ادامه داشته و می یابد، هیچ کسی حق و صلاحیت تحریف وتحریم آنرا ندارد، لذا علماء اسلام نباید با تحریف نصوص قطعی وارده در مورد جهاد دنیا وآخرت خویش را تباه و امت مسلمهٔ را بیش از این ذلیل و هلاک بسازند.

جهاد ملت مجاهد افغان در مقابل دشمنان دین و بشریت جهاد دفاعی و در تطابق به اقوال فقهاء کرام می باشد، زیرا آمریکائیها همراه با شُرکای بین المللی کفری شان بر خاک و نظام اسلامی افغانها هجوم آورده اند، همه فقهاء کرام می نویسند که در صورت حملهء و تهاجم کفار بر کشور اسلامی و مسلمانان، جهاد بر مرد، زن، آزاد و غلام به گونه انفرادی و نفیرعام واجب است و بدون اجازه از یکدیگر جهاد کرده می توانند، و گرنه همه گنهگار و تارکین فرض می شوند. بناءً مبارزه وجهاد ملت با شهامت افغان در برابر اشغالگران ثابت و برحق می باشد، و با وارد ساختن شبهات، رد و یا تحریم نمی شود.

نمیدانم چرا چه بلا و مصیبت و مشکلاتی بر سر عدهء علماء(درباری) آمده است، که با فراموش نمودن و پشت پاه زدن به اصول ومقتضیات دین مقدس اسلام، طبق میل و خواسته های دشمنان اسلام و مسلمین در مقابل با اندیشه و روش جهاد، متاسفانه حرفها وسخنانی را ارائه می کنند که مخالفین و معاندین سرسخت اسلام، در حق جهاد و

سپاهیان سر بکف اسلام، همواره ورد زبان نموده اند؟!
مشاهده می گردد که تعدادی به اصطلاح از علماء، با همکاری و بلکه زیر سرپرستی غربیها، با قلم، زبان، اقتصاد، سیاست و رسانه های دست داشته جمعی وخبری شان، ناعاقبت اندیشانه وکورکورانه با کاروان ذلت بارضد جهادی و یاوران کوته نظر(به اسم صلح،آشتی ومدارائیکه درمتن آن ذلت مسلمین و بالادستی دشمنان خونخوار اسلام موج می زند) پیوسته واسلام را به نفع آنها توجیه و تحریف می کنند .
هر یکی تلاش می کند تا در این میدان سبقت نموده و مستحق تحسین ها وجوائزی شوند که دشمنان مکار اسلام، زیر عنوان ظاهری (عدم خشونت) ولی در واقع، برای تسلیم کنندگان سلاح جهاد و بلندکنندگان پرچم ننگین تسلیمی در برابر استکبار جهانی، آن را تخصیص داده اند.

علماء اسلام مکلفیت دارند که حسادت، کینه، بغض، عداوت، دسایس و دشمنی دیرینه یهود و نصاری که در قبال پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و سلم، صحابه کرام، تابعین، تبع تابعین، علماء حقانی و مسلمانان واقعی داشتند و نیز دارند را برملا نموده و ملت مؤمن را از اهداف شوم وتباه کننده آنها برحذر بدارند.

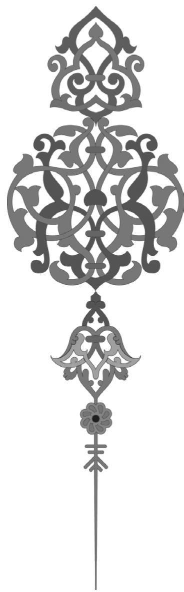
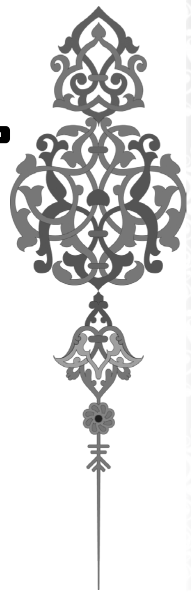
◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

هر کسیکه در راستای بازداشتن از راه خدا وجهاد قرار بگیرد، خواه مخواه به سرنوشت شوم و تباه کنندهء (و اضل اعمالهم) مواجه خواهد شد، هرکسی که باشد، چه کافر باشد وچه مسلمان چه جاسوس باشد و چه غلام چه عالم باشد چه ظالم چه این باشد و چه آن.

به این دسته از مردم به نام علماء، گوشزد باید کرد که حرکت امواج توفنده و متحرکانهء جهاد که از آن به «الجهاد ماض الی یوم القیامه» یاد می شود اینکه جهاد باقی ودایم است تاروز قیامت، بهتر است شما در ردیف کسانیکه لکهء ننگین (باز داشتن مردم از راه خدا) را بر پیشانی شان دارند قرار نگیرید تا مبادا به سرنوشت ناکامی وتضیع اعمال و سرانجام به ذلت دنیا وآخرت مواجه نگردید زیرا مفهوم و ترجمه آیه قرآنی است که الله متعال فرموده: «کسانیکه کفر ورزیدند و(مردم را) از راه خدا باز داشتند خداوند اعمال آنانرا باطل میسازد.»

بلی! هر کسیکه در راستای بازداشتن از راه خدا وجهاد قرار بگیرد، خواه مخواه به سرنوشت شوم و تباه کنندهء (و اضل اعمالهم) مواجه خواهد شد، هرکسی که باشد، چه کافر باشد وچه مسلمان چه جاسوس باشد و چه غلام چه عالم باشد چه ظالم چه این باشد و چه آن.
لذا آرزوی مسلمانان واقعی ازعلماء کرام اینست که از اشتراک در کانفرانس های ضد جهادی ودائر شده از سوی آمریکائیها جدا خود داری نموده و خویشتن را در دو جهان رسوا نسازند.
وماعلینا الا البلاغ المبین.



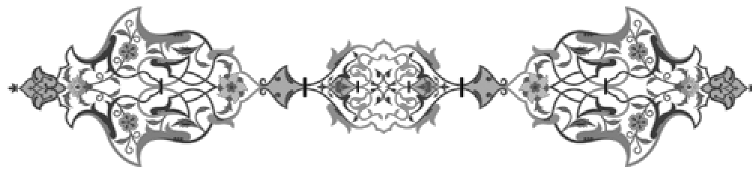



مصاحبهٔ اختصاصی مجله وزین حقیقت با



محترم مولوی محمد محسن هاشمی صاحب

مسئول جهادی در ولایت تخار



ترتیب: قاری منصور تخاری

سوال: محترم اگر ابتداء خود را به خوانندگان عزیز ما معرفی بفرمایید؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم.
حامدًا ومصلیًا.
احترامًا! از همه نخست به شما و تمام کار مندان تان وهمچنان سایر خوانندگان مجلهٔ وزین حقیقت سلام عرض میدارم و بعد بتوفیق خداوند متعال میخواهم مختصرا سولات تان را پاسخ دهم.
اسم من مولوی محمد محسن هاشمی فرزند محمد هاشم از ولسوالی فرخار ولایت تخار ، فارغ التحصیل از مدرسه قاضیان ضلع کوهات صوبهء خیبر پختونخوا.
برادر تان در آغاز جهاد جاری و اشغال کشور پنج سال مسئول جهادی در ولایت تخار بودم و بعد از آن پنج سال بصفت مسئول حلقه مشرقی کمیسیون نظامی مرکزی امارت اسلامی خدمت نمودم و سال گذشته طبق لزوم دید مقامات رهبری بصفت مسئول نظامی ولایت لوگر وفعلا بحیث خادم مجاهدین در ولایت تخارمسئولیت جهادی این ولایت باستانی را بدوش دارم.

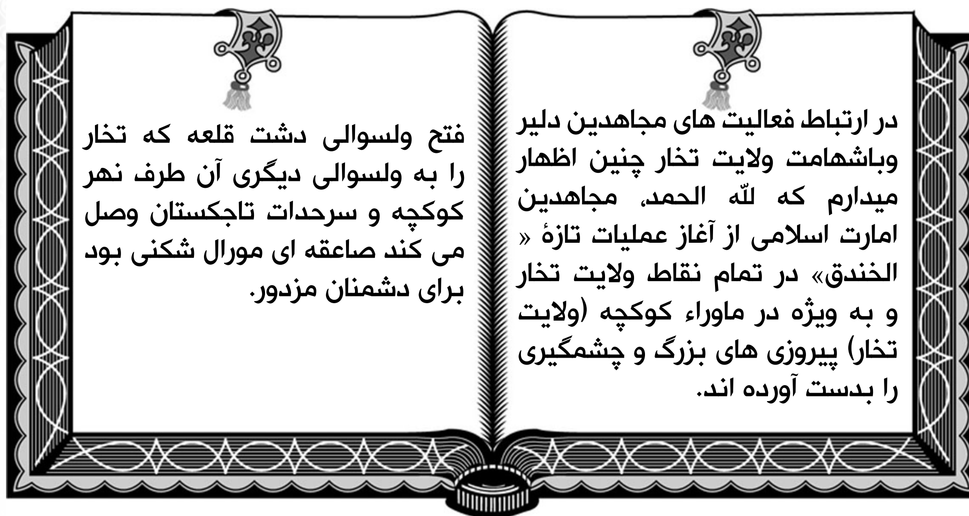
سوال: محترم اگر به ارتباط فعالیت های جهادی مجاهدین در ولایت تخار بطور خلاصه معلومات دهید؟

جواب: در ارتباط فعالیت های مجاهدین دلیر وباشهامت ولایت تخار چنین اظهار میدارم که لله الحمد، مجاهدین امارت اسلامی از آغاز عملیات تازهٔ « الخندق» در تمام نقاط ولایت تخار و به ویژه در ماوراء کوکچه (ولایت تخار) پیروزی های بزرگ و چشمگیری را بدست آورده اند، و دو ولسوالی و ده ها قریه های بزرگ و پوسته های محکم دشمن را به همکاری و استقبال مردم با شهامت این ولایت کاملا فتح و در کنترول خود درآوردند. میخواهیم مختصرًا چند عملیات های موفقانهٔ مجاهدین این ولایت را برای تان یاد آور شوم:

۱: مجاهدین قهرمان ولایت تخار در ادامهٔ عملیات منصوری یک عملیات بزرگ و گستردهٔ را با استفاده از یک تاکتیک ویژه ای نظامی به تاریخ ۲۰ جمادی الاخری ۱۴۳۹ هق موافق با ۸ مارچ ۲۰۱۸م ساعت ۹ شب بر مراکز و پوسته های اردوی اجیر و اربکی های شریر در ولسوالی خواجه غار به راه انداختند که در نتیجهٔ آن ۳۲ تن عساکر اردو و اربکی کشته و ۷۵ تن آنان به شدت زخمی شدند، مجاهدین یک مرکز بزرگ و بیش از ده ها پوستهٔ دفاعی دشمن را به گونهٔ کامل فتح نمودند و پرچم سفید امارت اسلامی افغانستان را در فراز ساختمان های آن به اهتزاز درآوردند.

۲: بار دیگر، مجاهدین سربکف امارت اسلامی دشمن را از بیشتر ساحات ولسوالی مذکور بیرون راندند و منطقه ای وسیعی را در تصرف کامل خود در آوردند.

۳: مجاهدین در ادامهٔ عملیات منصوری ساحات مختلف



از ولسوالی های ینگی قلعه، خواجه بهاءالدین و درقد را فتح و قوای چهار هزار نفری دشمن را شکست دادند، این عملیات در حالی صورت گرفت که نیروهای ادارۀ مزدور کابل در همان روز ها در طی یک عملیات وحشیانۀ که در ولسوالی های ماورای کوکچه به راه انداخته بودند ده ها تن غیر نظامیان را به شهادت رسانیدند و شهرکی را که مردم آن ولسوالی ها برای رفع حوائج اساسی شان در ولسوالی درقد اعمار کرده بودند ومیلیون ها پول افغانی را در آن جا سرمایه گذاری کرده بودند تخریب نمودند ، نیروهای مزدور اجناس دکان های شهرک عمری را به غارت بردند و سپس دست به تخریب املاک مردم زدند وحتی مدرسه، مسجد و کلینک آن شهرک را نیز منهدم ساختند و سپس به بهانهء نگهداری مخروبه های شهرک تا یک ماه کامل در مناطق نزدیکی آن شهرک به ظلم وستم ، چور و غارتگری ادامه دادند، خانه های مردم ملکی را بمباران و راکت باران نمودند، دکان ها وسرمایه های شخصی مردم را تاراج نمودند ، بدون کدام سند و دلیل داخل خانه های مردم ملکی شدند، پول های نقد و زیورات زنان را به بهانۀ تلاشی دزدیدند، مردم را لت و کوب کردند و مرتکب قتل های وحشتناک و جنایت های هولناک شدند .

نیروهای اجیر نیز درطی این مدت در اثر انفجارات و حملات مجاهدین با تلفات سنگینی مواجه گردیدند، شمار زیادی آن ها کشته و زخمی شدند، ده ها عراده تانگ و رینجر آن ها تخریب و ۲ چرخبال شان نیز سرنگون گردید و بالآخره پس از دیدن تلفات سنگین جانی و مالی و پس از شرمندگی و رسوایی بسیار در نیمه های شب از منطقه فرار کردند.

۴: طوریکه شما آگاه هستید درین روزهای اخیر ، فتح پوسته های سرحدات ولسوالی ینگی قلعه و پوسته ها وبرخی ساحات ومناطق ولسوالی چاه آب از جمله تصفیۀ یک منطقۀ بزرگ این ولسوالی به نام «جلگه» ادارۀ اجیر را به شدت سراسیمه ساخته بود.

۵: هجوم ناگهانی گروپ های منظم مجاهدین ولسوالی اشکمش این ولایت بر نقطه ای استراتژیکی «دره ای کلان» مشت کوبندۀ دیگری بود بر پیکر دشمنان دین اسلام.

۶ : فتح ولسوالی دشت قلعه که تخار را به ولسوالی دیگری آن طرف نهر کوکچه و سرحدات تاجکستان وصل می کند صاعقه ای مورال شکنی بود برای دشمنان مزدور. مجاهدین امارت اسلامی در جریان درگیری برای فتح این ولسوالی ده ها تن عساکر دشمن را کشته و زخمی ساختند، مقدار هنگفتی از اسلحه و مهمات به دست شان افتاد و پنج تن از نیروهای دشمن را به اسارت گرفتند.

.۷: وهمچنان بار دوم در جریان فتح پوسته های سرحدی در مربوطات ولسوالی چاه آب تعداد کثیری از افراد دشمن کشته و زخمی و شماری هم در حال فرار در دریای آمو غرق شدند و مهمات و تجهیزات نظامی آنان به دست مجاهدین افتاد. این دستاورد بزرگی دیگری بود از فتوحات مجاهدین تخار.

۸ : درین روز ها شما آوازۀ فتح وخبر خو شگوار و باور نکردنی کمیساری بندر آیخانم واقع ولسوالی دشت قلعه، را شنیده باشید حتی قلب رژیم کابل را به لرزه در آورد واین یک دست آورد بزرگی بود برای مجاهدین ولایت تخار و شرمندگی وسرافگندگی بزرگی به دشمنان دین.

وهمچنان شما شنیدید که مجاهدین ما به در وازه های شهرتالقان مرکز این ولایت رسیدند که یک عملیات کوبنده وبرق آسا در ولسوالی بهارک که یکی از ولسوالی های نهایت مهم و از طرف ولسوالی های ماوراء در وازه شهر تالقان است، براه انداختند طی ساعات اندکی توانستند چندین قریه را برای چند ساعات از لوث دشمن مزدور تسخیر نمایند وهمچنان یک مقدار مهمات نیز بدست آوردند.

سوال: در مورد فتح کمیساری آیخانم و اینکه مجاهدین چگونه موفق به تصرف آن شدند و نیز اگر خاطرۀ در این بین باشد بفرمایید؟

جواب: فتح کمیساری آیخانم که یک قرار گاه مهم نظامی مربوط پولیس سرحدی بوده کدام عملیات پلان

شده از ساحه و یا منطقه ای از نزدیک و اطراف آن نبوده که مجاهدین هجوم برده باشند بلکه این شبیخون و یا عملیات ویژه ای بوده که تمام آن را جهت برخی مسایل امنیتی نمیخواهیم بیان نمائیم فقط اینقدر باید گفت (در فتح کمیساری آیخانم) به تعداد سی نفرمجاهدین تحت قومانده ای یکی از فرماندهان شجاع ما عملیات مذکور موفقانه انجام گرفت که در نتیجهٔ آن عملیات ۸ رینجر ۳ تانک و دیگر غنائم هنگفت از سلاح ومهمات بدست آوردند که این چنان ضرر و زیان بزرگی بود که روحیهٔ دشمن را در هم شکست و غم و اندوه فراوانی را دامنگیر شان نمود.

خلاصه اینکه این همه عملیات های کامیاب و پر دست آورد مجاهدین ولایت تخار در حقیقت نشان دهندهٔ قاطعیت و صداقت مجاهدین این ولایت است این عملیات ها در واقعیت هشداری است برای همه عساکر ادارهٔ اجیر وتفنگ سالاران این ولایت که دیگر از صفوف دشمنان دین و میهن فاصله بگیرند و از ظلم و وحشت بر افغان های مظلوم خود داری بکنند و گرنه با عاقبت خطرناک و ذلت بار مواجه می شوند.

سوال: محترم بعضی رسانه هاچنین ادعا کرده بودند که گویا پیروزی های اخیر مجاهدین در تخار بخاطر همکاری کشورهای همسایه است در این مورد شما چه گفتنی دارید؟

جواب: ما در پهلوی ولسوالی های ماوراء کوکچه در آنطرف دریای آمو فقط یک کشورهمسایه داریم که تاجیکستان است.

ماهمیشه تلاش ورزیده ایم که از طرف مجاهدین به آنطرف دریای آمو مشکلی ایجاد نشود و این پالیسی امارت اسلامی نیز بوده که مابه همسایه هاهیچ نوع ضرر ومشکلی ایجاد نخواهیم کرد. دیگر هیچ نوع را بطهٔ باهیچ کشوری نداریم این حرفهای که بیهوده وبی اساس که در «سوشل میدیا» یا در «صفحات اجتماعی» نشرمیکنند کاملا عاری و دور ازحقیقت است. ادارهٔ مزدور مثل عادت همیشگی اش میخواهد شکست های جبران ناپذیرش را همینگونه به ملت توجیه نادرست بکند.

سوال: از رابطه مجاهدین با ملت شریف تخار بگویید و اینکه ملت تا چه حد همکار هستند؟

جواب: در چگونگی رابطه درمیان مردم و مجاهدین ولایت تخارگفته میتوانم که ملت شریف تخار این حقیقت

(در فتح کمیساری آیخانم) به تعداد سی نفرمجاهدین تحت قومانده ای یکی از فرماندهان شجاع ما عملیات مذکور موفقانه انجام گرفت که در نتیجهٔ آن عملیات ۸ رینجر ۳ تانك و دیگر غنائم هنگفت از سلاح ومهمات بدست آوردند.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

ماهمیشه تلاش ورزیده ایم که از طرف مجاهدین به آنطرف دریای آمو مشکلی ایجاد نشود و این پالیسی امارت اسلامی نیز بوده که مابه همسایه هاهیچ نوع ضرر ومشکلی ایجاد نخواهیم کرد.

را درک کرده اند که مجاهدین فرزندان اصیل ما بوده ما آماده هرنوع قربانی هستیم حقیقت هم همین است، مجاهدین از بطن ومتن همین ملت ظاهرگردیده است و در خدمت مردم بوده و می باشند و از سوی دیگر ملت تخار، غلامان وخود فروختگان و گرگان وحشی را شناخته اند و از ظلم وستم وباج گیری آنها در هر ولسوالی به ستوه آمده اند مجاهدین به هر طرفیکه روی میگردانند با استقبال گرم مردم روبرو میشوند و ملت تخار ازهیچ نوع همکاری مالی وجانی خود دریغ نمی ورزند
.

سوال: در کدام ولسوالیها ساحات بیشتر تحت کنترول مجاهدین است و در کل حالت کنونی دشمن را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: لله الحمد مجاهدین ولایت تخار در ولسوالی های درقد، خواجه بهاوالدین، ینگی قلعه، دشت قلعه، خواجه غار، بهارک، اشکمش، نمک آب و در برخی ساحات ولسوالی چاه آب ظهور بارز و مناطق وسیعی تحت کنترول دارند. و در دیگرولسوالی ها نیز مجاهدین مصروف عملیات های چریکی هستند و حضور مخفیانه دارند.

اما را جع به حالات دشمن باید گفت که دشمن درولایت تخار مور ال خود را از دست داده است در هر جا فقط درحالت دفاعی بوده حالت تعرضی وتهاجمی خود را از دست داده اند و فتوحات پی درپی قهرمانان تخار دلیل روشنی بر این مدعی است.

سوال: سایر فعالیت های مجاهدین در دیگر بخش ها را چگونه توصیف می فرمایید؟

جواب: مجاهدین ولایت تخار الحمد لله در پهلوی عملیات های نظامی دربخش های دیگر نیز دست آورده های خوبی

نهایت خوشحالم از خدمات فراوان و دست آورد های موفقانۀ کمیسیون فرهنگی و سایر همکاران که نبرد های سنگرداران و صحنه های گرم نبرد را تازه و به نحو احسن به سایر جهانیان انعکاس میدهند و آواز مجاهدین امارت اسلامی را به گوش ملت مسلمان خود و ملت های جهان ابلاغ مینمایند.

دا رند طوریکه شما از طریقه رسانه ها شاهد هستید مسئولین ولایتی در تمامی عرصه های مسئولیتی خویش از قبیل معارف، جلب وجذب، اطلاعات و کلتور، امر بالمعروف ونهی از منکر، استخبارات، جلوگیری از تلفات ملکی و ... خدمات ارزندۀ انجام داده اند.

سوال: مطبوعات و فعالیت های فرهنگی مجاهدین را آیا تعقیب می کنید و در این مورد اگر کدام گفتنی دارید بفرمایید؟

جواب: آری! سایت های پشتو، دری و سایر نشرات، و مقالات و مجله های حقیقت ومورچل، ثرک را همیشه مطالعه میکنم، و نهایت خوشحالم از خدمات فراوان و دست آورد های موفقانۀ کمیسیون فرهنگی و سایر همکاران که نبرد های سنگرداران و صحنه های گرم نبرد را تازه و به نحو احسن به سایر جهانیان انعکاس میدهند و آواز مجاهدین امارت اسلامی را به گوش ملت مسلمان خود و ملت های جهان ابلاغ مینمایند، واقعا بخشی از دستآورد های بزرگ امروزی ما نتیجۀ زحمات وانعکاسات بهتر ایشان بوده از خداوند متعال برای شان کامیابی های زیاد تر خواهانم.

درین رابطه نظربنده فقط این است که را پور ها، ویدیو ها، مضامین و مقالات که درسایت پشتو نشرمیشود متعاقبًا باید درسایت دری، عربی، اردو و غیره نیز نشر گردد تا بینند گان دیگر سایت ها منتظر نمانند.

سوال: محترم مولوی صاحب چه گفتنی به ملت خود دارید؟

جواب: پیام بنده منحیث مسئول جهادی ولایت تخار به مردم شریف، مجاهد پرور و قهرمان ولایت تخار و کافهٔ هموطنان عزیزیم اینست که داعیۀ برحق امارت اسلامی به همه روشن گردیده است که همانا نجات کشور از سلطۀ اشغالگران و پاسداری از شعائر اسلام، دفاع از نوامیس ملی و آوردن آرامش سراسری زیر چتر نظام خالص اسلامی است.

مجاهدین امارت اسلامی جهاد ومبارزۀ خود را برای این هدف ادامه می دهند و از مسلمانان دین دوست ومیهن پرور خود آرزومندم که درین راستا ازهیچ گونه همکاری با مجاهدین دریغ نکنند، صمیمانه در پهلوی فرزندان اصیل شان ایستاد شوند و فریضۀ دینی و ملی شان را اداء نمایند. و یکبار دیگر ثابت سازند که افغانستان یک کشور اسلامی و دین دوست و مستقل می باشد و ما از استقلال ملی و نوامیس اسلامی و شعایر اسلامی دفاع خواهیم کرد.
علماء و قومانداانان جهادی که درنظام غربی سهم ندارند برادران ما اند از تمام شان آرز ومندم که دوشادوش مجاهدین قهرمان خود ایستاده حمایت خویش را اعلان نمایند.

در اخیر، به ملت باشهامت تخار و سایر مجاهدین امارت اسلامی وبه ویژه مجاهدین ولایت تخار مژده می دهیم که ان شاء الله العزیز مقاومت در آستانۀ پیروزی نهایی قرار دارد، فتح کامل نزدیک است، باید با ضربات قوی تر وکوبنده تر به اشغالگران و خصوصا به غلامان داخلی آن ها ثابت کنند که حرکات و جنایات وحشیانۀ اشغالگران و مزدوران نمی توانند مزاحم عزم وارادۀ راسخ ما شوند یا سد راه پیروزی ما گردند و یا شور وشوق ما را ضعیف و کمرنگ بسازند، پیروزی را کسانی به آغوش می کشند که در برابر حوادث و جنایات دشمن ایستادگی می کنند و در راه رسیدن به هدف آمادۀ هر نوع قربانی هستند.

- با تشکر از شما که وقت خود را در اختیار مجله حقیقت گذاشتید؟
- از شما نیز تشکر میکنم و خوشحالم که صدای بنده از طریق مجلۀ وزین شما بگوش ملت می رسد.
به امید پیروزی های فراوان مجاهدین در سر تاسر کشور وختم اشغال، تامین نظام اسلامی در وطن عزیز..



و الفضل ما شهدت به الاعداء

سمیع الله زرمتی

دشمنان اسلام از بدو تاسیس امارت اسلامی پیوسه تبلیغات می کنند که حرکت طالبان شایسته حکومتداری بر افغانستان نیست. آنها می گویند که طالبان فقط و فقط یک سازمان جنگی و یا به اصطلاح شان دهشت افگن است که غیر از قتل، ویرانی، انفجار و کشتار نه چیزی رامی فهمند و نه هم می توانند کدام کار غیر جنگی را انجام دهند.

دشمنان اسلام، بخصوص رسانه های غرب و معاندان منطقوی ما از دو دهه در تلاش هستند که بر روی حقانیت و واقعیت امارت اسلامی نقاب زنند و به مردم افغانستان و جهان یک تصویر غلط و تحریف شده از امارت اسلامی بنمایش بگذارند. اما از آنجائیکه می گوید «با دو انگشت آفتاب پوت نه میشود» رسانه های غرب با وجود تمام امکانات و رسانه ها نتوانسته اند چهره حقیقی امارت اسلامی را مخدوش نمایند.

نکته جالب اینکه رسانه های که از دو دهه علیه امارت اسلامی تبلیغات غلط و دروغین پخش میکردند حالا از دروغ پراکنی خود مایوس شده به تسلیم حقائق رو آورده اند. در ین اواخر در چندین رسانۀ غرب راپورهای نشر شد که دال بر تسلیم واقعیت ها و ترسیم چهره واقعی امارت اسلامی افغانستان هستند. اینجا بخشی از همان راپورها را خدمت تان بعرض می رسانیم که به قول گذشتگان که میگفتند «والفضل ما شهدت به الاعداء» (برتری واقعی همان است که دشمن به آن شاهدی و اعتراف کنند) این راپور های مستند هم بر پیشرفت و کامیابی امارت اسلامی دلالت میکنند.

طالبان یک نظام حکومتی ایجاد کرده اند

روزنامه نامدار امریکایی واشنگتن پوست در شماره ۲۱ جون سال جاری می نویسد: «گزارش تازه یک نهاد تحقیقاتی آمریکایی نشان می‌دهد که طالبان موفق شده تا در مناطق تحت کنترل خود دولت سایه‌ای را تشکیل دهد که در برخی موارد از جمله آموزش و رسیدگی به موارد قضایی از دولت مرکزی افغانستان کارآمدتر است.

واشنگتن پوست می نگارد: «برای کسانی که تصور می کنند در مناطق تحت کنترل طالبان مردان برای نخواندن نماز مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و دختران مجبورند تا بجای رفتن به مکتب در خانه بمانند، گزارش تازه‌ای براساس مصاحبه با ساکنین این مناطق تصویر دیگری را ارایه می‌کند. این گزارش ساختار «نظام پیچیده دولت موازی طالبان» را تشریح می‌کند؛ که شامل کمیسیون‌های جداگانه برای مسایلی چون صحت، امور قضایی،مالی و سایر امور انکشافی می‌شود.»

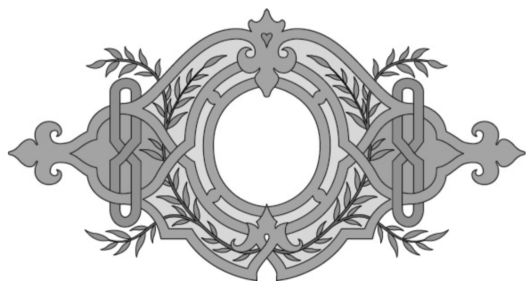
براساس این گزارش طالبان با ارایه خدمات و فعالیت‌های دولت مانند اکنون رویکرد خود را تا حد زیادی از اعمال و اجبار مستقیم به «نفوذ نامحسوس» تغییر داده اند، و اکنون خود را نه تنها برای مشارکت در زندگی سیاسی مردم بلکه برای اداره کشور آماده می‌کنند.

براساس یافته‌های این گزارش نمایندگان طالبان در بسیاری از مناطق به طور روزمره با نهادهای خدماتی، موسسات کمک کننده و دیگر گروه‌ها تعامل دارند تا درباره شرایط ارائه خدمات صحی، آموزش و پرورش و دیگر خدمات با آن‌ها گفتگو کنند. ماموران اداری طالبان مالیات و قبوض

برق جمع‌آوری می‌کنند و قضات آن‌ها به مسایل جنایی مردم افغانستان رسیدگی می‌کنند.
با اینکه دولت سایه ای طالبان بیش از یک دهه پیش تاسیس شده بود اما این گزارش نشان می‌دهد که دولت موازی این گروه با وجود حضور نظامیان خارجی تا چه اندازه گسترش یافته است.
بگفته واشنگتن پست رویکرد طالبان در مناطق تحت کنترل خود از اعمال خشونت و سرکوبگری به همکاری و استفاده از روابط عمومی تغییر کرده است. تا سال ۲۰۱۱ رهبران طالبان با ۲۸ نهاد ارایه کمک‌های بشردوستانه تفاهم‌نامه امضا کرده است که از جمله آن می‌توان به واکسیناسیون فلج اطفال اشاره کرد.
همچنان ارایه خدمات قضایی منصفانه و سریع در کشوری که روند سیاسی رسمی در آن آهسته و فاسد است نیز سبب محبوبیت طالبان شده است و قضات این گروه بخوبی آموزش دیده هستند.

معارف در مناطق زیر کنترول امارت اسلامی

(Overseas Development Institute) یا مؤسسه توسعه خارج از کشور، نهادی است که در مناطق مختلف جهان امور انکشافی را زیر نظر دارند. این نهاد در این اواخر یک راپور مفصل نشر کرده است که در آن بخصوص به چگونگی وضعیت معارف در مناطق زیر کنترول امارت اسلام پرداخته است.
در این راّپور تحقیقی آمده است: هرقدر که طالبان بالای مناطق تحت حاکمیت شان نفوذ و کنترل بیشتری پیدا کنند، به خاطر پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، شروع به ارایه خدمات آموزش و پرورش می‌کنند. طالبان در لائحۀ خود نگاشته است (تمام مؤسسات آموزش و پرورش باید در مطابقت با اصول و معیارهای کمیته آموزشی امارت اسلامی قرار داشته باشند. مقامات ولایتی و ولسوالی طبق روش‌ها و اصول کمیته آموزشی امارت اسلامی عمل خواهند کرد.)
راپور می افزاید: این یک واقعیت است که قبلا بسیاری از مکاتب دولتی و نهادهای معارف از سطوح بالای فساد و ناکارآمدی رنج می‌بردند. معلمان به صنوف درس نمی‌آمدند، کتاب‌های درسی به جای توزیع به فروش می‌رسید. فساد در معارف دولتی بجایی رسیده که از هر ۱۲ مکتب یک مکتب خیالی فقط بر روی کاغذ وجود دارد.
اما به اساس معلومات اکثر مصاحبه شونده‌ها که طالبان نظام آموزش و پرورش را بهبود بخشیده است.
طالبان دانش آموزان را نظارت می‌کنند، شاگردان باید لباس سنتی افغانی داشته باشند، معلمان می‌گویند که دیدار بزرگان طالبان از مکاتب تاثیر مثبتی بر رفتار شاگردان دارند و دانش‌آموزان با آمادگی بیشتر به صنف حاضر می‌شوند. اگر یک شاگرد در صنف درست رفتار نکند، معلمان می‌توانند به بزرگان طالبان مراجعه نمایند تا آنها همه چیز را مرتب کنند.
طالبان همچنان به به معلمین و نصاب درسی نیز نظارت دارند، چندین معلم مصاحبه شونده به ما گفتند که طالبان به صورت دوره‌یی از صنف‌های شان نظارت می‌کردند و بعداً نتایج نظارت شان را به آنها ارایه می‌کردند. ناظران طالبان همچنین بر حضور معلمان تاکید می‌کنند. چندین معلم گزارش دادند که بزرگان طالبان با مقامات دولتی برای بررسی پرونده‌های حاضری معلمان مشغول به کار استند و پرداخت معاش آنها به خاطر غیر حاضری بیش از یک روز در فی ماه متوقف شده است.
تغییرات که توسط طالبان در نصاب آموزشی و برنامه درسی می‌آیند از هم فرق می‌کند. طالبان به طور معمول، مضمون فرهنگ و کتاب‌های درسی که در رابطه به قانون بحث می‌کنند، از نصاب آموزشی حذف می‌کنند. این موضوعات به طور کلی با مطالعه اسلامی و مضامین دینی جایگزین می‌شوند.
و در آخر راپور آن شائعۀ دروغین رسانه های غربی هم تکذیب شده است که امارت اسلامی افغانستان را مسئول سوختاندن مکاتب می دانستند. راپور به این جملات پایان یافته است: «اگر کمی واضح‌تر و صریح‌تر بگویم، سیاست رسمی طالبان این نیست که جاهای را که از آنها به عنوان محل آموزش و پرورش استفاده می‌شود بالای شان حمله کنند. طالبان در وقت جنگ و درگیری به مردم روستاها هشدار می‌دهند که از محل درگیری دور باشند. در ولایت هلمند و کندوز، مناطق که گواهی درگیری شدید استند، مکاتب معمولا بعداز آمدن امنیت نسبی مجددا باز می‌شود. در مواردی که ساختمان‌های مکاتب در طی جنگ با طالبان بطور کامل ویران شده باشد، مکان‌های جایگزینی برای آموزش و پرورش در نظر گرفته می‌شوند»
از راپور های متذکره ثابت می گردد که کارنامه های امارت اسلامی در بخش خدمت به مردم، معارف، صحت و سائر امور انکشافی یک حقیقت مسلم و هویدا است و دیگر دشمنان ما نمی توانند که از این حقیقت انکار نمایند.



حقیقت مبارزه میان حق و باطل

نویسنده: فاروق غوری

برادرم این مسیر(مسیر دعوت و جهاد) با خارها مفروش است و بر هیچ چهارراهی آن گلهای صنوبر و بته های لاله کاشته نشده، هر قدمی که می گذاری خاری به پایت می خلد، باید صبر جرعه جرعه نوش جان کنی و به راهت ادامه دهی، زیرا این محل امتحان و میدان تنافس و معرکه برد و باخت است، اینجا نیزه ها به هم میخورند، اینجا سرها از تن جدا میشوند، اینجا زن ها بیوه، اطفال یتیم، خانه ها تخریب، مادران بی فرزند و پدران بی نورچشم می گردند.

آیا فکر نموده ای که اینجا آسوده حال، فارغ بال و خاطر جمع باشی، کنار فامیلت افسانه بگویی و با فرزندانت به ساعت تیری بپردازی، گاهی به روی طاغوت بخندی، گاهی شیطان را در آغوش بگیری و گاهی به شیخ منطقه سلام بدهی، سپس به میکده رفته شراب بنوشی و آخرهم راهی کعبه شوی، پس از بازگشت به محفل رقص و پایکوبی سرزده و هم باده ئ باده نوشان و هم پرّه قمار بازان گردی، بعدش بیایی ادعا کنی که من مجاهد حق و حیدر کرار و سیف الدین بیبرس دوران هستم ...

نه نه هرگز چنین شده نمیتواند و هرگز چنین نیست.

مگر در تاریخ کدام پیامبر خواندی که ویرا قومش، خصمش و دشمنانش با گلها ناز داده باشند، با وی نجنگیده باشند، علیه آن توطیه نکرده باشند، مکر و حیله و نیرنگ بر ضدش نبافته باشند، مردم را به ضدش نشورانیده باشند، بیا برویم سراغ لوط علیه السلام و قصه اش را در کتاب الله بخوانیم، ببنیم که وی با قومش چه سختی های را تحمل کرد و چگونه مورد آزار و اذیت آنان قرارگرفت... بیا که بخوانیم: «**وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (۷۷) وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِي فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (۷۸) قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۷۹) قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» (۸۰)**

: هود: ۷۷ - ۸۱

ترجمه: (هنگامی که فرستادگان ما (به صورت جوانانی) به پیش قوم لوط درآمدند، لوط بسیار از آمدن آنان ناراحت گردید و دانست که قدرت دفاع از ایشان (در برابر قوم تباهکار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسیار سخت و دردناکی است!.

قوم لوط (از ورود این جوانان زیبا آگاه شدند و) شتابان به سوی لوط آمدند.

(قومی که آلوده به گناه بودند و) پیش از آن هم اعمال زشت و پلشتی (چون لواط) انجام می‌دادند.

گفت: ای قوم من! (شرمتان باد! بر مهمانان من ببخشائید و) اینها دختران منند و برای شما (از آمیزش با ذکور) پاکیزه‌ترند (من حاضرم آنان را به عقد شما درآورم) پس از خدا بترسید و در مورد مهمانانم مرا خوار و رسوا مکنید (و بدیشان تعدّی و تجاوز منمائید). آیا در میان شما مرد راهیاب و راهنمائی، یافته نمی‌شود؟.گفتند: تو که می‌دانی ما را به دختران تو نیازی نیست، و می‌دانی که چه چیز می‌خواهیم!.

گفت: کاش بر شما توانی می‌داشتم (تا با قدرت و قوّت هرچه بیشتر با شما می‌جنگیدم و از مهمانان خود دفاع می‌نمودم) یا این که تکیه‌گاه محکمی (چون قوم و عشیره و پیروان فراوان و همپیمانان نیرومند) می‌داشتم و بدان (از دست شما) پناه می‌بردم (و به دفع اذیّت و آزارتان از مهمانانم می‌پرداختم و شما افراد خیره‌سر و بی‌شرم را سرکوب می‌کردم.)

لوط علیه السلام وقتی در مضیقه قرار می گیرد و حالت برایش تنگ می گردد و دلش از غم و حسرت پر می گردد، چه آرزو میکند، نمیگوید که با قوم خویش سازش میکنم، آنها را وعده های میانتهی و توخالی میدهم و یا دست از دعوت می کشم و عزت مهمان هایم را می کنم، هرگز، بلکه آرزو میکند تا قوتی داشته باشد تا فرق طاغوت را بشکند، وی میگوید: (**لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً**) کاش بر شما قدرتی میداشتم. یعنی میخواهد بگوید قوتی میداشتم تا بر فرق تان می کوبیدم و جسد های پلید تان را به زمین هموار می کردم. قوتی می داشتم تا دست طاغوت و طاغوتیان را

می شکستم تا بار دیگر به خیره سری، استکبار و ددمنشی خود ادامه ندهند. و آرزوی دیگرش چنین بود، وی گفت: **(أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ)**. یا اینکه تکیه گاه محکمی میداشتم. یا تکیه گاهی میداشتم که بدان پناه می بردم، از آن کمک می طلبیدم تا فرق طاغوتیان را بشکنم، قوم و عشیره ای هم فکر و هم نظر می داشتم تا کمکم می کردند تا شوکت باطل را از میان می بردم و مدینۀ فاضله ای ایجاد می کردم. این کارزار لوط علیه السلام با طاغوتیان عصر خود بود، کارزاری که جاویدانه گشت و آنرا الله عزوجل در کتاب خود ذکر نمود، تا درسی باشد به کسانیکه در آینده های می آیند، و سرمشقی باشد برای جوانانی که در قرون بعدی گام به میدان مبارزه و مقابله و مسابقه میگذارند و تا مشعلی باشد فرا راه دعوتگران حقیقی و راستین، کسانیکه دنیا را فروخته اند و در بدل آن به خاطر آخرت کار می نمایند.

موسی علیه السلام وقتی به میدان دعوت گام میگذارد، هیچگاهی مورد پذیرش طاغوت (فرعون) قرار نمیگیرد، بلکه ویرا تهدید میکند، اخطارش میدهد، قوم و ملت را بر ضدش می شوراند، علیه آن دسیسه میکند، الله عزوجل از آن حال اندکی ما را خبر میدهد، می فرماید: **وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (۲۶) غافر: ۲۶** ترجمه: فرعون (به اطرافیان و مشاوران خود) گفت: بگذارید من موسی را بکشم و او پروردگارش را (برای نجات خود از دست من) به فریاد خواند. من از این می‌ترسم که آئین شما را تغییر دهد، یا این که در زمین فساد را گسترش دهد و پراکنده سازد.

فرعون چون طاغوتیان معاصر رسانه ها را دراختیار دارد، قدرت دارد، به مردم می گوید، مرا بگذارید تا موسی را بکشم. در حالیکه وی حاکم است، چه ضرورت به اجازۀ مردم دارد؟ اینجا تعبیرات مختلف و دیدگاه های متفاوتی ارائه شده. ولی مگر طاغوتیان معاصر قبل از کشتن مجاهدین ودعوتگران محافل، مجالس و مشورت های را به راه نمی اندازند؟ مگر به خاطر اعدام و به دار کشیدن طفلکان موحد و مجاهدین راستین به علماء سوء و موی سفیدان ابله و مفکرین احمق پناه نمی برند؟ آری این سنت طاغوتیان در تمام عصرها می باشد. سپس به فرعون طعنه میزند، میخواهد آنرا بدنام بسازد و تشهیرش کند، ومیگوید:

«إِنِّي أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ»

من از این می‌ترسم که آئین شما را تغییر دهد، یا این که در زمین فساد را گسترش دهد و پراکنده سازد.

فرعون در عصر خود مردم را از فساد موسی علیه السلام می ترساند، این جای خیلی تعجب است، فرعونی که خود تا گوش ها د رفساد غرق است، فرعونی که یک قوم کامل را به بردگی گرفته، بچه های شان را می کشد و زنان شان را به خدمت گرفته، فرعونی که ادعای خدایی دارد، به مردم میگوید که موسی دین شما تخریب میکند و یا در زمین فساد مینماید. ولی طواغیت معاصر هم چنین رویکردی را در پیش نگرفته اند؟ بلی اینها هم به مردم می گویند که این مجاهدین نیستند، اینها جواسیس بیگانه ها هستند، اینها میخواهند کشور را تخریب کنند، اینها میخواهند نا امنی ایجاد نمایند، اینها میخواهند پل و پلچک را منهدم سازند، اینها میخواهند نظم خانواده ها را بر هم زنند، اینها میخواهند آب ها را به کشورهای همسایه بدهند، اینها میخواهند چنین و چنان کنند ... عین همان روشی که فرعون در پیش گرفته بود، آیا مگر :(**أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ**) ترجمه: (مگر همدیگر را (به گفتن چنین سخنی) سفارش کردهاند؟!نه، بلکه آنان مردمان طغیانگریند(وعامل وحدت عمل ایشان همان روحیه واحد خبیث طغیانگریشان است)

شهید سید قطب در شرح این آیت میگوید:

آیا این عین همان سخنی نیست‌که هر طاغوت تباه‌پیشه‌ای درباره هر دعوت‌کننده مصلح و اصلاحگری آن را زده است و می‌زند؟ آیا این عین همان سخنی نیست‌که فرد باطلگرای اخمو وترشرو آن را در برابر حق زیبا و آراسته‌گفته است و می‌گوید؟ آیا این عین همان سخنی نیست که شخص گول‌زننده ناپاک آن را رو در روی ایمان آرام و آرام‌بخش، برای برانگیختن احساسات مردمان‌گفته است و می‌گوید!

این منطق یگانه‌ای است‌که تکرار می‌گردد هر زمان‌که حق و باطل، و ایمان وکفر، و صلاح و طغیان، در طول روزگاران و در سرزمینهای مختلف، به همدیگر برسند و یکدیگر را ملاقات‌کنند. داستان قدیمی و مکرری است، و هرچندگاهی بیان و روایت می‌شود.)». { تفسیر فی ظلال}

پس سنت طاغوتیان و رسم مستکبرین در تمام زمانه ها یکیست، اگرچند وسایل و اسباب شان تغیر کند و نیرنگ های شان متعدد گردد، میان طواغیت گذشته و فعلی هیچ تفاوتی نیست، تنها زبان های شان شاید فرق داشته باشد، یا اجساد شان متفاوت باشد، یا شاید فرق شان این باشد که فرعون خیلی تنومند و قوی بود ولی کرزی و اشرف غنی لاغری اند.... این همه مهم نیست. مهم دین، منهج، عقیده، راهکار و نحوۀ اداره آنها جامعه را است. طاغوتیان قدیم هم به سوی افعال زشت و پلشت روی می آوردند، مردم را تشویق میکردند و برایش سرمایه گذاری و برای عملی شدنش زمینه سازی می کردند، طاغوتیان معاصر هم عین همان کردار را می کنند و عین همان عقیده را در سر دارند. پس دعوتگران راست تا بیدار شوند، بیدار باشند و آگاهانه در مسیر خویش گام بگذارند.

پایان



درمان اساسی معضلهٔ کنونی کشور

موفق افغان

بیشتر از سه دهه میشود که افغانستان در آتش جنگ و ویرانی می سوزد. در ابتدا اتحاد شوروی با همکاری یکعده از خود فروخته ها این کشور را به خاک و خون یکسان کرد مگر بعد از شکست شوروی و از بین رفتن حکومت دست نشاندهء آن، تنظیم های جهادی آن زمان، به جان یکدیگر افتیده و خون اندکی را که در رگ های ملت باقی مانده بود چوشیدند. یک مدت موقت و زودگزر امارت اسلامی بود که مردم افغانستان توانستند در این جریان آن نفس نسبتا آرام بکشند، اگرچه از زندگی مرفه و آرام برخوردار نبودند، دشمن تعزیرات و محدودیت های زیادی بر زندگی شان وضع کرده بود، اما حد اقل توانستند چند شب و روز را در امنیت و به دور از چور و چپاول و قتل و کشتار سپری نمایند. اگرچه یکعده از گروهک های شر و فساد به اشاره و حمایت مالی و نظامی شوروی و بعضی از کشورهای دیگر خواستند در این جریان نیز مردم را از این نعمت الهی محروم کنند اما نتوانستند بجز در چند منطقه محدود بر سایر مناطق کشور اثری داشته باشند.

این امنیت و آرامی نسبی هم برای دشمنان و اغیار قابل قبول و تحمل نبود. آنان از این بیم داشتند که مبادا این امنیت باعث گسترش ساحهء نظام اسلامی در این کشور شود لذا با بهانه های مختلف در زمان امارت اسلامی نیز ساحهء زندگی را بر مردم این مرز و بوم تنگ و تنگ تر ساختند و بالاخره به آن هم اکتفا نکرده و وارد میدان نبرد شدند و با تمام زور و نیروی خود مانند احزاب در زمان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به این کشور هجوم آوردند و یکبار دیگر گلیم غم را در آن هموار کردند که اینک بیشتر از یک و نیم دهه می شود که این غم و اندوه جریان دارد و به مرور هر روز بیشتر و شدیدتر می گردد.

مجاهدین امارت اسلامی واجب دینی خود دانستند که در مقابل این تجاوز و اشغال آشکار مزاحمت کرده، از کشور و ناموس خود دفاع کنند اما کسانیکه در زمان امارت اسلامی میخواستند مردم ما را از نعمت زندگی در امن محروم سازند، اینبار نیز به صف اشغالگران پیوسته و در اشغال کشور و ناموس خود، شانه به شانه اشغالگران در مقابل ملت خود قرار گرفتند.

هنگامی که دشمنان میخواستند بر کشور حمله کنند، امارت اسلامی پیشنهاد کرد که بگذارید موضوع از طریق مذاکرات و گفتگو حل شود و هر اشکالی که با افغانستان دارید آنرا می توان به شکل مسالمت آمیز آن حل کرد. چنانچه امارت اسلامی شواهد ادعاهای باطل دشمن را خواست تا در روشنی آن، موضوع را پیگیری کند اما دشمن که آن زمان گمان می کرد امارت یک لقمهء خیلی

مجاهدین امارت اسلامی واجب دینی خود دانستند که در مقابل این تجاوز و اشغال آشکار مزاحمت کرده، از کشور و ناموس خود دفاع کنند اما کسانیکه در زمان امارت اسلامی میخواستند مردم ما را از نعمت زندگی در امن محروم سازند، اینبار نیز به صف اشغالگران پیوسته و در اشغال کشور و ناموس خود، شانه به شانه اشغالگران در مقابل ملت خود قرار گرفتند.

آسان است هیچ اعتنایی به این مطالبهء امارت اسلامی نکرد و به زور متوسل شد. جنگ تحمیلی بر کشور ما آغاز شد که اینک بعد از گذشت ۱۷ سال هنوز هم ادامه دارد. این جنگ نه تنها کشور ما را تباه کرد و مردم ما را به خاک و خون کشانید بلکه باعث کشته شدن هزارها و معیوب شدن دهها هزار اشغالگر خارجی نیز شد.

مجاهدین امارت اسلامی به فضل خداوند متعال و همکاری مردم مجاهد و مسلمان خود توانستند دشمن را درس عبرت دهند و مجبور به شکست کنند. اکنون که بیشتر از ۵۰ ٪ خاک کشور در تصرف مجاهدین قرار دارد از همه سو آواز و مطالبهء صلح بالا شده است و کسانیکه تا دیروز در بمباردمان اشغالگران بر مجاهدین کف می زدند و اظهار خرسندی می کردند امروز ادعای صلح و گفتگو دارند. آنانیکه دیروز از زور صحبت می کردند و ادعا می کردند که یگانه راه تعامل با طالبان جنگ است، امروز در مقابل همان طالب زانو زده و خواهان مذاکرات و صلح دروغین هستند. این ها، خارجی هستند و یا داخلی، از لابلای این ادعاهای خود میخواهند منافقت کنند و تسلیمی در مقابل اشغالگران و دولت اجیر شانرا صبغهء صلح دهند.

این جناح های اشغالگر و مزدور، تلاش دارند جهت بر آورده شدن این هدف شوم خود راههای مختلف را اختیار کنند. آنان عده یی از ملاهای درباری را گردهم آورده و سعی کردند تا فتوایی مبنی بر مشروعیت خود صادر نمایند که در آن هم ناکام ماندند. در خارج کشور نیز تلاش های مشابه و ناکام را تجربه کردند. علاوه بر این، عده یی از غافلان و ساده لوحان را با نام های مختلف همچو پرلتی ها و کاروان صلح، تحصن کنندگان وغیره وظیفه دادند تا با اعاشه و اباته خارجی های اشغالگر مطالبه صلح یکجانبه کنند و چنان وانمود سازند که امارت اسلامی مسئول این جنگ است و اگر امارت دست از جنگ بکشد مشکل حل می شود.

حقیقت اینست که جهت های خارجی و داخلی و مردم فریب خورده و یا کسانیکه بخاطر یک لقمه نان دست به چنین برنامه ها می زنند، اگر واقعا خواهان صلح و خاتمه جنگ در کشور هستند باید به اصل ریشهء این مشکل بنگرند و در راه خشک ساختن آن تلاش کنند. شعارهای صلح و گفتگو در موجودیت اشغالگران، حکومت بی صلاحیت و فاسد در کشور را میتوان چنین تمثیل نمود که شخصی مبتلا به مرض ملاریا است و از شدت تب می لرزد، داکتر معالج بجای اینکه به علاج بیماری اصلی که باعث وجود تب شده است تركيز کند، مشغول است تب را درمان می کند و ملاریا را کاملا فراموش کرده است. در اینصورت همه عاقلان می دانند که شاید این داکتر بتواند برای یک ساعت و یا هم یک روز این تب را کنترول کند اما هرگز نمیتواند که بیماری را به این شکل علاج کند بلکه تا وقتیکه ملاریا علاج اساسی نشود و ریشه های آن از بدن خارج نشود علاج تب راه حل نیست و این مریض تا ابد به این بیماری مبتلا میماند و در بسا حالات این بیماری باعث از بین رفتن وی می گردد.

اکنون بیماری اصلی و منشأ اصلی جنگ در افغانستان اشغال و موجودیت خارجی ها است. در موجودیت خارجی ها هر نوع صلح بی معنا و بی مفهوم است. بلی شاید برای چند روز افغان ها با هم یکجا شوند اما تا آنکه یک عسکر خارجی در کشور باقی بماند نه وجیبهء شرعی میتواند ساقط شود، نه استقلال سیاسی بدست می آید و نه حکومت می تواند از مداخلات آنان در امان بماند.

پس یگانه راه حل اینست که همه به یک صدا مطالبهء اخراج اشغالگران را از کشور نمایند. راه اندازی ها، تحصن ها، پرلت ها، اجتماعات، کانفرانس ها، سیمینار ها وغیره هیچ یک راه حل این بحران نیستند زیرا امارت اسلامی نمیتواند با پذیرفتن این فشارها از موقف اصولی و شرعی خود تنازل کند و نه این تنازل به نفع ملت و کشور است زیرا تنازل در این صورت به معنای ترک وطن برای اشغالگران است که به هیچ دلیل نه برای ملت قابل پذیرش است و نه برای امارت اسلامی. امارت اسلامی که خواهان صلح واقعی در کشور است و نمیخواهد این جنگ تحمیلی از این بیشتر به

درازا کشانیده شود همیشه این موقف معقول خودرا خیلی آشکار و واضح بیان نموده و از جهان و مردم خود خواسته است تا از این موقف حمایت کنند و به این مشکل نقطه پایان نهند. پس اکنون اگر کسانیکه مخلصانه و واقعی خواهان صلح هستند باید در صدد حل مشکل اساسی شوند نه اینکه خود و ملت را با مصروف شدن در مشروع و برنامهء از قبل تهیه شده توسط دشمن و یا اجیران آنان فریب دهند. و اینعده از مردم باید خیلی واضح بدانند که اگر استفاده و

حقیقت اینست که جهت های خارجی و داخلی و مردم فریب خورده و یا کسانیکه بخاطر یك لقمه نان دست به چنین برنامه ها می زنند، اگر واقعا خواهان صلح و خاتمه جنگ در کشور هستند باید به اصل ریشهء این مشکل بنگرند و در راه خشك ساختن آن تلاش کنند.

◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇◇

کسانیکه واقعا خواهان صلح اند، زمام خودرا از ادارهء اجیر کابل بخصوص امنیت ملی برهانند و به شکل آزادانه و مستقلانه در مقابل ادارهء اجیر کابل بایستند و بپرسند که این اداره در جریان سالهای متمادی بخصوص سه سال اخیر چی ارمغانی به مردم آورده است. آیا این اداره نیست که به سبب اختلافات داخلی آن تمامی نظام کشور در هم و بر هم شده است؟

استخدام هر نوع زور و فشار، قتل و کشتار، زندان و تعذیب و زندگی مشقت بار در مغاره ها امارت اسلامی افغانستان و مجاهدین راه حق را در جریان یک و نیم دهه گذشته نتوانست وادار به ترک این مسیر و این هدف کند، این خیز و جست ها توسط افراد کرایی و فروخته شده هرگز نمیتواند اثری بر آنان وارد کند لذا بهتر است که همه اقشار ملت با اخلاص تمام بر مشکل اصلی و اساسی این بحران ترکیز کنند و راه های حل آنرا بسنجند. بجای راه اندازی این درامه ها، همه در مقابل پایگاهها و سفارت های اشغالگران ایستاده شوند و با یک صدا بگویند که شما منشأ شر و فساد هستید، شما باعث نا امنی، قتل و کشتار در کشور ما هستید، موجودیت شما باعث رنج و مشقت ملت ما گردیده است، بقای شما باعث افزایش نا آرامی ها و کشاله شدن مشکلات کشور ما گردیده است، شما در جریان هفده سال گذشته بجز جنایت و خیانت کار دیگری برای ما انجام ندادید پس لطفا کشور ما را ترک گویید.

علاوه بر این، کسانیکه واقعا خواهان صلح اند، زمام خودرا از ادارهء اجیر کابل بخصوص امنیت ملی برهانند و به شکل آزادانه و مستقلانه در مقابل ادارهء اجیر کابل بایستند و بپرسند که این اداره در جریان سالهای متمادی بخصوص سه سال اخیر چی ارمغانی به مردم آورده است. آیا این اداره نیست که به سبب اختلافات داخلی آن تمامی نظام کشور در هم و بر هم شده است؟ آیا این نظام نیست که به سبب اجیر بودن و غلام بودن اش تمامیت ارضی کشور و استقلال ملت زیر سوال رفته است؟ آیا این نظام نیست که زنجیر بردگی بیشتر از ۵۰ کشور جهان را به گردن انداخته است؟ آیا این نظام نیست که باعث شرمندگی ملت و کشور ما با قرار گرفتن در ردیف های اولی فساد، رشوت، بد اخلاقی، فحشاء، نا امنی، تولید مواد مخدر وغیره شده است؟

پس اگر این نظام چنین فاسد و فرسوده است، به این نظام نیز نه بگویند و بگذارند که کشور ما بعید از تجاوز خارجی و تحمیل اجیران داخلی فاسد و مزدور آباد گردد. مردم ما گرد هم آمده بر یک نظام واقعا اسلامی اتفاق نمایند و اجازه بدهند که نسل آینده زیر سایهء امنیت و رفاهیت بدور از جنگ و کشتار زندگی نمایند.



طالبان و اعادهٔ حقوق زنان

نگارش : ابن مبارک احمدزی

جنگ تبلیغاتی در تاریخ اسلام پیشینهء طولانی دارد. دشمنان اسلام همواره سعی کرده اند نام و نشان مجاهیدن را با تهمت ها و دروغهای شان خدشه دار سازند.بر همه هویدا است که با آمدن امارت اسلامی لشکریان شر و فساد از بین برده شدند.فساد اخلاقی،رقص مرده،بی حرمتی زنان،میخ کوبیدن بر سر مرد و زن افغان و توهین ارزشهای مادی و معنوی زنان از بین برده شد و همه چیز از آیینهء شریعت دیده میشد. یکی از حربهء های تبلیغاتی که دشمنان اسلام و بنده گان دموکراسی همواره طالبان و مجاهدین را به نقض و زیر پا کردن آن متهم میسازند همانا حقوق زنان است.حقیقت اینست که امارت اسلامی اصلاً حقوقی را به زنان افغان داد که در ۸ دههء اخیر مثال و نظیر نداشت؛ اما اینکه دشمنان مجاهدین با ارزشهای اجتماعی اسلام مشکل دارند و نمی توانند بر ضد آنها بگونهء آشکار بتازند؛ پس بر علیه مجاهدین تبلیغات منفی را براه می اندازند.الحمد لله که ملت مؤمن و مسلمان افغان حالا به حقیقت پی برده است.

یکی از دستاورد های مهم و عمدهء امارت اسلامی همانا اعادهء حقوق اصلی و اسلامی زنان مسلمان افغانستان است. اعادهء حق های که قرآن و سنت برای آنها داده است. حقوقیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در نهم ذی الحجه حین آخرین حج خویش(حجهٔ الوداع) بیان کرده است.این در حالی بود که قبل از آن در هیچ یک از قوانین بشری یا سیاسی حقوق زنان مد نظر گرفته نشده بود.حتا تا سال ۱۹۴۵ میلادی جوامع بشری کفری فکر آنرا نیز نمی کردند که آیا زن هم حقوق دارد!

در نیمهء قرن بیستم در فرانسه یک حرکت زیر نام فمینیزم آغاز به کار کرد،که در نتیجهء جد و جهد آن جهان کفری به حقوق زنان قائل شد.در جهان کفری حقوق زنان طوری که لازم است هنوز هم محفوظ نیست؛ اما در اسلام؛ زنان از حقوقی برخوردار اند که بر علاوهء عزت و امنیت فزیکی از نقطه نظر معنوی نیز محفوظ شده اند.

امارت اسلامی افغانستان با شجاعت و مردانگی حقوق قشر زنانهء افغانستان را احیا و زنده ساخت.که آنرا میتوان در پاراگراف های ذیل مطالعه کرد:

منع فروش خواهران و دختران:

قبل از حاکم شدن امارت اسلامی،خرید و فروش دختران و خواهران عام گردیده بود.همچون اجناس و اموال تجارتی دست بدست میشد.اگر پسر نامزد شده از لحاظ اقتصادی در حالت ناچاری قرار میداشت سالها انتظار میکشید تا پول طویانهء خود را بدست آورده و عروسی کند.مثالهای نیز وجود داشت که دختر در خانهء پدر پیر میشد و حتا وفات کرده است،این بخاطریکه پسر مجبور بود پول طویانه را پیدا کند ورنه عروسی کرده نمی توانست.

وقتی امارت اسلامی حاکم شد به ملت اعلان کرد که زن مسلمان و افغان آزاد و اصیل است.و خرید و فروش زن اصیل در شریعت اسلامی ممنوع شده است و اگر هر کسی بعد از این به چنین کاری دست زد از سوی محاکم امارت اسلامی طبق احکام فقه مجازات خواهد شد و در این باره رضایت دختر نیز شرط پنداشته نمی شود(بدین معنا

که دختر نمی تواند جلو مجازات پدر یا برادر خویش را بگیرد.)

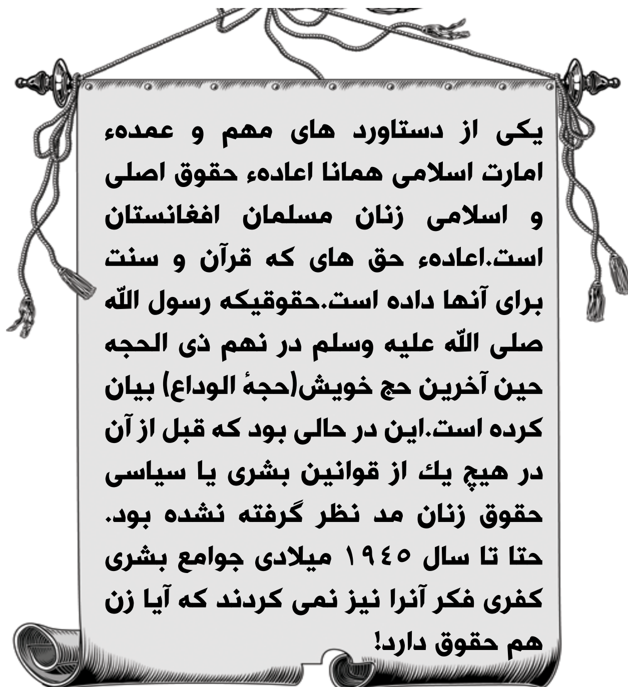
در بین اقوام افغانستان یک عرف ناپسند دیگر نیز وجود داشت که اگر کسی قتل میکرد، یا با دختر کسی فرار میکرد و یا هر عمل جنایی دیگر را انجام میداد و سپس دو طرف باهم صلح میکردند و یک گروه از مردمان سرشناس و ملک و خان منحیث میانجی در بین شان فیصله میکردند در این فیصله ها یک عرف زشت این بود که طرف ظالم مجبور بود یک دختر را به طرف مظلوم بدهد، اگر دختر باکره وجود نمی داشت طرف ظالم باید یک زن از بین خود را طلاق میداد و به طرف مظلوم می سپرد که الحمد لله با حاکم شدن امارت اسلامی این چنین امر کاملاً ممنوع اعلان گردید،امارت اسلامی به صراحت اعلان کرد که بعد از این کسی حق ندارد دختر و یا خواهر خود را به کسی منحیث یک متاع و جنس تجارتی بخاطر رفع دشمنی میان طرفین بدهد.اگر کسی چنین کار را انجام داد یا کدام جرگهء متنفذین چنین امر را صادر کرد؛ طبق هدایت شریعت و فقهء اسلامی با آنها رفتار خواهد شد.زیرا با اجرای چنین کار حقوق طبیعی زن زیر پا شده و حریت یا کرامت وی نادیده گرفته میشود.

زن بیوه حق نداشت که بدون رضایت خُسر و برادران شوهر عروسی کند:

آری! یک عادت و عرف ناپسند دیگر این بود که اگر زنی بیوه میشد،وقتی مدت عدت وی تکمیل میشد خسر و برادران شوهر؛ آن زن را اجازه نمی دادند تا اینکه طبق خواست و میل خود عروسی کند.به زعم آنها این زن نیز همانند اشیا و اجناسیست که از برادر شان به میراث مانده است و این حق مسلم شان شمرده میشود،طبعاً زن نیز چیزی از دستش ساخته نیست،پس مجبور است تا به خواست برادران شوهر و یا خسر خود گردن نهد.اینکه با بیون زن بعد از عروسی جبری چه کارهای صورت میگیرد یک بحث طولانی و دراز است که از آن صرف نظر میکنیم.

هنگامیکه امارت اسلامی حاکم شد به همه ملت اعلان کرد که هیچکس بعد از امروز بیوه را به ارث برده نمی تواند و نه هم به زور و جبر آنرا نکاح کرده میتواند؛ زیرا که هر دو امر خلاف شریعت اسلامی صورت میگیرد و در شریعت چیزی به این دو نام وجود ندارد و نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن منع فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (النساء – ۱۹)



ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما روا نیست که زنان را برخلاف میلشان به‌ارث برید یعنی: برای شما حلال نیست که آنان را از طریق ارث برای خویش گرفته و محبوس و مقیدشان گردانید، با این پندار که شما از خودشان به نفس‌هایشان ذی حق تر هستید، چنانکه اهل جاهلیت چنین می کردند و می کنند، لذا شما باید بدانید که زن کالایی نیست که به ارث برده شود و نیز ای شوهران! یا ای اولیایی شوهر متوفی! برای شما حلال نیست که ایشان رامنع کنید از این که با دیگری غیر از شما ازدواج کنند تا با این منع بتوانید میراث ایشان را ـ هنگامی که میمیرند ـ از آن خود سازید، یا بتوانید از این وسیله فشار برای بازپس گرفتن مهر ایشان استفاده کرده و آن گاه به ایشان اجازه ازدواج بدهید.

امام قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیت نوشته است که : آن عادت زشت و ناپسند جاهلیت باید از بین برده شود که بیوه همچون اموال و اجناس دیگر متوفی به ارث برده میشود، به زور و جبر یا ایشان نکاح صورت میگیرد و آنها اراده و اختیار شان را ندارند.

نصوص و دلایل بسیار اند که امارت اسلامی نیز آنرا مراعت کرده و طبق آن اعلان کرد که بیوه وکیل نفس و ذات خود میباشد،خواه عروسی میکند یا نه؛ اگر عروسی میکند کاملاً آزاد است که با هر کس بخواهد عروسی کند،خانوادء شوهر وی حق ندارد که همچون مال میراث از وی استفاده کنند و کار بگیرند.ملت مسلمان و مجاهد افغان نیز از این اعلان امارت اسلامی استقبال کرد و هیچکس با آن مخالفت نشان نداد.این ابتکار و دست آورد مربوط امارت اسلامی است،دست آوردی که در ۸۰ سال پسین هیچ حکومت و حاکمیت نتوانست حقوق بیوه را به وی بدهد و یا از آن دفاع نماید.

در بین اقوام افغانستان یك عرف ناپسند دیگر نیز وجود داشت که اگر کسی قتل میکرد، یا با دختر کسی فرار میکرد و یا هر عمل جنایی دیگر را انجام میداد و سپس دو طرف باهم صلح میکردند و یك گروه از مردمان سرشناس و ملك و خان منحیث میانجی در بین شان فیصله میکردند در این فیصله ها یك عرف زشت این بود که طرف ظالم مجبور بود یك دختر را به طرف مظلوم بدهد.

حق مهر:

یکی از حقوق مسلم زن حق تعیین مهر و خواستن آن است. امارت اسلامی اعلان کرد که اگر کسی میخواهد با دختری یا با بیوه زنی عروسی یا ازدواج نماید باید مهر را به آنها دهد،و این حق و اختیار آنهاست که مهر را به کدام اندازه و به کدام کیفیت تعیین میکنند.خواست آنهاست که معجل تعیین میکنند یا مؤجل؛ به هر صورت تعیین مهر دختر یا بیوه؛ نه حق حکومت است و نه حق خانواده،بلکه حق خود آنهاست،بر شوهران فرض گردانیده شده است که مهر زنان را بدهند تا حق شرعی جماع را با آنها مشروعیت داده باشند. مفسرین میگویند: بر شوهران است تا مهر زنان خویش را طوری بپردازند، مثلیکه دو طرف بین هم تحفه یا هدیه را تبادله میکنند یعنی مهر باید با خوشی و رضامندی ادا شود.

حق شوهر با رضایت:

از جمله حق زن همانا عروسی کردن طبق میل و رضایت خویش است.اسلام به دختر بالغ این حق را داده است که به رضایت خویش عروسی نماید،پدر و یا ولی مجبورش ساخته نمی تواند که حتماً باید با فلان شخص عروسی کنی،صاحب هدایه؛ کتاب بزرگ حنفی که یکی از علمای بزرگ قرن ششم هجری بشمار میرود در کتابش نوشته است: برای ولی جایز نیست که دختر باکره و عروسی ناشده را مجبور به ازدواج کند.« هدایه – جلد دوم – کتاب النکاح،باب فی الاولیاء و الاکفاء صفحه ۲۹۴»
و اگر زن با کسی ازدوا ج میکرد که از نظر دیانت کمونست،سیکولار و... باشد و از نظر نسب با آنها برابر نباشد و از نظر طایفه سیال آنها نباشد ولی حق دارد زن را از چنین ازدواج منع کند.در صورت های دیگر رضایت خود دختر است که با هر کس میخواهد عروسی کند و نه پدر یا ولی مجبورش ساخته میتوانند که با فلان شخص باید عروسی کنی،امارت اسلامی این حق را نیز به زنان داد،البته در چارچوب شریعت اسلامی و شرایط وضع شده از سوی آن.

حق میراث:

حق میراث نیز یکی از حقوق مهم و عمدهء زنان بشمار میرود.امارت اسلامی آنرا احیاء نمود.هم به طور ذوی الفروض و هم بگونهء تعصیب.زیرا که اسلام این هر دو نوع توارث را برای زن داده است.در حالیکه قبل از حاکمیت امارت اسلامی زنان از چنین حقوقی محروم گردیده بودند. محدود مردمی بودند که حق میراث زنان را به آنها میدادند. زنان نیز نمی توانستند از حقوق خود دفاع نموده یا آنرا کسب کنند.اگر احیاناً کدام زنی چنین میکرد تهدید میشد و هشدار برایش داده میشد.

حق درس و تعلیم:

حق درس و تعلیم نیز یکی از حقوق مسلم زنان است. امارت اسلامی هنگام حاکمیت خود در همهء ساحات برای دختران و زنان مدارس ویژه ایجاد نمود که آنها قرآن کریم را در آن حفظ میکردند،کتب فقه را یاد میگرفتند،بر علاوهء آن امارت اسلامی تمام آن فنون و علوم که در مغایرت با شریعت اسلامی قرار نداشت و شرایط برای آن مساعد بود همه را برای دختران و زنان نه تنها مهیا نمود بلکه در این راستا کوشش نهایی نمود؛ چون خیاطی،گلدوزی،فن تربیه و پرورش اطفال و غیره...

منع اعمال و افعال ناروا در حین خوشی و اندوه:

وقتی امارت اسلامی حاکم شد،بعضی از کارهای ناروا و نا پسند را که در جامعه رواج شده بود منع کرد.رسومی که شباهت با رسوم مشرکان داشت و قبل از اسلام نیز تا حدی

معمول بود.مثلاً ساز و سرود و رقص در مراسم عروسی که قبل از آمدن امارت اسلامی به شیوهء اروپایی چنین کارها صورت میگرفت،خانه و کاشانه و دوکان هر افغان بجای ذکر الله عز و جل مرکز موسیقی و ساز گردیده بود.قسمی گمان میشد که گویا افغانستان یک کشور اروپایی است.بعضی از علمای سوء و استفاده کننده گان از نام علماء طوری وانمود میکردند که موسیقی غذای روح است و شنیدن آن باکی ندارد.در حالیکه برای مرد و زن مسلمان ذکر الله عز و جل غذای روح است،الله عز و جل میفرماید:

الذین آمنو و تطمئن قلوبهم بذکر الله،الا بذکر الله تطمئن القلوب(الرعد – ۲۸)

ترجمه: رجوع کننده گان بسوی الله کسانی اند که ایمان آورده اند و دلهای شان مطمئن و آرام میشود با ذکر الله،با خبر باشید که با ذکر الله دلها آرام میگیرد و مطمئن میشوند. مؤمن حقیقی هرگز موسیقی را غذای روح نمیداند. زیرا موسیقی حرام است و ذریعهء دور شدن از ذکر الله و مشغول شدن به فسق و فجور است.از همین جهت در قرآن برایش لهو الحدیث گفته شده است،در حرمت و ناروا بودنش بیش از ۴۰ حدیث آمده است.تمامی انواع و اقسام موسیقی در شریعت اسلامی حرام است و برای از بین بردن دیانت و رشد فساد اخلاقی یک ذریعه و عامل بزرگ پنداشته میشود.از همین جهت بود که امارت اسلامی کاملاً آنرا ممنوع کرد،به ریاست امر بالمعروف و نهی عن المنکر امر نمود که تمامی مراکز و وسایل موسیقی را از بین برده و نابود سازند. و در صورت تخلف با سرکشان رفتار و برخورد قاطعانه کنند.

منع ذبیحه یا حلاله در زیر پای عروس یا برای استقبال عروس:

یکی از عادات ناپسند و ناروا در بین مردم این هم بود که وقتی عروس از خانهء پدر به خانهء شوهر میرسید؛ به مجرد رسیدنش در زیر موتر،شتر و یا اسپش یک گوسفند و یا حد اقل یک مرغ را بخاطر استقبال از آن ذبح میکردند.با خون مذبوحه بانت موتر یا پیشانی شتر/اسپ را سرخ میساختند.

خوشبختانه با آمدن امارت اسلامی این امر و عادت هندوها کاملاً منع گردید.زیرا که حلال نمودن چیزی بنام شگم برای عروس نظر به آیت قرآن حرام بوده و در بحث (ما اهل به لغیر الله) می آید.

مفسر مشهور علامه شبیر احمد عثمانی در تفسیر کابلی مینویسد: هر آن چیزیکه بخاطر تقرب و تعظیم غیر الله ذبح شود اگر در جریان ذبح کردن نام الله گرفته شود یا نه حرام و ناپاک است.خوردن آن به مثابهء گوشت خوک است. اگر بنام شخص زنده باشد یا مرده فرق نمیکند.

الله عز و جل در آیت ۱۴۵ سورهء انعام و آیت سوم سورهء مائده ذبح بنام و بخاطر غیر الله را حرام قرار داده است. همینگونه رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز به کسانی که بنام غیر الله ذبح میکنند لعنت فرستاده است.« صحیح مسلم، جلد سوم،کتاب الاضاحی،باب التحریم الذبح لغیر الله، حدیث ۱۹۷۸»

نظر به نصوص شرعی و در چارچوب شریعت امارت اسلامی این امر ناپسند و جاهلیت را کاملاً منع کرد. همینگونه در عروسی ها کارهای دیگر جز این را نیز منع کرد.امارت اسلامی میله و سیل و سیاحت بر سر قبرستانی ها و جشن گرفتن در آنجا را منع کرد،زیرا که نوروز عید مجوسیان است و نبی کریم صلی الله علیه وسلم از آن منع فرموده است.در واقع از هر آدرس و جاییکه به ارزشهای ممعنوی زنان ضرر و زیان متوجه بود امارت اسلامی آخرین تلاش هایش را به خرچ داد تا جلو آنها را بگیرد و آنرا متوقف یا ممنوع سازد.

امارت اسلامی متعهد است تا در چارچوب قرآن و احادیث نبی کریم صلی الله علیه وسلم حقوق مسلم زنان و هر قشر دیگر جامعه را به وجه احسن آن ادا نموده و به آنها بدهد.

امارت اسلامی متعهد است تا در چارچوب قرآن و احادیث نبی کریم صلی الله علیه وسلم حقوق مسلم زنان و هر قشر دیگر جامعه را به وجه احسن آن ادا نموده و به آنها بدهد. هر چند جنگ تبلیغاتی در این زمینه تا حدی برای دشمنان اسلام مؤثر واقع شده اما حقیقت اینست که امارت اسلامی هرگز حقوق زنان را زیر پا نکرده بلکه برای حفاظت و تأمین آن سعی و تلاش نهایت زیاد به خرچ داده است.با وجود آنکه امارت اسلامی در ۵ سال حاکمیت خویش در حالت نظامی و جنگی قرار داشت اما حقوق شهروندان را به وجه احسن و بگونهء عادلانه به دیدهء احترام نگریسته است.

پایان



آتش بس یا فتح دلها؟

محمود احمد نوید

فقط اشک بود که در چشم های نازنین هر هموطن مظلوم، از افغانستان تا هر کجای دنیا جاری گشت وقتی سربازان اسلام پس از اعلان آتش بس سه روزه، در روز نخست عید در عمل به اجراء گذاشته و تجلیل به عمل آوردند.

آن روز بر افغانها تنها عید نبود بلکه یک جشن با شکوه و واقعی بود؛ خوشحالی، محبت و صمیمیت، اخلاص و تواضع، قوت و غیرت همه با هم به نمایش گذاشته شد.

همه با هم در کنار هم در یک روز بزرگ، عید فطر را تجلیل کردند؛ اما این عید با سایر اعیاد گذشته فرق های زیاد داشت، در این عید بعد از نزدیک به ۱۸ سال ملت، مجاهد را در سرک ها و جاده های شهرها و قرای تحت تصرف رژیم دیدند، و دیدند که مجاهدین (یا همان طالبان) بچه های خودشان اند، فرزندان غیوری که یا حافظ قرآن اند یا عالم دین، ولی بخاطر نجات سرزمین اسلحه به شانه دارند.

مجاهدین امروز در نماز عید فطر چنان صحنه های زیبا خلق کردند که از توصیف آن هر قلمی عاجز است، بله امروز روز شناخت، محبت، آرامی، امنیت، درک حقیقت و گوشه ای از زندگی صلح آمیز و پر صفای افغانها بود.

ایکاش ...

ایکاش سربازان اردو، عساکر و پولیس های که امروز در بعضی ها ولایت ها در مرکز شهرها و ولسوالی ها طالبان را در آغوش گرفتند درس بگیرند که مجاهد بیگانه نیست، برادر مجاهدش کسی است که برای نجات دین، سرزمین و بخاطر اعادهء عزت و استقلال کشور خود از چنگ اشغالگران امریکایی جهاد می کند، مجاهدین جهادشان هرگز علیه افغان ها و ذات البینی و یا بخاطر قدرت طلبی و چوکی خواهی نیست، بلکه آنان برای عزت افغانها می جنگند، برای بلند کردن بیرق و درفش توحید در جای جای این سرزمین و برای سرکوبی دشمنان واقعی دین مبارزه می کنند.

سربازان اردو، پولیس و سایر ارگان های رژیم کابل باید از این چانس طلایی استفاده کرده و به واقعیت مسئله پی ببرند که دشمن واقعی همه امریکاست، اشغالگران متجاوز اند کسانی که به دنبال بدبختی ملت مظلوم افغانستان اند؛ و وقتی نیروهای خارجی نباشند آثار این صمیمیت ها و درک این لحظه های زیبا که برای اکثریت هموطنان ما مثل خواب خوش می ماند اینگونه به عین واقعیت تبدیل می شود.

آفرین مجاهد!

امروز در نخستین روز آتش بس (مجاهدین) همه به قدرت طالب پی بردند، که قدرت مهم در افغانستان که در برابر امریکا و طرفداران امریکا در حال مبارزه اند همین مجاهدین و فرزندان دلبند و رشید اسلام اند، امروز همه دیدند که طالب چقدر در اطاعت از امراء و رهبری عالیقدر خود با وفاء و متعهد است، امروز همه با چشم سر مشاهده کردند آنچه را که طالب بارها و بارها از روی خیر و دلسوزی به عساکر رژیم اعلان کرده بودند که جهاد شان بخاطر بیرون راندن قوت های خارجی از کشور است و این نکته را در عمل ثابت ساختند که نبرد فعلی افغانستان در واقع نبرد اسلام و کفر است نه نبرد بین الافغانی، و بلکه نبرد امریکا علیه ملت مسلمان و مظلوم است و متاسفانه از اولاد افغانستان علیه مجاهدان قهرمان استفاده می شود.

آن عید چنان چسبید که اشک شوق و خوشحالی را از دیدگان همه در آورد، چنانچه در بسیاری از ولایتها، ملت مومن و طرفدار جهاد، با استفاده از فرصت، به استقبال طالبان حتی کیلومترها از شهرها برآمدند و وقتی مجاهدین را دیدند چنان صمیمانه به آغوش گرفته و اشک خوشی و شوق می ریختند که گویی این یعقوبیان زمان دیریست که انتظار یوسفیان خود را می کشند.






دمی با یک مسئول بلند پایهٔ طالبان در قندوز

نوشته: مصعب بغلانی

خاطره سفر چند وقت قبل یک مجاهد که در یکی از ولایات کشور (قندوز) سفر کرده بود خاطره خیلی جذاب ومسرت بخشی را که با یکی از والیان امارت اسلامی ملاقات داشته بود بیان کرد خواستم حکایت جالب او را با شما خوانندگان عزیز مجله حقیقت شریک بسازم .

ایشان خاطره خوشحال کننده اش را چنین حکایت می دارند که روزی در یک اطاق نشسته بودم یکی از دوستان خاص والی صاحب آمد و در کنار من نشسته بود از طریق مخابره با دیگر مسئولین آن ولایت از جمله ولسوال ها، سرگروپهای نظامی وسائر مسولئن رابطه برقرار می نمود هر مسئول و مجاهد که کدام پیشنهادی داشت از طریق مخابره و یا هم از طریق تماس تلیفونی برایش می گفت آن همراه والی صاحب هر یک آن پیشنهادات را بسیار به یک احساس خوب و مسئولیت پذیری بخاطر اینکه از یادش فراموش نشود جدا جدا یادداشت گرفته از طریق مخابره با آن رفیق دیگر که با والی صاحب هر وقت همراه می باشد باز گو می نمود که امروز فلان مسئول و یا فلان ولسوال و یا هم فلان مجاهد چنین پیشنهاد داشت به هر آن چه که برایش گفته شده بود به گوش والی صاحب میرساند، والی صاحب هم بسیار به یک مسئولیت پذیری خاص و در نهایت اخلاصمندی وصادقانه بلادرنگ برای رسیدگی آن به مسئولین ذیربط هدایت می داد که به مشکلات و پیشنهادات مطرح شده رسیدگی شوند .

وی افزود در یک مورد برخورد زیبا و احساس عمیق او در قبال خانوادهء شهداء و رسیدگی عجولانه او به نیازمندی ایتام بود که نهایتا خوشم آمد دلم را شاد کرد مظلوم پروری آن دوران زرین عمر ثالث مرحوم عالیقدر امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله را به یادم آورد و ذهنم را تازه کرد برخلاف ادعای آن مخالفین کینه توز

و دشمنان قسم خورده امارت اسلامی که همیشه علیه رهبران و امراء مخلص ما پروپاگاند کاذبانه نموده به تبلیغات سوء می پردازند.

لله الحمد والمنه افتخار دارم هنوز شاگردان وفادار و مخلصین فداکار عمر ثالث زنده اند که عهد به وفا، اخلاص درعمل و صداقت در گفتار از وجود پرثمرشان می بارند که تقوا در انجام امور و مسولیت پذیری نمایان است، اوصاف نیک زیب و زینت دیگری به آنها بخشیده که در قلب تک تک یاران وهمسنگران شان جایگاهی خاصی دارند همه رعیت دوست شان داشته و به جز اوصاف زرین و نیکو چیزی دیگری را از زبان آنان که در تحت قلمرو حاکمیت شان زندگی می کنند را نمیشنوید واقعا اجرآءات و برخورد آن مسئول بلند پایه جهادی در قندوز در برابر رعیت اش خدایی یافتم که این چنین اوصاف زرین را مرحوم عالیقدر امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله داشت که همه دار و ندار وهستی اش را فدای مظلومان می کرد، دست یاری را بسوی بی نوایان دراز می کرد، مظلومان را نوازش می داد.

وی در مورد اجرائات آن والی صاحب افزوده گفت زمانی که من خود در آنجا حضور داشتم شاهد صحنه کارهای عملی شان بودم چند روز محدود به عید سعید فطر باقی مانده بود هر یک از مسئولین و مجاهدین بخاطر ضرورت و نیازمندی های که در عید داشتند به وی یاد آوری می کرد که من به لباس وجیب خرچی عید ضرورت است و همچنان بعضی از مسئولین خانواده شهداء وایتام را به وی یاد آوری می نمود که به کمک وجیب خرچی عید ضرورت دارند، بطور مثال برای یک سرگروپ جهادی اگر ده هزار افغانی خرچه می داد برای هریک خانواده شهدآء مبلغ دو چند بیشتر از آنها خرچه عید داده می شد.

و همچنان توجه اورا در قبال مجروحین و معلولین و رسید گی عجولانه اش را خدایی یافتم این چنین احساس عمیق او در قبال خانواده شهداء ونوازش دلسوزانه او با ایتام دلم را شاد کرد.

خیلی برایم مسرت بخش بود و به خود فکر کردم که دراین چنین یک شرایط حساس که دنیا را فتنه و فساد گرفته دنیا طلبی وتمایل بسوی آن به اوج خود رسیده هنوز وجود چنین امراء دلسوز ومهربان یک رحمت است از جانب رب العالمین برای بنده گان حق طلب اش .

قابل یاد آوری میدانم اینکه زندگی شخصی آن والی صاحب را پرسان کردم که اقتصاد شخصی او چطور است گفتند یک برادر دارد که همان نان آور خانه او است و زندگی بسیار فقیرانه دارد.

در يك مورد برخورد زيبا و احساس عميق او در قبال خانوادهء شهداء و رسيدگی عجولانه او به نيازمندی ايتام بود كه نهايتا خوشم آمد دلم را شاد كرد مظلوم پروری آن دوران زرين عمر ثالث مرحوم عاليقدر امير المومنين ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله را به يادم آورد و ذهنم را تازه كرد.



خيلی برايم مسرت بخش بود و به خود فكر كردم كه دراين چنين يك شرايط حساس كه دنيا را فتنه و فساد گرفته دنيا طلبی وتمايل بسوی آن به اوج خود رسيده هنوز وجود چنين امراء دلسوز ومهربان يك رحمت است از جانب رب العالمين برای بنده گان حق طلب اش .



له اوربند وروسته جهادي فتوحات

حبیب مجاهد



د تیر کوچني اختر په ورځو کې مجاهدینو د عام اولس د هوساینې او د دې لپاره چې مؤمن هیوادوال د اختر مذهبي مراسم د امن او ډاډ په فضاء کې ولمانځي دری ورځنی اوربند وکړ. دغه اوربند چې که څه هم لږې ورځې وې خو مطبوعاتي انګازه یې خورا زیاته وه تر دې چې کورنیو او بهرنیو رسنیو ورباندې په ورځو ورځو تبصرې او خبرې وکړې.

څرنګه چې دې اوربند د مجاهدینو په نسبت د عامه خلکو نظر مثبت لوري ته واړاوه، دغه راز یې د دښمن د کلونو تبلیغات په اوبو لاهو کړل او ورسره د دښمن د عسکرو روحیه هم تر دې حده وځپل شوه چې اوس یې عملیاتي او جنګي مورال بایللی او په ډلو ډلو تسلیمیږي. نو دښمن د دې لپاره چې دغه لاسته راوړنې کمرنګه کړي په تبلیغاتو یې شروع وکړه چې له اوربند وروسته د مجاهدینو عملیات او بریدونه کم شوي دي او نظامي برلاسي یې بایللې ده.

په دې لیکنه کې له اوربند وروسته د یوې اونۍ په جریان کې د جون میاشتې له ۲۳ تر ۳۰ پورې جهادي پیښنو او مهمو بریاوو ته ځغلنده کتنه کوو. تر څو پوه شو چې مجاهدین لا هم په قوي مورال د دښمن په مقابل کې په جهاد بوخت دي او په وروستیو کې یې ستر فتوحات لاسته راوړي. له اوربند وروسته یوه اونۍ کې مهم او د پام وړ جهادي عملیات په فاریاب، کندز، وردګو، بادغیس، غزني، کونړ، هلمند، تخار او ننګرهار ولایاتو کې وشول.

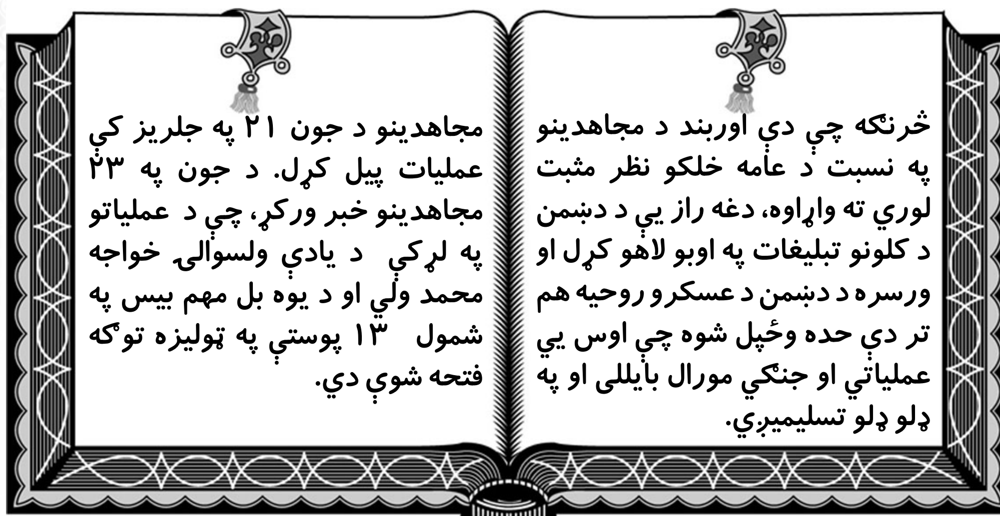
د جون په ۲۳ مه په کونړ کې د غازي اباد، وټه پور، سرکانو او شیګل په ولسوالیو کې په حکومتي پوستو، او بیسونو هم مهاله بریدونه ترسره شول.چې دښمن ته یې تلفات درلودل. د جون په ۲۶ مه د کونړ په چپه دره کې اسلامي امارت د داعشیانو خلاف عملیات پیل کړل چې دا په کونړ کې د داعش خلاف لومړني منظم عملیات وو. د ترلاسه شویو معلوماتو له مخې د عملیاتو په لړکې تردې د مه ۹ تنه داعشي اختطافګر وژل شوي، یوشمیر یې ټپیان دي او پاتي نورو یې له سیمې پښې سپکې کړې دي.دغه راز یې ۷ مهمې پوستې ونیول شوې او په سیمه کې د اسلامي امارت مجاهدین ځای په ځای شول. تر دې څو ورځې وړاندې د لغمان الینګار کي مجاهدینو داعشیان له منځه وړي وو.

په میدان وردګو کې د تیرې اونۍ غټ خبرونو د جلریز فتوحات او د بامیان لار ترل دغه راز د یوې ورځې لپاره په سیداباد کې د کابل کندهار لارې بندول وو.

مجاهدینو د جون ۲۱ په جلریز کې عملیات پیل کړل. د جون په ۲۳ مجاهدینو خبر ورکړ، چې د عملیاتو په لړکې د یادې ولسوالی خواجه محمد ولي او د یوه بل مهم بیس په شمول ۱۳ پوستې په ټولیزه توګه فتحه شوې دي.

د جلریز د عملیاتو په جریان کې د دښمن ګڼ عسکر مړه اوټپیان شول او پاتي نورو یې چې شمیر یې ۷۲ تنه ته رسیده،له لږ مقاومت وروسته سپین بیرغونه پورته کړل او له مجاهدینوسره یو ځای شول، چې د مجاهدینو له لوري یې هر کلی وشو او ټولو ته کرایه ورکړل شوه اوخپلو کورونو ته واستول شول.

د جلریزه په مفتوحه بیسونو اوپوستو کې له دښمن څخه ۴ ټانګونه، ۲ عرادې رینجر، ۸۰ میله کلاشینکوفونه، ۱۵ قبضې راکټ، ۱۵ میله پیکاماشیندار، ۲ میله دهشکې، ۱ وسط هاوان، ۱ ۴۰ ، SPG۹ دانې نارنجک انداز، ۲ میله تومانچې. ۱ د شپې دوربین، ۸۱۰ پیره د راکټ، نارنجک انداز او هاوان مرمی، ۱۳۵ صندوقه، د پیکاماشیندار، کلاشیکوف



او دهشکې مرمۍ۱۵ دانې لاسي بمونه او يو شمير مهم توکي د مجاهدينو لاس ته ورغلل. د دې عملياتو په جريان کې د کابل – باميان لاره په بشپړه توګه د دښمن د هر ډول تحرکاتو په مخ تړلې وه.

دغه راز د ياد ولايت په مرکز او امنيه قومندانۍ هم د مجاهدينو له لوري پر لېسې بريدونه ترسره شول چې له امله يې دښمن ته درانه ځاني اومالي تلفات واوښتل، خو د دقيق ارقام يې تردې دمه نه دي ترلاسه شوي.

همدارنګه سيمې ته د دښمن راتلونکې کومکي قوه هم د مجاهدينو له لوري تر بريدونو او محاصرې لاندې ده، ۲ ټانګونه يې په مخامخ بريدکې او ۱ بل ټانک يې د ماين په چاودنه کې له منځه لاړل، چې له امله يې عسکرو ته هم مرګ ژوبله واوښته.

د جلريز له پيښې وروسته د کابل رژيم ميدان ته ځانګړې ځواکونه وليږل چې له مجاهدينو سره په جګړو واوښتل او پرمختګ يې ونکړای شو. دولتي ځواکونه په جلريز کې بمبار هم وکړ او ځينو عامو خلکو ته يې تلفات ورسول.د جون په ۲۶ مه طالبانو وويل چې د سيدآباد ولسوالي اړوند ماشين کلا سيمه کې يې په دولتي پوسته بريد کړی دغه راز يې د کابل ــ کندهار لويه لار د موقت وخت لپاره تړلې ده. په همدې ورځ رسنيو تبليغات شروع کړل چې طالبانو د شيخ اباد پُل منفجر کړی دی او په دې اړه يو عکس هم په رسنيو کې ګرځيده. خو وروسته يو کس د شيخ اباد د پُل ويډيو خپره کړه چې پل روغ دی او نړيدلی پُل د کندز د الچين پُل دی چې وړم کال دولتي چورلکو بمبار کړ او نړولی و. جلريز کې لا هم حکومتي بيس محاصره دی او طالبانو ډيرې سيمې نيولي دي.

د جون په ۲۳ مه خبر راغی چې د غزني په مقر کې ۱۷ تنه اربکيان مجاهدينو ته تسليم شوي دي. مقر په غزني کې د اربکيانو يوازينی محکمه پايګاه وه، خو د تير رمضان مياشتې په وروستيو ورځو کې مجاهدينو ورباندې عمليات وکړل چې په ترڅ کې يې ډيرې سيمې د اربکيانو له لاسه ووتلې، د اختر په شپو کې اوربند او له عسکرو سره د مجاهدينو نرم چلند ښايي په هغوی اغيز کړی وي نو ځکه اوس له جګړې لاس اخلي او تسليمېږي.

د جون په ۲۳ مه د کندز امام صاحب قرغان تيپه کې د کمانډو او پوليسو له ګډې قوې سره درنه جګړه وشوه چې په نتيجه کې يې ۳ ټانګونه ويجاړ او ۲۴ تنه عسکرو ته مرګ ژوبله واوښته.

د جون په ۲۸ مه د فارياب جمعه بازار ده نو سيمه کې د دښمن په قوه بريد ۳ ټانګونه ويجاړ ۸ عسکرو ته مرګ ژوبله واوښته. په همدې شپه د فارياب د چهلګزي ولسوالۍ مرکز ته نږدې يوه پوسته هم مجاهدينو فتحه کړه.

د جون په ۲۸ ما ښام مهال د کابل دريم مکروريان فردوسي پارک سيمه کې په پکتيکا کې د امريکايانو لوی ملګری، د سي آی اې کارمند او د صفر يک قطعي قومندان عزيز الله کاروان د مجاهدينو لخوا وويشتل شو. د نوموړي ورور وويل چې عزيز الله خصوصي مجلس درلود نو ځکه يې خپل ګارډان ورسره نه ول، ويل کيږي نوموړی له ضد مرمی موټر شخه دقيق ويشتل شوی او ورسره يې سکرتر سليم هم وژل شوی دی. د عزيز الله وژل کيدل ځکه لويه پيښه او مهمه بريا وه چې نوموړی په پکتيکا ولايت کې له تيرو پنځلسو کلونو راهيسې د امريکايانو د ځانګړي جګړه مار په حيث فعال و او زرګونه بې رحمه ټوپکيان يې درلودل. د عزيز الله قطعه امريکايانو به پرمختلليو وسلو او وسائلو سمبال کړې وه، د ځرخکو ملاتړ ورسره و او په مجاهدينو به يې چاپې وهلې. عزيز الله نه يوازې په پکتيکا کې عمليات کول بلکې په غزني او پکتياولاياتو کې يې هم کله په عملياتو کې شرکت کاوه. د نوموړي په وژل کيدو سره ډير امکان شته چې په دې سيمه کې د دښمن ملا ماته شي او مجاهدين به د الله تعالی په نصرت سره سترې برياوې د ځان کړي. لوړ ياد شوي فتوحات له اوربند وروسته د يوې اونۍ مهمې لاسته راوړنې دي. له دې نه علاوه په ورځني شکل د هيواد به لراوبر کې جهادي فتوحات لاهم په تونډۍ روان دي او دا خبره ثابتوي چې له اوربند وروسته جهادي عمليات زيات شوي دي او کمبود يې نه دی کړی.



ارتش محلی یا همان ملیشه های اربکی

سادات چرخی

کارشناسان و ماهرین حربی همه می دانند که تغییر دادن سنگر، عوض نمودن حربه و تبدیلی مانورهای جنگی بیانگر اینست که سنگر، سلاح و مانورهای قبلی ناکاره و غیر موثر بوده که آن طرف به تغیرات روش های جنگی شان مجبور شده است.
امریکایی ها نیز همه مانورهای نظامی شان را در افغانستان تجربه کردند که لله الحمد در برابر مجاهدین امارت اسلامی همه روش های رزمی آنان غیر موثر و ناکام شده است.
اتحاد جماهیر شوروی سابق هنگامیکه بالای میهن عزیزما یورش بردند، به مثل امریکایی ها پلان های جنگی شان را نا تمام گذاشته تغیر می دادند، روس ها نخست مستقیما در برابر مجاهدین وارد نبرد می شدند که بعد از تحمل تلفات سنگین، اسلوب جنگی شان را تغییر دادند و به اردو و پولیس متشکل از افغان های فروخته شده و دون همت رو آوردند و بعد از مدتی این پروسه نیز بی تاثیر ماند و برنامه های ملیشه سازی را در قریه ها و قصبات جنوب کشور طرح ریزی نمودند، این هم مدت بعد به ناکامی انجامید، بالاخره مجبور شدند تا پروسه بدنام تری را زیر فرمان جنرال دوستم (گلیم جم) در شمال کشور و جبار و عصمت مسلم در جنوب راه اندازی نمودند تا بتوانند افراد بی بندو بار و بی هدفی را بوسیله این جنایت پیشه گان علیه مجاهدین بسیج نمایند که جز چور و چپاول، وحشت، بربریت و جرائم گوناگون دیگر کاری نداشتند، در نهایت همه این پروسه های شوروی، نه تنها ناکام و غیر موثر ثابت شد بلکه سبب از هم پاشیدن نظام اداره مزدور آنها گردید و راه را برای پیروزی و فتوحات مجاهدین باز ساخت.
همین اکنون اگر تجاوز وحشیانه امریکایی ها و شرکای شان را بالای میهن عزیز خود دقیقا بنگریم و به مقاومت و جهاد مسلحانه مجاهدین امارت اسلامی نیز نظر اندازی نماییم دراین دو تجاوز (شوروی سابق و امریکایی ها) و هر دو مقاومت های جهادی ملت مسلمان افغانستان نیز تفاوت های زیادی وجود دارد.
هر دو تجاوز (شوروی و امریکایی) بالای افغانستان در حقیقت یکسان می باشد اما تجاوز شوروی ها بدون مشوره و کاغذ پرانی ها میان حلفای بین المللی شان صورت گرفت و تجاوز امریکایی ها براساس پلان از قبل طرح شده و ظاهرا با موافقه ملل متحد انجام یافت، اما کشتار و بی عدالتی های امریکایی ها در کشور ما نسبت به شوروی ها به مراتب بیشتر ظالمانه و وحشیانه بوده است.
در برابر تجاوز شوروی، مجاهدین که از احزاب مختلف و گوناگونی تشکیل شده بودند و در عین حال غیر متحد نیز بودند مقاومت می نمودند، تعدد احزاب جهادی خود یکنوع ضعف مقاومت کننده گان را نشان می دهد، اما با وصف آن هم، قشون به اصطلاح شکست ناپذیر شوروی که اکمالات اش نیز در افغانستان سهل بود در این کشور به زانو درآمد.
بیایید تجاوز کنونی امریکایی ها را بالای میهن عزیز خود بررسی نماییم، امریکایی ها از فاصله های تخمینا ده ها هزار کیلومتر دور بالای این کشور لشکر کشی و تجاوز نمود، که از یک طرف نقل و حرکت، تجهیز و اکمالات، قوای شان نه تنها سهل و آسان نیست بلکه هزینه هنگفت مالی را نیز ایجاب می نماید، تداوم چنین جنگ ها برای هر کشور حتی امریکایی ها قابل تحمل نمی باشد و در عین حال اداره مزدور و وطن فروش که با امریکایی ها در اشغال کشور شان همکاری می نماید نسبت به اداره مزدور داخلی دوران تجاوز شوروی به مراتب ضعیف تر، پراگنده تر، مفسد و غیر متحدتر می باشد که این خود نشانه دیگری است که امریکایی ها در این جنگ از شوروی ها بیشتر رسوا شده و شکست خورده و می خورند.
از سوی دیگر مقاومت و جهاد روز افزون فعلی افغان ها

اتحاد جماهیر شوروی سابق هنگامیکه بالای میهن عزیزما یورش بردند، به مثل امریکایی ها پلان های جنگی شان را نا تمام گذاشته تغیر می دادند، روس ها نخست مستقیما در برابر مجاهدین وارد نبرد می شدند که بعد از تحمل تلفات سنگین، اسلوب جنگی شان را تغییر دادند و به اردو و پولیس متشکل از افغان های فروخته شده و دون همت رو آوردند و بعد از مدتی این پروسه نیز بی تاثیر ماند.

مقاومت و جهاد روز افزون فعلی افغان ها (به سرکردگی امارت اسلامی) در مقابل امریکایی ها نیز رو به پیروزی می باشد که این دلائل خود را دارد و دلیل مهم آن (برعکس مجاهدین سابق علیه اشغال شوروی ها) یك پارچگی و اتحاد ناگسستنی افغان ها زیر پرچم واحد امارت اسلامی می باشد که اوامر آن با یك فرمان در تمام نقاط کشور بلادرنگ تطبیق و عملی می گردد.

(به سرکردگی امارت اسلامی) در مقابل امریکایی ها نیز رو به پیروزی می باشد که این دلائل خود را دارد و دلیل مهم آن (برعکس مجاهدین سابق علیه اشغال شوروی ها) یک پارچگی و اتحاد ناگسستنی افغان ها زیر پرچم واحد امارت اسلامی می باشد که اوامر آن با یک فرمان در تمام نقاط کشور بلادرنگ تطبیق و عملی می گردد، اخلاص و اخوت میان مجاهدین امارت اسلامی بی سابقه بوده که این در ذات خود، امریکایی ها را سراسیمه نموده و همه پلان و دسیسهء امریکایی ها را نقش بر آب ساخته است.

امریکایی ها در آغاز تجاوز شان نیز مانند شوروی ها مستقیما وارد عمل می شدند و می جنگیدند و افغان های حلقه بگوش شان را چندان اهمیت نمی دادند، اما بعد از آنکه امریکایی ها درمیدان جنگ، تلخی پیکار و مهارت های رزمی مجاهدین امارت اسلامی را دیدند، ناگزیر به افغان های جیره خور رو آوردند و تحت نام های اردو و پولیس شماری از وطن فروشان بدبخت را برای مقابله با مجاهدین بسیج ساختند و از آنان به حیث سپر انسانی استفاده نمودند.

این سلسله ادامه یافت تا اینکه امریکایی ها از نتایج اردو و پولیس داخلی نیز مایوس شدند و ساحات تحت کنترول مجاهدین بیشتر توسعه یافت و رسوایی شکست امریکایی ها در برابر مجاهدین امارت اسلامی نیز مطبوعاتی گردید، بالاخره امریکایی ها دست و پاچه شدند ناگزیر به مزدوران "کی جی بی" که در اداره دست نشانده کابل، بیشتر مورد اعتماد بودند رو آوردند و به امریکایی ها مشوره دادند تا از حربه زنگ خورده شوروی ها که پروسه ملیشه سازی است و بنام اربکی شهرت دارد استفاده نمایند و نخستین بار این برنامه را در ولسوالی اندر ولایت غزنی بنام قیام مردمی براه انداختند و این پروسه را در دیگر ولایت های شمال بنام خیزش مردمی نیز توسعه دادند که لله الحمد ملت قهرمان کشور بسیار زود به این دسیسه امریکایی ها پی بردند و جلو پیشرفت این برنامه شوم دشمن را گرفتند واکنون گلیم این پروسه بدنام اربکی سازی در کشور در حال برچیدن میباشد.

اکنون امریکایی ها می خواهند یک پروسه دیگری را برای ادامه اشغال شان در کشور تحت نام ارتش محلی روی کار نمایند تا بتوانند تعدادی از هموطنان ما را با این نام جدید اغفال ساخته در برابر ملت قهرمان کشور بجنگانند و به اشغال شان ادامه دهند که درحقیقت این ارتش محلی نی بلکه همان ملیشه های وحشی اربکی است که با اربکی های کنونی هیچ نوع ممیزاتی نداشته و حتی از اربکی ها بیشتر بی بند وبار، وحشی، خود سر و غیر مسئولانه عمل می نمایند، اما در حفظ منافع امریکایی ها مسئولیت تام دارند وظاهرا یونیفورم عسکری آنان به پیراهن و شلوار وطنی عوض شده است که این خود در کشور سیل وحشت، ظلم، بربریت، ملوك الطوایفی را ترویج داده و دست اندازی کشورهای مغرض خارجی را بیشتر مساعد می سازد.

در واقعیت ارتش محلی نه برای امریکایی ها نوید و مژده خوبی میدهد و نه برای هموطنان ستمدیده ما ارمغانی می آورد، بلکه طوفان جنایت، ظلم و وحشت را از اربکی ها بیشتر به این کشور سرازیر می سازد.

ان شاء الله سرانجام خشم ملت قهرمان کشور بیشتر به جوش می آید و علیه اشغالگران و مزدوران شان با کمال توانایی دست به کار شده در صفوف مجاهدین امارت اسلامی بیشتر منسجم میگردند و گلیم اشغالگران امریکایی و مزدوران داخلی شان را از کشور برای ابد برچیده و نظام مستحکم شریعت اسلامی را قایم می نمایند.

و ما ذالک علی الله بعزیز.





انتخابات به کدامین امید؟

ابوعمر بلوچی

افغانستان سربلند در زمان حاکمیت امارت اسلامی نظام شرعی، امنیت، آسایش قابل قبول و تجارت آزاد دارا بود که همه جهان را به حیرت وا داشته بود، و قوانین شریعت محمدی بر این خطه از کره خاکی حاکم بود، امارت اسلامی پناهگاه و چشم امید ستم دیدگان و امت اسلامی و خار چشم دژخیمان و طاغوتیان زمان بود و دشمن همواره سعی در تضعیف و نابودی امارت اسلامی و آن دوران طلایی و زرین داشت.

هفده سال از اشغال وطن عزیز توسط خون خواران و کفتارصفتان صلیبی و خائنین داخلی شان گذشته است، دشمن در این مدت ظلم های بی شماری در سایه سکوت جامعه جهانی و سازمان های حقوق بشری بر ملت مظلوم افغانستان روا داشته است، آن ها با شعار مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و آبادانی افغانستان بر این کشور از هوا، زمین و دریا حمله کردند و ارمغان این حمله چیزی جز خرابی کشور و تخریب زیر ساخت های شهرها و ولسوالی ها و به شهادت رسیدن و زخمی شدن هزاران نفر از مردم بی دفاع، بعلاوه میلیون ها آواره و مهاجر به کشور های همسایه و دیگر کشورهای اروپایی نبوده است .

آمریکای صلیبی با همکاران داخلی و خارجی اش برای سرپوش گذاشتن بر اشغال کشور و جنایت هایش و همچنین برای فریب دادن مردم و جامعه جهانی همواره دنبال راهکار های متفاوتی بوده است منجمله تبلیغات وسیع برای توجیه اشغال و تلاش برای زیر سوال بردن جهاد و نفی جهاد مقدس جاری در کشور، بلند کردن ندای صلح، استفاده کردن از علمای درباری برای فتوا دادن برعلیه جهاد و ناروا دانستن آن و در آینده چیره شدن بر تمام مدارس دینی و متون درسی یشان و صد ها پروژه در دست اقدام یا بررسی و علی الخصوص هر از گاهی با انتخابات های نمایشی و از پیش تعیین شده سعی بر فریب دادن مردم افغانستان و جامعه جهانی دارد.

اما مردم فهیم افغانستان در طول تاریخ نشان داده اند که همیشه حق را از باطل تشخیص داده، و هیچ گاه در مقابل ظلم سکوت نکرده و پوزه انگلیس و شوروی سابق و اکنون آمریکا و ناتوی صلیبی را به زمین مالیده و هیچ گاه فریب این نیرنگ ها و دسیسه های توخالی و پوشالی را نمی خورند .

اما انتخابات نمایشی پیش رو :

این انتخابات هم مثل انتخابات های گذشته صرفا جنبه تبلیغاتی و نمایشی دارد در جهت فریب دادن یک عده مردم ساده لوح و جامعه جهانی با نام آزادی و دموکراسی، و چیزی جز در راستای به قدرت رسانیدن اشخاص مورد اعتماد و نوکران حلقه به گوش غرب و ایادی داخلی شان نیست .

حکم انتخابات و نظام دموکراسی و دیگر نظام های ساخته بشر از دیدگاه اسلام و شریعت چیز مشخص و ظاهری است علی الخصوص در کشوری مثل افغانستان که در اشغال کفار صلیبی و ناتو قرار دارد که خود این بحث نیاز به یک مقاله جداگانه دارد .

اما این انتخابات براستی که یک بازی مفتضحانه و فریب آشکار است که رژیم کابل هم در اجرای اهداف و قوانین نوشته شده خودشان عاجز شده است و روزی نیست که در اخبار خود رژیم، خبری از ناکامی و روسیاهی برای سران اداره‌ء کابل نداشته باشد .

رژیم منفور و دست نشانده از هفته اول که این نمایش را شروع کرد ، با ناکامی مواجه شد و تعداد ثبت نام کنندگان

**** مردم فهیم افغانستان در طول تاریخ نشان داده اند که همیشه حق را از باطل تشخیص داده، و هیچ گاه در مقابل ظلم سکوت نکرده و پوزه انگلیس و شوروی سابق و اکنون آمریکا و ناتوی صلیبی را به زمین مالیده و هیچ گاه فریب این نیرنگ ها و دسیسه های توخالی و پوشالی را نمی خورند .**

**** این انتخابات براستی که یك بازی مفتضحانه و فریب آشکار است که رژیم کابل هم در اجرای اهداف و قوانین نوشته شده خودشان عاجز شده است و روزی نیست که در اخبار خود رژیم، خبری از ناکامی و روسیاهی برای سران اداره‌ء کابل نداشته باشد .**

**** این انتخابات از آغاز روند ثبت نام رای دهندگان و کاندیداها با اختلافات و ناکامی ها شروع شده و در آینده هم توقعی چندان برده نمی شود و هر چه به زمان برگزاری انتخابات نمایشی نزدیکتر می شویم تقلب و بی اعتمادی در حال اوج گرفتن است.**

برای رای دادن بسیار کم و ناچیز بودند و رژیم کابل مجبور شد بر خلاف ادعای خود و اربابانش از قوه ی قهریه و زور کار بگیرد در حالی که برخلاف دموکراسی مورد ادعای آنها است، چنانچه در همان اوایل جنرال رازق در قندهار و همچنین والی نام نهاد رژیم برای ولایت هلمند ثبت نام را اجباری کردند و مسئولین کانکور هم اعلام کردند که از محصلینی که تذکره شان تاپه نداشته باشد از ورودشان به جلسه کانکورجلوگیری می شود و در بعضی از ولایات من جمله نیمروز اعلام کردند، کسانی که برای رای دادن ثبت نام نکرده اند به شهر و ولسوالی ها داخل نشوند و گاها در ورودی های شهر مورد اذیت و آزار مامورین اجیر قرار می گیرند .

دشمن اجیر در بخش اجرا کردن انتخابات نمایشی خود هم دچار شکست شده چنانچه با توجه به گذشت دو سه ماه از آغاز طرح انتخابات نمایشی از نزدیك چهارهزار و اندی مرکز ثبت نام هنوز قریب به هزار و چهار صد مرکز هنوز بازگشایی نشده اند یا مواد انتخاباتی نرسیده است چنانچه در بخش قریه ها و قصبات حدود نیمی از مراکز ثبت نام هنوز بازگشایی نشده اند و آمارها در مورد تعداد ثبت نام کننده ها هم فقط در حد شعار است که هیچ کس حتی سازمان های ناظر بر انتخابات هم این ارقام را تایید نکرده اند که نشان از ترس رژیم از بیان کردن تعداد واقعی ثبت نام کنندگان بصورت شفاف است .

عدم اعتماد خود حکومت اجیر به برگزاری شفاف انتخابات:

عدم اعتماد برخی از اعضای مشرانوجرگه به برگذاری شفاف انتخابات پیش رو و همچنین سخنان عطاءمحمد نور به خبرنگاران که گفته بود: «اگر ائتلاف ما مطمئن نباشد که انتخابات به گونه شفاف برگزار می شود ایجاد حکومت موقت برای دو سال را پیش نهاد خواهد کرد» همه و همه اینها نشان از بی اعتمادی خود نوکران رژیم اجیر نسبت به انتخابات پیش رو دارد .

در آخر نکته ای را که امارت اسلامی در خصوص انتخابات یاد آور شدند بازگو می کنم: «تعیین زعامت یا شوراهای مردم در زیر چتر اشغال، جفای بزرگ با کشور و ملت مسلمان افغانستان است و هدف آن تنها فریب دادن مردم این کشور و جامعهء جهانی است، زیرا ما نگاه کردیم که مردم در انتخابات گذشته به نام انتخابات فریب داده شدند، فیصله نهایی از طرف وزیر خارجهء امریکا (جان کیری) صورت گرفت و دولتی به نام وحدت ملی از سوی مقامات امریکایی در سفارت امریکا اعلان شد.»

این انتخابات از آغاز روند ثبت نام رای دهندگان و کاندیداها با اختلافات و ناکامی ها شروع شده و در آینده هم توقعی چندان برده نمی شود و هر چه به زمان برگزاری انتخابات نمایشی نزدیکتر می شویم تقلب و بی اعتمادی در حال اوج گرفتن است و این نمایش و فریب هم مثل گذشته هیچ فایده ای برای ملت و وطن در بر نخواهد داشت، آیا با تجربه چندین دوره انتخابات افتضاح امیدی برای رفع اشغال، آبادانی و آسایش می ماند، در حقیقت این انتخابات سرپوشی برای ادامه اشغال و جنایت های اشغالگران خارجی و ایادی داخلی اش می باشد و بس .
گرچه ما معتقدیم که تاریکی را طلوعی باید.





اینجا کابل است؛ رادیو صدای شریعت!



شریعت غږ
راډیو (Radio)

ابو صهیب حقانی

پس از سالیان متمادی و پس از سعی و تلاشهای فراوان کمسیون فرهنگی امارت اسلامی افغانستان (بخش سمعی و بصری الاماره) بالاخره با وجود امکانات محدود و شرایط خاص امنیتی برای بالا کردن ایستگاه ها و فرستنده های رادیویی، لله الحمد حدود دوماه می شود که بسیاری از ولایت ها مخصوصا در بخشهایی از کابل (پایتخت)، کنر، لغمان، ننگرهار، لوگر، غزنی، میدان وردک، پکتیا و پکتیکا در مرکز شهرها و ولسوالیهای پر جمعیت، رادیو صدای شریعت امارت اسلامی (که طنین انداز روحیهء عزت، آزادی و استقلال است) شنیده می شود؛ و همه روزه اخبار، جریانات و تحولات مجاهدین امارت اسلامی و پیشرفت های شان در مناطق و ساحات مختلف کشور انعکاس یافته و از واقعیت های روز آگاهی می دهد، چیزیکه آرزوی فرد فرد مومن و مسلمان افغانستان است.

رادیو صدای شریعت امارت اسلامی در حالی به نشرات زنده خود ادامه می دهد که صدها چینل تلویزیونی و رادیویی علیه فرزندان آزاده و سربلند اسلام یعنی مجاهدین قهرمان امارت اسلامی تبلیغات پوچ و پروپاگند داشته و در جهت خرسندی اشغالگران و اداره مزدور کابل به دنبال گمراهی افکار عامه از حقایق موجود در افغانستان بوده و در تلاش هستند تا ملت مومن و مجاهد افغان را از پیروزیهای شکوهمندانه مجاهدین دلیر بی خبر نگهداشته و با نشر اکاذیب و اخبار جعلی و دروغ، فعالیتهای چشمگیر مجاهدین را اندک جلوه داده و اشغالگران و اداره اجیر آنها را قهرمان معرفی کنند که خوشبختانه تنها یک رادیو صدای شریعت برابر صدها چینل رادیویی و تلویزیونی، ایستاده و چون بلندگوی حق و حقگویی هست تمام شبکه های دشمن را وارخطا و محکوم به شکست نموده است.

طوریکه شورای ولایتی غزنی، تلویزیون آریانا و صدها شبکه تبلیغاتی دشمن در رادیو و تلویزیون و در صفحات اجتماعی از فعالیت های چشمگیر رادیو صدای شریعت پرده برداشته و از تاثیرات آن بر روح و روان مردم سخن گفته و چنان سراسیمه در مورد این رادیو به تبصره و واکنش پرداخته که گویی تمام چینل های باطل در برابر یک رادیوی صدای شریعت کم آورده و عاجز گشته اند؛ الحق که حق همیشه پیروز و باطل همواره محکوم به شکست و ذلت است.

از آنجا که ملت شریف افغانستان ملت حق طلب و تشنه شنیدن حقایق است و از آنجا که این ملت مومن و مسلمان، با مجاهدین انس و محبت واقعی دارند طبق آمارها و معلوماتی که طی روزهای اخیر و مخصوصا پس از فعال شدن موفقانه رادیو صدای شریعت در کلان شهرها به دست آمده، اکثریت ملت در جاهای مختلف شنیده می توانند و خوشبختانه که با کمال میل و افتخار به اخبار رادیو صدای شریعت امارت اسلامی گوش داده و از ترانه های پر شور و شوق جهادی که از این رادیو پخش می شود لذت برده و در ملت روحیه جهادی و عزت را بلند برده و با نشر محتویات و بسته های خبری و تبصره های سیاسی جالب و جذاب که مملو از حقایق اند (این رادیو) لله الحمد توانسته در همین مدت کم میهمان خانه و دلهای بسیاری از هموطنان مظلوم خود شود.

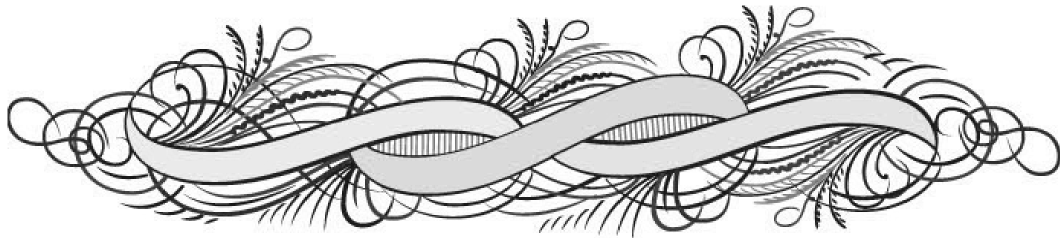
ما ضمن تبریک به ملت عزیز افغانستان که دوباره صدای شریعت را می شنوند؛ از تمام مسئولین، منسوبین و کارکنان فعال و مجاهدین زحمتکش و مخلص این رادیو که شبانه روزی در تلاش فعالیت بیشتر هستند تشکر و تقدیر ویژه داریم و به ملت عزیز خود نیز افتخار می کنیم که استقبال گرم و صمیمی از نشرات رادیو صدای شریعت داشته و امیدواریم که همچنان بر رونق و ترقی هرچه بیشتر این رادیو افزوده شود و امید داریم که ایستگاه های رادیویی صدای شریعت در تمام ولایات کشور فعال گردیده و همه ملت عزیز ما از نشرات زیبا و پرمحتوای رادیو صدای شریعت لذت و استفاده ببرند.

به امید بلند شدن صدای شریعت در تمام کشور.



اسلام و زندگی (۶)

دکتور محمد یاسر



اسلام و اقتصاد:

اقتصاد عبارت از ستون فقرات جامعه است، اقتصاد قوی میتواند مجتمع قوی و هدفمندی ببار بیاورد چنانچه هیچ گروهی و یا مجتمعی با وجود داشتن اهداف نبیل نمیتواند بدون در نظرداشت اصول اقتصادی و داشتن اقتصاد قوی پا بر عرصه زندگی و نیرومند و کامیاب بگذارد. تاریخ مسلمانان نشان میدهد که برای اولین بار دشمن توانست خلافت عثمانی را با بدست گرفتن اقتصاد آن ضربه بزند چنانچه در سال ۱۸۷۵ میلادی قرض و سودی که خلافت عثمانی از کشورهای غربی بدست آورده بود به بیشتر از ۸۰۰ ملیون پاوند رسید و خلافت از دادن آن عاجز ماند و ناچار تسلیم مطالبات و تقاضاهای غرب گردیده و اولین ضربه را به پای خود وارد کرد.

دین اسلام منهج اعتدال و توسط را در ارتباط با اقتصاد اختیار کرده است و اتباع خویش را همیشه درس رعایت های اقتصادی داده است. اسلام فرزندان آدم علیه السلام را اجازه می دهد تا بخورند و بنوشند مگر بنا بر اصول اقتصادی از اسراف و تبذیر ابا ورزند. الله متعال می فرماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ «و بخورید و بنوشید ولی اسراف نکنید» بلکه فراتر از آن، ایشان را از اسراف برحذر داشته و اسراف کنندگان را برادران شیطان می داند ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ «به راستی که تبذیر کنند گان؛ برادران شیاطین هستند».

این در حالیست که ادیان دیگر بجز اسلام راه های افراط و تفریط را در پیش گرفته اند؛ عده یی اقتصاد را مخالف با دین و عبادت دانستند و برخی آنرا از صلاحیت های دینی و علمای دین توجیه کرده و گمان کردند که خوردن مال مردم به این دلیل برای علما و کاهنان آنان جایز بوده است. مگر اسلام در جانب دیگر بندگان را مامور به بدست آوردن رضایت و خشنودی خداوند با خرچ و مصرف کردن اموالی کرده است که آنرا خداوند متعال در اختیار آنان قرار داده است و در عین حال آنان را متوجه عدم فراموش کردن نصیب زندگی دنیوی نیز می سازد و می فرماید: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾، «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بجوی و بهره ات را از دنیا فراموش نکن".



اسلام و اقتصاد بحث طولانی است که ممکن نیست همهء مسائل متعلق آنرا در صفحات چند گنجانید مگر در اینجا بطور مختصر به مهمترین نقاط آن در سرخط های کوتاه اشاره صورت می گیرد.

هدف اقتصاد در اسلام:

هدف اسلامی مال و ثروت که اساس اقتصاد میباشد تماما با اهداف اقتصادهای غیر اسلامی در مغایرت قرار دارد. اسلام مساوات اقتصادی در مجتمع نمیخواهد زیرا تقاضای مساوات مغایر با فطرت و قانون الهی است، انسانان نه مساوی خلق شده اند و نه مساویانه در مجتمع سهم دارند تا اقتصاد مساویانه نیز در میان آنان قایم گردد بلکه اسلام خواهان عدالت است، هر کس به تناسب صلاحیت و نیازمندی اش میتواند در رشد اقتصادی سهم بگیرد و مستفید نیز گردد. بناء اهداف اقتصاد اسلامی را میتوان در سه عنوان ذیل خلاصه کرد:

هدف اول- قیام و برپایی نظام فطری و عملی که هر انسان بر اساس صلاحیت ها و توانایی های خود، بدون جبر و تشدد، ظلم و ستم، رزق حلال بدست بیاورد و مانع و عایقی این راه را برایش دشوار نسازد، الله تعالی می فرماید: ﴿**نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيّاً**﴾ «ما معیشت آنان را در زندگی دنیا بین آنان تقسیم کرده‌ایم. و در مرتبت برخی از آنان را بر برخی دیگر برتر گردانده‌ایم تا برخی از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرد.»

هدف دوم- رسانیدن حق به حقدار: در اسلام چون مالک حقیقی مال الله متعال می باشد مستحق نیز کسی است که او تعالی وی را مستحق قرار داده باشد نه تنها تولید کنندگان. پس فقراء، مساکین، ایتام و غیره گروههای مستحق حقدار این مال اند، چنانچه اسلام بیان می دارد که: ﴿**وفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ**﴾ «و در اموال شان برای سائل و بینوا حقّی است.»

هدف سوم - مخالفت با ذخیره اندوزی مال که نباید آن در دست چند فرد معین و محدود ذخیره گردد بلکه باید هر چی بیشتر در دستهای مختلف و میان افراد مختلف در طبقات مختلف گردش پیدا کند تا بدینوسیله تفاوت میان امیر و فقیر تا جاییکه فطرتا ممکن است کم گردد، الله تعالی می فرماید: ﴿**كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ**﴾ «تا بین توانگران تان دستگردان نباشد.»

ویژگی تعبدی:

اقتصاد اسلامی ویژگی تعبدی دارد و مبدأ مبنی بر این اصل است که مالک اصلی مال الله متعال بوده و انسان بصفت خلیفه او تعالی آنرا به مصرف می رساند و اگر آنرا مطابق به ارشادات او تعالی به مصرف رسانید اگرچه ظاهرا نفع ذاتی انسان در آن نهفته باشد، مگر این کار وی عبادت پنداشته میشود. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: "**ولستَ تنفقُ نفقةً تبتغي بها وجهَ اللهِ، إلا أُجِرْتَ بها، حتى اللقمةَ تجعلُها في فِي امرأتِكَ**" «اگر نفقه یی را برای خشنودی و رضایت الله متعال به خرچ می رسانی حتی لقمه یی را در دهن خانمت می کنی از آن اجر و ثواب بدست می آوری». پس هدف اقتصاد اسلامی نفع مادی محض نبوده بلکه وسیله یی برای هدف عالی تر و والا تر که همانا تعمیر زمین و آماده ساختن آن برای زندگانی انسانی و تحقق خلافت انسانی در زمین است می باشد و انسان جوابگوی آن می باشد. الله متعال می فرماید: ﴿ **أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ * فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ * وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ..... وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ**﴾ «آیا کسی که روز جزا را تکذیب می کند دیده ای؟ * او (همان) کسی که یتیم را (با خشونت از خود) می راند * و برای طعام دادن برای بینوایان

تشویق نمی کند .... و از دادن وسایل ضروری زندگی دریغ می ورزند.»

مراقبت و نظارت دوگانه:

فعالیت های اقتصاد اسلامی بر عکس نظام های دیگر دارای نظام مراقبت دوگانه است: مراقبت بشری ومراقبت ذاتی. در تاریخ اسلام به آسانی به نظر میرسد که رسول الله صلی الله علیه وسلم شخصا به بازار مدینهء منوره می رفتند ومعاملات را در آنجا مراقبت میکردند. علاوه بر این احساس مسلمان که الله متعال بعضی اشیا را حلال ساخته است وبعضی دیگر را حرام بر انسان مراقبت ذاتی را تحمیل میکند، وبه همین سبب اخلاق وروش اقتصادی تاجر مسلمان مانند اخلاق وروش او در عبادات میباشد.

جمع میان ثابت، مستحکم ونرمی و مرونت:

اقتصادی اسلامی شامل مسائل ثابت و مستحکم میباشد که هرگز با تغییر زمان ومکان تغییر پذیر نمی باشد. مثلا: حرام بودن ربا وقمار، حلال بودن بیع (خرید وفروش)، نصاب ومقدار زکات، توزیع مال میراث، وغیره از اموری است که کسی نمیتواند احکام این قضایا را در اسلام تغییر وتبدیل کند.

از سوی دیگر چون اسلام دین قابل تنفیذ و عمل کردن در هر زمان وهر مکان می باشد بناء احکام آن شامل مرونت ونرمی نیز میباشد. چون اصل در معاملات اباحت است پس هر آن معاملهء جدیدی که خالی از ربا، قمار ومخالفت های شرعی بوده و در چارچوب اصول و قواعد مستحکم اقتصاد اسلامی قرار گیرد حلال وجایز میباشد.

توازن میان مصلحت فرد و مصلحت مجتمع:

هر انسان دارای مصالح ومنافعی شخصی خویش است که برای تحقق آن تلاش میکند واحیانا این منافع ومصالح با منافع ومصلحت مجتمع در تضاد واقع میگردد واقتصاد اسلامی برعکس اقتصادهای دیگر توازن میان این دو منافع ومصالح را مراعات میکند.

اسلام غصب وتجاوز ملکیت شخصی انسان را منع قرار داده است چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه حجت الوداع فرمودند: "**فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا**"« جز این نیست که خون های تان، مال های تان و اعراض تان بالایتان حرام است مانند حرمت این روز تان در این ماه تان و در این شهر تان». در دین اسلام صاحب مال تنها حق نفع گیری مشروع را به شرط اینکه با مصلحت مجتمع تعارض نداشته باشد دارد مگر هرگز دین اسلام به وی حق نمیدهد تا با نفع گیری از ملکیت خود باعث ضرر رسانیدن به دیگران شود.

احتکار کنندهءیی که از ضروریات وحاجات مردم استفاده نا مشروع کرده ومال را جمع آوری میکند در اسلام اجازهء چنین کاری را ندارد بلکه دولت اسلامی حق دارد که وی را مجبور سازد تا اموال احتکار شده را به نرخ روز به بازار عرضه کند.

ادامه دارد....





ناکامی استراتژی جنگی ترامپ در افغانستان

حبیبی سمنگانی

هرگاه رییس جمهور دونالد ترامپ پس از ماه ها بررسی و بازنگری، استراتژی (جنگی) خود را در قبال افغانستان به تاریخ ۲۲ اگست ۲۰۱۷م اعلام کرد، استقبال گرم و خوشحالی بی حد سران و مقامات رژیم کابل نشان می داد که گویا امید تازه ای برای نجات از گودال هلاکت در افغانستان یافته اند، آن ها برای جهانیان و مردم افغانستان چنان وانمود ساختند گویا همین پالیسی و خط مشی بود که از سال ها انتظار داشتند. اشرفغنی با همه دار و دستهء شان حیران بودند که چگونه می توانند از دونالد ترامپ در بابت این استراتژی تازهء جنگی ابراز سپاسگذاری بکنند. زیرا تنها کف زدن در مجالس و گردهمایی های دولتی را بسنده نمی دانستند و گویا آماده بودند متاع جان را نثار ترامپ بکنند.

مشخصات استراتژی جدید ترامپ در قبال افغانستان این بود که (۱) نظامیان امریکا از افغانستان خارج نخواهند شد بلکه عساکر اضافی به افغانستان فرستاده خواهد شد (در حالی که ترامپ در تمام کمپاین های انتخاباتی اش از مردم امریکا به این تعهد رای گرفته بود که نظامیان امریکا را از جنگ بی فایدهء افغانستان بیرون می کند و اجازه نمی دهد پول مالیه دهندگان امریکا در افغانستان هدر گردد) . (۲) امریکا به حمایتش از نیروهای امنیتی رژیم در میدان جنگ با طالبان ادامه خواهد داد. (۳) پاکستان تعهدش به مدنیت، نظم و صلح را نشان دهد. (۴) آمریکا خواهان نقش‌آفرینی بیشتر هند در کمک به آوردن امنیت در افغانستان و گسترش همکاری‌های اقتصادی شد، آمریکا و هند برای اهداف مشترک خود برای رسیدن به صلح و امنیت در جنوب آسیا و منطقهء بزرگتر هند و اقیانوس آرام متعهد خواهند بود.

اگر بررسی بکنیم، واقعیت اینست که استراتژی ترامپ با پالیسی بارک اوباما در قبال افغانستان تفاوتی نداشت. ترامپ تا هنوز حدود چهار عساکر اضافی به افغانستان فرستاده است و ممکن همین تعداد نظامیان دیگری را هم در ماه های آینده بفرستد، در حالی که اوباما (با وصف اینکه از اول عقیده داشت که در جنگ افغانستان برنده نمی شود) شمار نیروهای امریکا در افغانستان را از ۷۰ هزار به یکصد هزار بالا برده بود. ترامپ اگر وعده داد که از نیروهای افغان حمایت می کند، اوباما نیز هدف از بالا بردن شمار نیروهای امریکایی در افغانستان را «تحریم طالبان و تقویت نهاد های امنیتی افغان» عنوان داده بود. بسیاری ها می گویند استراتژی ترامپ نشان دهندهء قاطعیت و جدیت ترامپ در جنگ علیه طالبان و یا به اصطلاح «تروریزم» است، در حالی که هرگاه جنرال ستینلی میک کریستل (در سال ۲۰۰۹م) از سوی اوباما به عنوان فرمانده جدید نیروهای امریکایی در افغانستان مقرر شده بود همین مردم بودند که می گفتند : با تقرر جنرال ستینلی قرار است تغییرات بنیادی در راهبردها در منطقه به میان بیاید. اگر ترامپ پاکستان را هشدار داده و تهدید کرده است، این اوباما بود کمک های نظامی امریکا را برای پاکستان قطع کرد، سیاست کنونی امریکا در قبال پاکستان در حقیقت ادامهء پالیسی اوباما است نه ابتکار ترامپ.

اما اوباما در سال های اخیر ریاست جمهوری اش درک کرده بود که امریکا به هیچ صورت نمی تواند از راه نظامی در افغانستان پیروز شود، وی به همین اساس استراتژی اش را تغییر داد و بخش اعظم نیروهای خود را از افغانستان خارج کرد. شمار نظامیان امریکایی در افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۴م به ۸۴۰۰ عسکر کاهش یافت و نیز از آغاز سال ۲۰۱۵م، مسئولیت ماموریت جنگی در افغانستان رسما ارگان های امنیتی رژیم محول گردید (در حالی که هنوز هم همه مصارف مالی، اکمالات نظامی، تربیهء جنگی و پشتیبانی هوایی عساکر رژیم به دوش امریکایی ها بود، گویا امریکایی ها نیروهای رژیم را تنها در رویاروی های زمینی همراهی نمی کردند و دیگر همه واقعیت ها کماکان در جای خود بود). اوباما بالاخره در روزهای

باز هم استراتژی ترامپ ناکام ماند. امریکایی ها و مزدوران شان با همه زورآزمای شان نتوانستند منطقه ای را از طالبان دوباره به دست بیاورند و یا روند فتوحات چشمگیر طالبان را نسبتا ضعیف تر بسازند. بالمقابل عملیاتی را که طالبان به نام الخندق به راه انداختند حتی تحلیلگران حامی رژیم نیز اعتراف دارند که نسبت به استراتژی تازهء امریکا به مراتب بالاتر دست آورد دارد.

پایانی ریاست جمهوری اش (به تاریخ ۶ دسمبر ۲۰۱۶م) در جریان سخنرانی در پایگاه نیروهای هوای مک دیل (ایالت فلوریدا) رسما شکست خود را پذیرفت و اعتراف نمود : امریکا نتوانست طالبان را شکست بدهد.

از همین جا بود که عده ای مردم نقش و عملکرد اوباما را در قبال افغانستان زیر سوال بردند و چنان وانمود ساختند گویا اوباما اصلا جنگ افغانستان را نادیده گرفت و اهمیتی به آن نداد. آن ها تلاش های اوباما در برابر طالبان و مردم افغانستان را فراموش کردند و چنان جلوه دادند گویا پالیسی اخیر اوباما که مبنی بر فرار از جنگ بود وضعیت افغانستان را چنین دشوار ساخت و امریکا و رژیم کابل سلطهء خود را از دست دادند. در حالی که این اوباما بود که بازار عملیات های شب هنگام را در سراسر افغانستان گرم ساخت و بزرگ ترین تلفات را در رویاروی ها با طالبان متقبل شد. انتخاب ترامپ به حیث رییس جمهور امریکا در آغاز اگر چه برای این مردم امید بخش نبود، زیرا وی در کمپاین های خود لاف از کناره جویی از جنگ افغانستان می زد. اما اعلان استراتژی جدید وی گویا آرزوهای ایشان را دوباره زنده ساخت.

حالا ۱۱ ماه از روی کار شدن استراتژی جنگی ترامپ در افغانستان می گذرد. سه هدف مهم و اساسی که برای موفقیت این استراتژی اعلام شده بود عبارتند از : (۱) افزایش نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان، (۲) شکست طالبان و بعد از آن (۳) خروج سریع همه نیروهای آمریکا از افغانستان. اما در طی یازده ماه گذشته، امریکایی ها تنها توانسته است ۴ هزار عساکر اضافی به افغانستان بفرستند و این هدف اول هنوز تکمیل نشده است. زیرا بحث ها در مورد اعزام عساکر بیشتر هنوز هم جریان دارد و موافقه ای صورت نگرفته است. هرچه در مورد آن دو هدف دیگر می توان با این ضرب المثل هندی پاسخ گفت که : دهلی هنوز دور است.

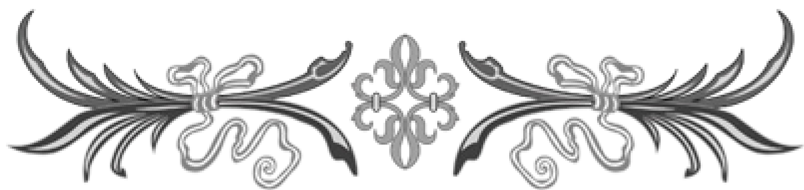
امریکایی ها از آغاز استراتژی جنگی ترامپ در قبال افغانستان کوشیده اند نیرو و توانایی شان را برای مردم افغانستان به نمایش بگذارند و نیز به جرم اینکه مردم این کشور با طالبان همکاری های همه جانبه دارند و از داعیهء طالبان حمایت می کنند، افغان ها را بالعموم و اماکن مذهبی را بالخصوص هدف بمباران ها، عملیات های شب هنگام و حملات درون قرار داده اند. پرتاب مادر بمب ها در ننگرهار، فاجعه های مرگبار و وحشتناک قندوز و فراه، تخریب شهرک عمری در تخار و شهادت و ویرانی صدها مساجد، مدارس، کلینک های صحی، بازارها و خانه های غیر نظامیان در سراسر کشور، نمایانگر این واقعیت است. هدف امریکا از ارتکاب چنین جنایات نه تنها انتقام گیری از مردم این کشور بوده بلکه محروم ساختن طالبان از پشتوانهء مردمی است.

اما باز هم استراتژی ترامپ ناکام ماند. امریکایی ها و مزدوران شان با همه زورآزمای شان نتوانستند منطقه ای را از طالبان دوباره به دست بیاورند و یا روند فتوحات چشمگیر طالبان را نسبتاً ضعیف تر بسازند. بالمقابل عملیاتی را که طالبان به نام الخندق به راه انداختند حتی تحلیلگران حامی رژیم نیز اعتراف دارند که نسبت به استراتژی تازهء امریکا به مراتب بالاتر دست آورد دارد. فتح مرکز ولایت فراه و بیش از ده ولسوالی در ولایات مختلف تنها دست آوردهای ماه اول عملیات الخندق بود. اکنون که حدود سه ماه از عملیات الخندق می گذرد امیدواری ها در مورد دست آوردهای احتمالی آن با گذشت هر روز افزایش می یابد، قتل تکتیکی یکی از جواسیس مهم امریکایی ها و فرمانده قطعهء صفر یک پکتیکا در مصئون ترین منطقهء کابل اگر از یکسو مورال مجاهدین را قوی تر ساخته است، از سوی دیگر روحیهء ضعیف دشمن را ضعیف تر و بی باوری آن ها را بر یکدیگر افزون تر ساخته است.

مایک پینس (معاون رییس جمهور امریکا) در زمان اعلان استراتژی جنگی ترامپ ادعا کرده بود که «این استراتژی، ناکامی های گذشته را جبران خواهد کرد». اما حالا امریکایی ها حرف از ناکامی خود این استراتژی می زنند، چه برسد به اینکه ناکامی های گذشته را تلافی بکند. چنانکه ادارهء امریکایی «سیگار» در راپور خود (در ماه می ۲۰۱۸م) تصریح کرده است که : استراتژی ترامپ برای مهار طالبان در افغانستان موفقیت نداشته و مخالفان مسلح هنوز هم مناطق تحت تصرف خود را حفظ کرده اند. سیگار در همین راپور خود خبر داده بود که شمار عساکر رژیم در طی یک سال گذشته دوازده در صد (یعنی ۳۶ هزار نفر) کاهش یافته است.



سیرت نظامی - رسول الله صلی الله علیه و سلم – (۱۷)



تالیف: شیت خطاب
ترجمه: راشد شهامت

درسهایی از احد

۱ ـ کسب اطلاعات

پیش از آن که قریش زمان مناسبی را برای حرکت سوی مدینه به منظور جنگ انتخاب کنند، مسلمانان به وسیله نامه عباس کاکای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) درباره مقاصد، قدرت و حرکت آنها اطلاعاتی کافی به دست آوردند.

پیش از جنگ نیز مسلمانان با فرستادن گزمه وگشتیهای شناسایی ، مواضع نیروهای قریش را شناسایی کردند و پس از جنگ نیز گزمه ها وگشتیهای شناسایی آنان ، مسیر بازگشت مشرکان را زیر نظر گرفتند.

تلاش مسلمانان برای دستیابی به اطلاعات ، در منع قریش از غافلگیر ساختن آنها در مدینه سودمند افتاد.

۲ ـ فرماندهی

فرماندهی کل قریش در جنگ احد با ابوسفیان بود. ولی در میدان نبرد هیچ نشانی از یک فرمانده با تجربه در وی دیده نشد و تسلط او بر نیروهای زیر فرمانش به اندازه ای ضعیف بود که زنان ، برخلاف تمایل او، شهیدان مسلمان را مثله کردند و او هیچ کاری نتوانست انجام دهد.

اگر فرماندهی ابوسفیان از اندک کفایتی برخوردار می بود، پس از آنکه مسلمانان به محاصره کامل درآمدند می توانست بسیاری از آنها را بکشد.

اما فرماندهی رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) به خوبی در این جنگ درخشید. آن حضرت با انتخاب یک محل مناسب برای جنگ ، قریش را مجبور ساخت که در آنجا بجنگد. طرح و نقشه جنگ را تنظیم کرد و برای پشتیبانی از مسلمانان مواضعی برای تیراندازان در نظر گرفت و سپس یک نیروی دفاعی کامل را زیر نظر یک فرمانده مسؤ ول به مواضع فوق اختصاص داد.

همه اینها با وجود اهمیتی که دارد نسبت به ظهور نبوغ فرماندهی آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) در اثنای مرحله دوم جنگ احد ناچیز بود. در این مرحله مشرکان که پنج برابر مسلمانان بودند، نیروی اندکشان را به حلقه محاصره انداختند. این در حالی بود که پس از شنیدن خبر کشته شدن پیامبر خدا(صلی الله علیه وسلم) روحیه بسیاری از آنها نابود شده بود و به بلندیهای احد، دور از میدان نبرد پناه برده بودند. تنها گروه اندکی

از نیروهای اسلامی همراه رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) باقی مانده در برابر شدت حمله های قریش ، که در اوج قدرت و قله پیروزی قرار داشتند، دفاع می کردند. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) موفق گردید ـ در وضعیتی که کار مسلمانان به غایت دشوار و کار قریش قرین موفقیت بود ـ بر اوضاع نومید کننده جنگ مسلط شود؛ با کمک مسلمانان باقیمانده حلقه محاصره دشمن را بشکنند و موضعی مشرف به میدان جنگ را به اشغال درآورد. آن حضرت باقیمانده نیروهایش را تجدید سازمان کرد و روحیه و نیرو و قدرتشان را دوباره بازگردانید و با این نیرو جلو حملات وتعرض سنگین مشرکان را سد کرد و شکست را به پیروزی مبدل ساخت و در حالی که نابودی مسلمانان حتمی به نظر می رسید مشرکان را مجبور ساخت که از نابودی مسلمانان دست بردارند و بناچار میدان نبرد را ترک بگویند.

آن حضرت به این هم بسنده نکرد و روز دوم پس از جنگ برای تعقیب نیروهای شرک بیرون آمد؛ و آنان را ناچار ساخت که به جای حمله دوباره به مسلمانان به حیله گری متوسل شوند و اطلاعات دروغین بفرستند.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به این تهدید اعتنا نکرد و با تدارک نیرو تصمیم گرفت ، در هر شرایطی با مشرکان رو در رو شود.

این نبوغ در فرماندهی را رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به روشنی از خود بروز داد که گوشه ای از دستاوردهای آن ، پیروزمند ساختن مسلمانان مغلوب بود.

من واقعاً اعتراف می کنم که وضعیتی نومید کننده تر از وضعیت مسلمانان در روز احد، در تاریخ هیچ ملتی نخوانده ام . اما رسول الله (صلی الله علیه وسلم) موفق گردید که آن وضعیت بسیار دشوار را با فرماندهی بی نظیرش به نفع خود تمام کند و نیروهایش را از نابودی حتمی برهاند و آنگاه بطرز بی مانندی اعتماد به نفس و قدرت مادی و معنوی شان را در مدتی کوتاه به آنان بازگرداند.

بدون شک رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در جنگ احد، فرماندهی درخشان و بی مانندی از خویش بروز داد.

۳ ـ مسایل تاکتیکی

الف ـ سرپیچی از اوامر فرماندهی : تیراندازان مسلمان در مخالفت با فرمان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و عقب نشینی از مواضع اصلی شان ـ برای جمع غنایم ـ مرتکب خطا شدند و چنانچه عقب نشینی آنها نبود، نه خالد بن ولید می توانست که عقبه آنان را مورد حمله قرار دهد و نه قریش قادر به محاصره آنها بودند.

سرپیچی از اوامر فرماندهی در جنگ احد درس خوبی برای پیامد نافرمانی است ؛ و نتایجی که در این جنگ به بار آمد، کافی است به مردم درسی بدهد که هرگز مانند آن را تکرار نکنند.

ب ـ خودداری از تعقیب دشمن : پس از تهاجم موفقیت آمیز به منظور نابودی کامل دشمن ، باید او را به شدت مورد تعقیب قرار داد

در مرحله نخست جنگ احد، پس از آنکه مشرکان از مواضع خود گریختند و از لشکرگاه شان دور شدند، مسلمانان ، زنان ، چارپایان و شترانشان را در محاصره گرفتند، اما مرتکب اشتباه شدند و آنها را تعقیب نکردند. چنانچه مسلمانان سپاه شرک را دست کم ده میل تعقیب می کردند، بر آنها زیان سنگینی وارد می آمد و نتیجه جنگ [کاملاً] به نفع لشکر اسلام پایان می یافت :

ج ـ شیوه جنگ : جنگ میان طرفین به شیوه صف انجام گردید؛ و مشرکان بدین وسیله توانستند، تسلط بر میدان جنگ را بهتر از شیوه جنگ و گریز حفظ کنند.

٤ ـ مسایل تدارکاتی

الف ـ تدارکات و نقلیه : مشرکان از نظر تدارکات ، آذوقه ، تسلیحات و نقلیه نیروهایشان نسبت به مسلمانان از برتری محسوسی برخوردار بودند و این امر در پایان یافتن جنگ به سود آنها تاءثیر بسزایی داشت .

ب ـ تدفین جنازه ها: مشرکان کشته های خود را به خاک سپردند و شهیدان اسلام را رها کردند. تازه به این هم بسنده نکرده آنان را به زشت ترین گونه ای مثله کردند. هند، دختر عُتبه و زنان همراهش به جان شهیدان افتاده آنان را مثله می کردند و گوش و دماغشان را می بریدند...

زندگان جاوید (بخش ۸)

مرتب : حبیبی سمنگانی

شهید قاری عیدی محمد حیدری تقبله الله

شهید قاری عیدی محمد حیدری فرزند نذیر محمد در سال ۱۳۶۸ خورشیدی مطابق با ۱۴۱۰ ه ق در یکی از روستاهای کتوبالای ولسوالی تگاب کشم ولایت بدخشان در یک خانوادهء دین دوست چشم به جهان گشود.
شهید حیدری تقبله الله درس های ابتدایی علوم عصری را در روستای خود تا صنف چهار خواند، سپس چون وی شوق و ذوق فراوان با علوم دینی داشت شامل دارالعلوم فاروقیهء کتوبالا شد و در مدت دو و نیم سال قرآن کریم را حفظ کرد و دستار تکمیل حفظ قرآن را در همان مدرسه به سر نمود. هم زمانَ صلیبی ها بر افغانستان یورش آوردند و خاک افغانستان را پامال و اشغال نمودند.
شهید حیدری تقبله الله پس از تتمیم حفظ کلام الهی، شامل لیسهء کتوبالا شد. وی هرگاه لیسه را تکمیل نمود شامل پوهنزی انجینری در پوهنتون مرکزی بلخ شد. اما هنوز یک سال در دانشگاه مذکور درس خوانده بود که وضعیت کشور را برای اسلام و مسلمان ها بسیار خطرناک ارزیابی کرد و دانشگاه را ترک گفته برای فراگیری علوم دینی رخت سفر و کمر همت بست. وی در حالی که به درجهء اخیر علوم متداول دینی (و یا درس های نظامی) یعنی دورهء حدیث رسیده بود که برای فراگیری مهارت و تکتیک های جنگی به مناطق مرزی کشور سفر کرد.
وی بعد از تکمیل تعلیمات نظامی، با همراهی شهید قاری عبدالعلی عازم ولایت زابل شد و مدت چندی دران جا به جهاد و مقاومت پرداخت. سپس هرگاه جبههء علنی مجاهدین در کشم (بدخشان) فعال شد راهی سنگرهای داغ زادگاه خود شد. وی سالهای متمادی در سنگرهای طاغوت شکن بدخشان در مقابل حامیان و مزدوران امریکای اشغالگر جهاد و مبارزه نمود.
شهید قاری صاحب عیدی محمد حیدری در باب شجاعت درمیان همسنگران خود بی همتا بود و اخلاق زیبا داشت. وی بعدا به حیث مسئول جهادی ولسوالی کشم مقرر شد و مدت سه سال این وظیفه را به وجه احسن انجام داد. وی در جریان مسئولیت اش به فتوحات زیادی نائل گردید و غنائم زیادی را به دست آورد.
اما قضای خداوندی بود که این مرد دلیر اسلام در سال ۱۳۹۶ خورشیدی در یک رویارویی با حامیان طاغوت در ولسوالی تگاب کشم به مقام سعادت بخش شهادت نائل گردید، دشمنان اسلام و بشریت جسد وی را عقب تانگ بسته با خود بردند و بعدا به دار آویختند.
انا لله و انا الیه راجعون.

شهید داملا محمد انور ترابی تقبله الله
(از بنیادگذاران جهاد و مقاومت در جوزجان)

شهید محمد انور ترابی فرزند شاه محمد و نواسهء شاه بدل در ماه جدی سال ۱۳۵۹ خورشیدی در یک خانوادهء متدین در قریهء پستلی ولسوالی شیرم ولایت سرپل چشم به دنیا گشود. شهید ترابی از آوان طفولیت شوق و علاقه زیادی با درس و مدرسه داشت و آموزش های ابتدایی اش را نزد امام مسجد روستای خود آغاز نمود و پس از اندک زمانی غذاهای شیرین و آغوش مهربان خانواده اش را ترک گفته رخت سفر را به ارادهء مدرسه بست، وی چند مدتی را در شهر مزارشریف نزد داملا صاحب راز محمد سپری کرد و بعضی از کتاب های مروجه علوم دینی را نزد وی خواند.
آن زمانی بود که فتوحات سنگرداران راستین امارت اسلامی افغانستان به سرکردگی امیرالمؤمنین مرحوم ملا محمد عمر مجاهد امید و ولولهء تازه ای برای مردم رنجور کشور بخشیده بود. شهید محمد انور ترابی که در عنفوان

جوانی قرار داشت بی درنگ درس ها را ناتمام گذاشت و به صف مبارزین امارت اسلامی پیوست و در ولایات جوزجان، سرپل، بلخ، سمنگان، قندوز، نورستان، هلمند و قندهار خدمات جهادی انجام داد.
هرگاه امارت اسلامی افغانستان در نتیجهء تهاجم لشکرهای صلیبی به سرکردگی امریکا و ناتو از شهرها عقب نشینی کرد، شهید ترابی روند آموزشی اش را در منطقهء مهاجر بازار (پشاور، پاکستان) دوباره آغاز نمود، سپس نزد استاد مهربانش الحاج مولوی رحمت الله عرب (که به تازگی به شهر پشاور آمده بود) رفت و مدت چندی از وی اکتساب علم نمود. شوق فراوان جهاد وی را وادار ساخت تا عزم وطن بکند.
شهید ترابی تقبله الله این بار در ولایت جوزجان شامل مدرسهء قریهء شیشه خانه شد. دران زمان مجاهدین به گونهء مخفیانه عملیات های جهادی شان را انجام می دادند، شهید محمد انور نیز از طرف روز مشغول فراگیری علوم دینی بود و از طرف شب به کارهای جهادی می پرداخت. وی مدت یکسال را دران مدرسه سپری کرد و پس از یکسال هرگاه الحاج مولوی رحمت الله عرب وارد افغانستان گردید و در روستای جزءِ ولسوالی آقچه به درسگویی آغاز کرد، شهید ترابی که محبت زیادی با جناب مولوی صاحب داشت باز هم نزد وی زانوی تلمذ نهاد. وی در پهلوی پیش بردن درس های دینی خود فعالیت های جهادی اش را نیز به نحو احسن پیش می برد .
شخصیت و کارنامه های شهید محمد انور ترابی تقبله الله:
شهید محمد انور ترابی تا دورهء خورد درس خواند، البته در جریان درسخوانی دیگران را درس نیز می گفت. وی جوان با تقوی، با حیا، شجاع، مخلص و خدمتگار یاران و دوستان بود. از ذکاوت خاصی برخوردار بود، دارای اخلاق حمیده و حسنه بود، همواره می کوشید موافق با شریعت غرای محمدی (صلی الله علیه وسلم) زندگی بکند و دوستان اش را نیز به این کار توصیه می کرد.
شهید ترابی همواره با وضوء می بود، حتی با وضوء خواب می شد. نماز تهجد و اشراق و اوابین را معمولا می خواند و دوستان و تلامیذ خود را به این اعمال مسنون توصیه می کرد.
کسانی که با شهید ترابی اندک زمانی هم رفاقت کرده باشند تا به این لحظه مشتاق دوباره شنیدن سخنهای ناب وی هستند. وی هر لحظه دوستان و شاگردانش را تشویق و ترغیب به جهاد می کرد و تعداد زیادی از دوستان و شاگردان وی به مقام والای شهادت نائل گردیده اند، تعدادی شان در زندان های رژیم مزدور به سر می برند و شماری آن ها هنوز هم در سنگرهای داغ جهاد علیه یهود و نصاری و غلامان حلقه بگوش آنان می رزمند.
شهید ترابی یکتن از مؤسسان و بنیاد گذاران جهاد و مقاومت در برابر امریکایی ها و مزدوران آنان در ولایات جوزجان، بلخ و سرپل بود.
شهید محمد انور از جمله ۷ تن مجاهدین بود که در سال۱۳۸۴ خورشیدی ولسوالی منگجک ولایت جوزجان را فتح نمودند. دران زمان کسی جرئت نمی کرد نام طالب را به زبان بگیرد، اما این هفت تن شیر مردان با سلاح های زنگ زده و امکانات ناچیز، اما با عقیدهء راسخ مرکز ولسوالی منگجک را فتح نمودند و با ۱۷ میل کلاشنکوف و ۲ میل پیکا سالم و غانم به مرکز خود برگشتند. این اولین فتح مرکز یک ولسوالی بعد از اشغال آمریکای ها در جوزجان بود.
شهید داملا محمد انور در عملیات چریکی مهارت ویژه ای داشت و چندین عملیات چریکی را موفقانه انجام داده بود. داملا محمد انور ترابی بالاخره در یک عملیات موفق چریکی که منجر به هلاکت دو تن از قومندانان مهم دشمن شد خودش نیز جراحت شدید برداشت و به دست دشمن اسیر گردید. وی به عمر ۲۹ سالگی به تاریخ ۱۶ حوت سال ۱۳۸۸ خورشیدی روز یکشنبه ساعت پنج عصر به دست غلامان یهود و نصاری به گونهء بسیار وحشیانه و بی رحمانه و بر خلاف همه قوانین بشری و جنگی در قریهء چکش ولسوالی آقچهء ولایت جوزجان به شهادت رسید.
رژیم مزدور جسد وی را تا سه روز به خانواده اش تسلیم نکرد و هر روز در آفتاب سوزان می گذاشت و ادویهء مختلف بر جسدش می پاشید تا خراب شود و مردم از مجاهدین متنفر گردند، اما پس از گذشت سه روز هم جسد شهید چنان تازه بود که فکر می شد حالا خواب رفته است. کسی گمان نمی کرد که چند روز پیش شهید شده باشد. شهید محمد انور ترابی اولین شهید در ولسوالی آقچه و دومین شهید در ولسوالی های هفت گانهء آقچهء بزرگ بعد از اشغال آمریکا بود. شهادت این مرد غیور عامل تحولات بزرگ در ولایت جوزجان شد و شاگردان اش بعد از شهادت وی به فکر انتقام گیری شدند و لله الحمد تا امروز شهکاری های زیادی انجام دادند. فعلا الحمدلله دولت مزدور در ولسوالی های هفت گانهء آقچه داخل مراکز خود تحت محاصرهء مجاهدین قرار دارند و در تمام مناطق این ولسوالی ها قوانین شرعی توسط مجاهدین سربکف امارت اسلامی حاکم است.
روح اش شاد و یادش گرامی باد.

(با سپاس از : قاری عبدالباسط بدر و جواد جوزجانی)

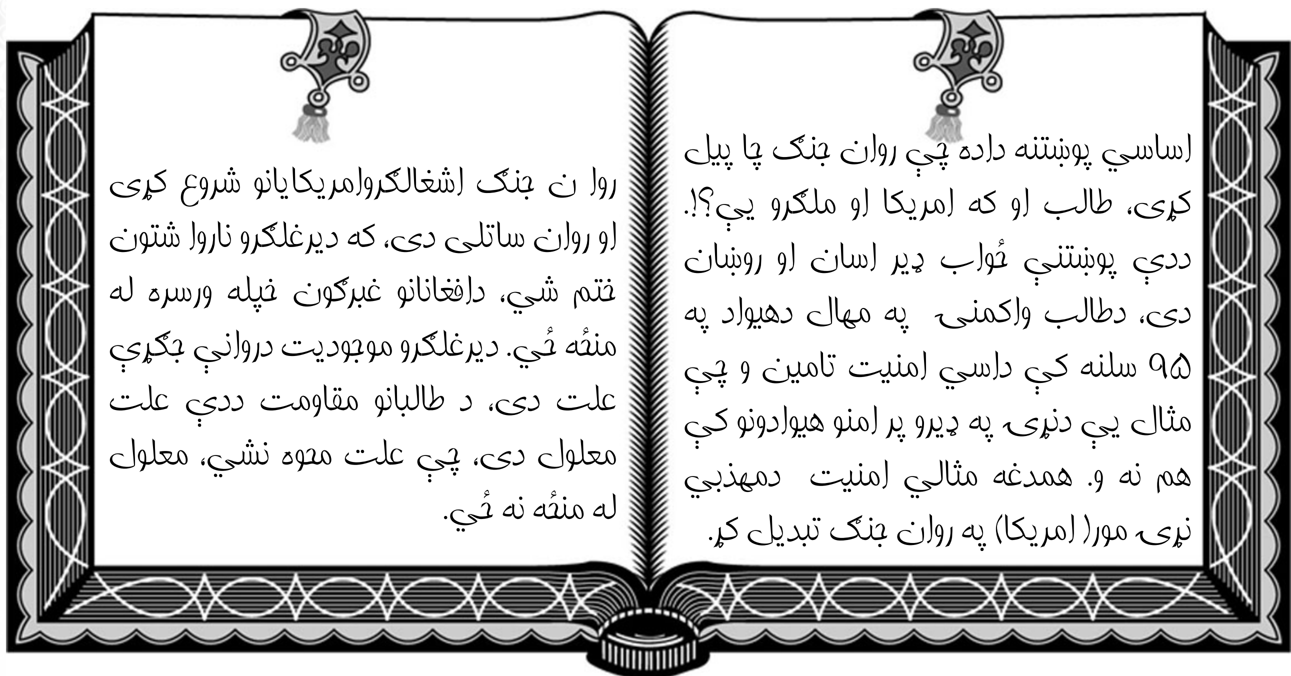


روا نه جګړه طالبانو که یرغلګرو پیل کړې؟ !

✍میوند سادات

د روان کال دجوزا په ۱۴مه دکابل حکومت ددیني عالمانو په نوم یوه فتوی پاڼه خپره کړه. په یاده شوې فتوی کې ټينګار شوي چې افغانستان کې روان جنګ ناروا دی. دروان جنګ څخه موخه دصلیبي یرغل پر ضددطالبانو جهاد دی. په فتوی پانه کې هغه جګړییز تکتیکونه چې طالبان یې کاروي ناروا بلل شوي،خو داشغالګرو پر ناروا شتون، د جنګ پر دوام،وحشت، ظلم،هراړخیز فساد او بلا ناروااوو سترګې پټې شوې دي. د یادې شې فتوی پاڼې له خپریدو سره حکومت پلوه رسنیو او اشخاصو پر طالبانو سترګې برګې کړې چې نور نو باید تسلیم شي اوله خپلې دفاع څخه لاس په سر شي. یرغلګر ځواکونه او حکومتي عسکر که شپنۍ چاپې وهي،ړندې بمبارۍ کوي، مدرسې، مسجدونه، ښوونځي او کلینیکونه ویجاړوي، ښځې، ماشومان او بوډاګان شهیدانوي، دطالب په مشري مظلوم ولس حق نه لري چې دخپلو حقه حقونو غوښتنه او ساتنه وکړي. دلته ډیره لویه بې انصافي داده چې دطالبانو مقاومت د مځکنیو واقعیتونو برعکس د رواني جګړې بنسټ بلل کیږي. ځیني ښاېې په ناخبرۍ همدا تېروتنه کوي،خو زیاتره په عارفانه تجاهل سره د روان جنګ له اصل وریښې(دیرغلګرو ناروا شتون) څخه سترګې پټوي. ځکه همدغه ښاغلي او اغلې په روانه جګړه کې دشهرت، ثروت او بلواکي چوکۍ څښتنان شول. د یرغلګرو د بې دیغه چوپړ له امله ځینو ته دجنرالۍ او ځینو ته د پوهنوالۍ رتبې په برخه شوې،نو دوی به ولې درواني جګړې بنسټ ته ګوته نیسي؟.

اساسي پوښتنه داده چې روان جنګ چا پیل کړی، طالب او که امریکا او ملګرو یې؟!. ددې پوښتنې ځواب ډیر اسان او روښان دی، دطالب واکمنۍ په مهال دهیواد په ۹۵ سلنه کې داسي امنیت تامین و چې مثال یې دنړۍ په ډیرو پر امنو هیوادونو کې هم نه و. همدغه مثالي امنیت دمهذبي نړۍ مور(امریکا) په روان جنګ تبدیل کړ .امریکا د سپټمبر د ۱۱ مې په غبرګون کې بې له دې چې په پیښه کې داسامه بن لادن چې په طالب واکمنۍ کې یې ژوند کاوه دلاس درلودلو په اړه شواهد وړاندې کړي، پر افغانستان ناروا وحشیانه یرغل وکړ. جوړ نظام یې ړنګ کړ. افغانستان ته یې هراړخیز زیان واړاوه او په پایله کې یې اوسنی روان جنګ راته پاته شو.



کوم لوري چې روانه جګړه پیل او روانه ساتلې له هغوی باید وغوښتل شي چې همدا جګړه ودروي. دطالبانو مقاومت دهمدې ناروا جنګ مشروع غبرګون دی. دطالبانو جګړه تهاجمي نه ده، طالبانو دمتحده ایالاتو مځکه او فضاء نه ده غصب کړې، د یرغلګرې امریکا داشغال ځخه دخپلو ارزښتونو، نوامیسو او خاورې دفاع کوي. مګر برعکس له زرګونو کلومتړ لیري ځخه راغلي امریکایان او اروپایان افغانستان کې دتوپ او ټانګ په زور خپله واکمني غواړي.

په افغانستان کې روان جنګ چې علت یې د یرغلګرو ناروا شتون دی، په ځلور مذهبه ناروا دی. یرغل ناروا، شتون یې ناروا، جګړه یې ناروا او دلته د یرغلګرو هر ځه او هررنګه تصرف ناروا دی. هر چا چې همدا نارواجګړه پیل کړې، په ناروا شتون سره یې روانه ساتلې، هماغه اړخ دسترې ناروا مرتکب دی. ددې ناروا اړخ له منځه وړلو ته بایدلومړیتوب ورکړو، تر څو چې مو همدا ناروا اوکرغیړن شتون لیري کړی نه وي، تر هغو به دهمدې ناروا عمل عکس العمل روان وي.

روا ن جنګ اشغالګروامریکایانو شروع کړی او روان ساتلی دی، که دیرغلګرو ناروا شتون ختم شي، دافغانانو غبرګون خپله ورسره له منځه ځي. دیرغلګرو موجودیت درواني جګړې علت دی، د طالبانو مقاومت ددې علت معلول دی، چې علت محوه نشي، معلول له منځه نه ځي. نوکه امریکایان وغواړي همدا نن له افغانستانه په وتلوروان جنګ ته د پای ټکی ایښودلای شي. درباري ملایان که رښتیا له رواني جګړې سترړې شوي وي،پر مظلوم ولس یې زړه سوځي،نو باید تر هرڅه وړاندي دروان جنګ دمبداء(د یرغلګرو دناروا شتون) پر ضد فتوی ورکړي.



بزرگترین نمایشگاه «قالین لالهٔ» جهان!





نویسنده: انجنیر محمد نذیر تنویر (مقیم هالند)

در ۱۲ اپریل ۲۰۱۸ «استانبول» شاهد افتتاح بزرگترین نمایشگاه «فرش لالهٔ» جهان بود.

لاله یکه، کشور «هالند» به آن شهرت یافته و زبان زد عام و خاص گردیده تا جای که، این کشور را به «سرزمین لاله» مشهور گردانیده است.

اما حالا ترکیه سعی می دارد تا در این بُعد نیز «هویت» اش را در اذهان جهان دوباره تثبیت بدارد.

هویتی که، کار و زحمت می طلبد؛ نه تخیل و شعار!

پس چه زیبا خواهد بود که سری به تاریخ و هویت «لاله» در صفحات تاریخ زنیم:

پس از فتح «قسطنطنیه» و یا استانبول فعلی در سال ۱۴۵۳م توسط سلطان محمد فاتح (رحمه الله) و شکست امپراتوری «بیزانس» ها، استانبول شبیه یک دهکده ویرانه بود. برای عثمانی ها، هفت سال زحمت و پشتکار جدی را دربر داشت تا باشندگان اصلی آنرا دوباره برگرداند و به این دهکده، تصویری از شهر را دوباره اعاده گرداند.

زمانی که استانبول توسط صلیبیان در سال ۱۲۰۴م اشغال شد. به دلیل غارت و وحشتی که براه انداخته بودند، این شهر به میزان قابل توجهی فقیر گشت و از لحاظ اقتصادی به یک دهکده مبدل گشت. بسیاری از ساکنان اصلی آن، شهر را ترک کردند که اکثریت محله های آن بدون سکنه گردید. درست قبل از فتح، تنها ۵۰،۰۰۰ نفر در این شهر زندگی می کردند، در حالی که تقریبا ۸۰۰،۰۰۰نفر باشنده آنجا تشکیل می داد.

یک قرن بعد درحدود سال های ۱۵۵۰م دولت عثمانی به یک کشور قدرتمند در جهان مطرح گردید. کاخ سلطان سلیمان پاچا با باغ های زیبا و پُر از زیباترین لاله ها مزین بود. گلی که اروپائیان به آن آشنایی نداشتند و آن را مسمی به دستار دهاقین آن مزرعه نمودند.

زمانی که مهمانان سلطان از دیدن مزارع «لاله» به وجد می آمدند؛ رسم سلطان چنان بود که ایشان را با هدیه چندی از پیاز های لاله مهمان نوازی می کرد.

یکی از مهمانی که این هدیه شامل حالش گردید، اسقف اعظم شهر فلاندرن هالند، آقای (Busbecq) بود که عنوانی کشورش به ترکیه فرستاده شده بود. آقای (Busbecq) بعدا ها این هدیه (پیاز های لاله) را به دوستش آقای (Carolus Clusius) بخشید که وی در کشور اطریش «باغ مسالجات» داشت که کشت لاله را نیز در مزرعه اش شکل داد.

بعدها آقای (Carolus Clusius) کشور اطریش را ترک گفته و در هالند اقامه گزیند. وی به حیث پروفیسور در «پوهنتون لایدن» شروع به کار نمود، و در ضمن مسئول «باغ مسالجات» پوهنتون نیز گردید.

یکی از شب ها زمانی که پیاز های لاله آقای (Carolus Clusius) از از باغچه به دزدی می رود، تازه وی متوجه ارزش و اهمیت این گل می گردد!

بلی! با لاله های سرقت شده ترکیه، تجارت گل لاله در هالند آغاز یافت!

در آغاز این تجارت، تنها سرمایداران به آن دسترسی می یافتند که ارزش یک پیاز لاله به چهار هزار گلدر (۱۸۲۰€) می رسید، که بعضی از لاله های نادر حتی ارزش آن به سیزده هزار گلدر (۵۹۱۰€) نیز ارتقا می یافت.

از آنجای که پیداست، «اروپایی ها در جایی خواب نمی کنند که پهلوی شان درد کند!»

به همین دلیل، رونق کشت لاله برای هالندی ها نیز صرف انگیزهٔ پولی داشت و بس!

این حقیقتی ست که در اکثر موارد در شرایط کنونی به اتفاق می ورزد. انگیزه غربیان برای کشور های غریب، در اکثر موارد صرف انگیزه پولی بوده، و کسانی که حضور غربیان را در «پیشرفت و ترقی» حتمی می دانند، از دو حالت بیرون نیستند:

یا جیب های شخصی خود و احزاب شان را با مزدوری پُر می نمایند؛

و یا از جملهٔ فریب خوردگان جاهل و بیخبر از عقیده و تاریخ خویش می باشند!

اینجاست که ترکیه در پهلوی انقلاب اقتصادی، سعی بر اعادهٔ هویت عقیده، فرهنگ و تاریخ اش در ابعاد گوناگون می گردد.

بلی! با بیش از نیم میلیون گل لاله (۵۶۵۰۰۰) بزرگترین نمایشگاه «هنر موزاییک» را، در فرهنگ «قالین بافی» این کشور به تمثیل می کشاند.

جنایات جنگی

ماه های می و جون ۲۰۱۸ م

ترتیب: حافظ سعید

اشاره: از آنجائیکه بارها دشمنان جنایتکار امریکایی و عساکر داخلی در افغانستان مرتکب جنایت و سلسله آدم کشی می شوند و ملت عزیز ما متاسفانه بخاطر سانسور حقایق در رسانه ها از جنایت های هولناکی که بر سر هموطنان شان می آید چندان مطلع و آگاهی لازم را به دست نمی آورند؛ اداره مجله حقیقت بر آن شد که بطور خلاصه و فشرده از هر دو ماه برجسته ترین جنایت های دشمن را غرض معلومات خوانندگان عزیز خود ارایه نماید.

جنایات جنگی ماه می

بتاریخ ۳ می ۲۰۱۸ میلادی عساکر اشغالگر و داخلی مشترکا بر ساحات نکرخیل و خواران ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار چاپه زدند که در جریان چاپه یک فرد ملکی را شهید و ۵ تن ملکی دیگر را دستگیر و زندانی کردند. همچنین عساکر داخلی یک عراده لاری ملکی که از مرکز جلال آباد بسوی ولسوالی ارزی در حرکت بود، را حریق کرده و ۳ تجار را شهید کردند.

بتاریخ ۴ می اربکی ها یک ملا امام بنام ملا سعادت را در منطقهء خیبرآباد ولسوالی خیبر ولایت فاریاب به شهادت رساندند.

بتاریخ ۸ می در نتیجهء بمباران نیروهای داخلی بر قریه های خسن خیل، زمبورک و علم خیل بشمول زنان و کودکان ۷ تن از افراد ملکی را شهید و بشمول ۵ زن ۷ تن زخمی شده اند.

بتاریخ ۸ می در انداخت های قطعهء توپچی صفریک بر بازار جوزرین در منطقهء تنگی دره ولسوالی سیداباد ولایت میدان وردک بشمول یک محصل ۶ تن از هموطنان ما شهید و ۵ تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ۱۲ می طیارهء درون اشغالگران بر یک مراسم عروسی در نزدیکی بازار ولسوالی چاربران ولایت پکتیکا میزائیل فیر کرد که در نتیجه ۲ فرد ملکی شهید شدند.

بتاریخ ۱۲ می اشغالگران در جریان چاپه بر قریهء موصل ولسوالی خاص کونر ولایت کنر یک فرد ملکی (گل کار) را شهید و یک معلم را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ ۱۳ می عساکر داخلی پس از جنگ با طالبان در منطقهء شهروان ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز ۲ فرد ملکی (پدر و پسر) را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۱۷ می عساکر کمپاین بر یک مدرسه در قریهء گلدار ولسوالی صبری ولایت خوست چاپه زدند که یک استاد مدرسه بنام قاری میر عباس و دو تن از باشندگان ملکی را شهید کردند.

بتاریخ ۲۰ می اشغالگران و عساکر داخلی کماندو بر ساحهء پیوو ولسوالی بالابلوک ولایت فراه چاپه زدند که در جریان چاپه خانه ها را تلاشی و ۸ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رسانده و تعداد زیادی را زخمی و عده ای را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ ۲۳ می نظامیان اشغالگر و عساکر داخلی در جریان چاپه بر بازار گلزمان در منطقهء سره بغل ولسوالی میوند ولایت قندهار، ۴ تن از تیل فروشان بازار و یک خیاط را به شهادت رسانده و ۸ تن را اسیر کردند.

بتاریخ ۲۶ می نظامیان اشغالگر با همکاری عساکر داخلی بر خانه های مردم ملکی در منطقهء گولای ولسوالی غنی خیل ولایت ننگرهار چاپه زدند، در جریان چاپه دروازه های خانه ها را با بمب منفجر کرده و مردم را لت و کوب کردند و در هنگام ترک منطقه دوکان ها را چور کرده و از خانه ها اجناس قیمتی و پول نقد دزده اند.

بتاریخ ۲۶ می در حملهء طیارهء درون اشغالگران بر قریهء خانخیل در ساحهء کوهسین ولسوالی سیدکرم ولایت پکتیا، ۵ تن از اعضای یک خانواده شهید شدند.

بتاریخ ۳۱ می در مربوطات ولسوالی اومنه ولایت پکتیکا عساکر داخلی یک کودک ده ساله را بزور مجبور می کردند که به پوستهء شان آب ببرد اما وقتیکه کودک از رفتن به پوسته انکار می کند، او را به شهادت می رسانند.

بتاریخ ۳۱ می عساکر اشغالگر خارجی و داخلی مشترکا بر منطقهء انبارخانه ولسوالی بتی کوت ولایت ننگرهار چاپه زدند که در جریان چاپه ۴ تن از اعضای یک خانواده (پدر و ۳ فرزندش) را به شهادت رسانده و ۲ تن دیگر را دستگیر و زندانی کردند.

جنایات ماه جون:

بتاریخ ۵ جون عساکر قطعه صفر یک بر قریه های منطقهء دیموغلان و ناکام قلعه در ولسوالی برکی برک ولایت لوگر چاپه زدند که در نتیجه ۴ فرد ملکی را شهید و مسجد قلعه ناکام را بمبار کردند.

بتاریخ ۷ جون اشغالگران و عساکر داخلی بر خانه های مردم ملکی در منطقه گلو خیل ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار چاپه زدند. در جریان چاپه دروازه های خانه ها را منفجر کرده،و در هنگام تلاشی منازل اجناس قیمتی و پول نقد را دزدی کردند. علاوه بر این ۴ تن از هموطنان ما بنام های ستانه گل، اسلم و شمالی فرزندان اسلم خان و معلم انور و رئیس فرزندان حاجی ببرک را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۸ جون عساکر واکنش سریع در قریه های ختکی و نوری ولسوالی صبری ولایت خوست ۵ تن از هموطنان ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ ۱۱ جون عساکر داخلی در جریان چاپه بر منطقهء المش ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار ۶ تن از هموطنان ملکی را شهید و دو تن دیگر را زخمی کردند.

بتاریخ ۱۳ جون عساکر داخلی در منطقهء چرخکیان مانده ولسوالی سنگین ولایت هلمند بر نمازگزارانی که از مسجد



بیرون می آمدند، فیر کردند که در نتیجه یک نوجوان شهید و تعداد زیاد دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ۲۳ جون نیروهای حکومتی بر یک دارالحفاظ و خانه های اطراف در منطقه اسحاقزوی ولسوالی مرغاب ولایت بادغیس بمباری کردند که در این بمباران ۳ تن از حافظین قرآن زخمی و زیان مالی سنگینی به مردم وارد گردید.

بتاریخ ۲۴ جون در انداخت های توپخانه ای قوای حکومتی بر منطقهء اسحاقزوی ولسوالی مرغاب ولایت بادغیس ۲ زن و ۴ کودک شهید و ۲ تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ۲۴ جون عساکر داخلی بر شفاخانه ملکی سمت شمال ولسوالی شلگر ولایت غزنی فیر کردند که یک داکتر بنام محمد علیم شهید و یک داکتر زخمی گردید.

بتاریخ ۲۵ جون در حملهء طیارهء درون اشغالگران بر منطقهء کتارگمبیر ولسوالی وانت وایگل ولایت نورستان یک فرد ملکی شهید و ۲ تن دیگر زخمی شدند. وقتیکه پس از این جنایت مردم منطقه کار تکفین و جنازه را انجام می دادند، اشغالگران بار دیگر حمله کردند که در این حمله بشمول زنان و کودکان ۱۰ تن از هموطنان ملکی شهید و ۷ تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ۲۸ جون در فیر و شلیک عساکر داخلی در بازار وغجان ولسوالی محمد اغه ولایت لوگر ۳ تن از باشندگان منطقه زرغون شهر بنام های جانی، محمد نسیم و محمد رحیم شهید شدند.

بتاریخ ۳۰ جون عساکر داخلی یک کودک ۱۲ ساله را در بازار اخترخان ولسوالی چهلگزی ولایت فاریاب به شهادت رساندند.

بتاریخ ۳۰ جون در حملات توپخانه ای قوای حکومتی بر ساحات مسکونی در ینگی قلعه ولسوالی جمعه بازار ولایت فاریاب ۵ تن از باشندگان ملکی منطقه شهید شدند و زیان های سنگین مالی به مردم وارد گردید.

منابع: رادیوی بي بي سي، آزادي، آژانس اسلامی افغان، پژواک، ویب سایت های خبریال، لراوب، نن تکی آسیا و بینوا.



اعلامیه و اظهارات رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه امارت اسلامی در مورد نشست های پلان شدهء امریکا با استفاده از نام عالمان دین

بسم الله الرحمن الرحیم
امریکا و ائتلافیان اش هفده سال پیش بر دولت مشروع و خاک اسلامی افغانستان یورش آوردند و متعاقباً جهاد در برابر آن ها آغاز شد، ملت ما از برکت قربانی های بی دریغ در طی هفده سال، اکنون نظامیان اشغالگر را به این وادار ساخته اند که شکست خود را بپذیرند و آمادهء فرار از افغانستان شوند.

کفار که از پیروزی در افغانستان نا امید شده اند اکنون یکعده دسایس دیگری را به کار انداخته اند، تا صدای ملت مسلمان و آزادی خواه ما را خاموش و ثمرهء قربانی های بی شمار آن ها ضائع بسازند.

فرمانده نیروهای اشغالگر امریکایی جنرال جان نیکولسن به تاریخ ۱۸ مارچ ۲۰۱۸م در جریان یک کنفرانس خبری در کابل گفته بود که امریکا پلان دارد طالبان را مورد فشارهای مختلف قرار بدهد، وی افزود : ما می خواهیم طالبان را آماج فشارهای مذهبی، سیاسی، و حتی مذهبی قرار بدهیم، هدف از فشارهای مذهبی اینست که با استفاده از بعضی عالمان افغانستان و کشورهای دیگر نشست های فرمایشی برگذار شود و درین نشست ها بر ضد طالبان فتوی صادر شود و مشروعیت دینی مبارزهء افغان ها پس از هفده سال جهاد و مقاومت چیلنج کرده شود.

در همین سلسله، نخستین نشست عالمان دین به اساس پلان امریکایی ها به تاریخ ۱۱ ماه مئ سال جاری در شهر بوگور اندونیزیا دائر شد و قرار بود که نشست های مشابهی در کابل، اسلام اباد و عربستان سعودی نیز برگذار گردد.

امارت اسلامی افغانستان این گونه نشست های را که با استفاده از نام علماء صورت می گیرد خالصتاً پروسهء اسلام ستیزانهء امریکا می داند که پلان، اکمال و عملی شدن آن از سوی امریکایی های اشغالگر رهبری می شود ، امریکایی ها می خواهند توسط چنین نشست ها اشغال ظالمانهء نظامی خود را مشروعیت دینی ببخشند و جهاد ملت افغانستان در برابر آن ها را ضعیف بسازند.

اما امریکایی ها و ائتلافیان و پیروان شان باید بدانند چنانکه تلاش های نظامی، سیاسی و تبلیغاتی آن ها ناکام گردید، خدواند تعالی این دسیسهء اخیر آن ها را نیز با شکست و رسوایی مواجه می سازد، خدواند تعالی می فرماید: **یریدون لیطفئوا نورالله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون. الصف ۸ .**

امارت اسلامی در مورد چنین دسایس اشغالگران به عالمان دین اعلان می کند که از شرکت در چنین نشست ها خودداری بکنید، شماری از علماء و مشائخ شاید به این فکر در چنین نشست ها شرکت می کنند که ما دران جا واقعیت را بیان می کنیم و از داعیهء مجاهدین دفاع می کنیم، ما برای آن ها می گوییم که شما در چنین نشست ها هر اندازه حرف های خوب بزنید بازهم قطعنامهء نهایی

نشست و تبلیغات رسانه یی آن در دست اشغالگران می باشد، آن ها می توانند حرف های شما را تحریف و نشست را به نفع خود جلوه بدهند، چنانکه در نشست اندونیزیا دیده شد رسانه ها حرف های بر حق یکعده علماء را نشر نکردند، بلکه تنها برای اهانت علماء تبلیغات هم کردند که به اشتراک کنندگان پاکت های دالری نیز داده شد.
و یا چنانکه در نشست کابل دیده شد چند تن عالمان را جمع کردند و سپس مقاله ای را که پیش از پیش آماده شده بود به عنوان فتوی در محضر آن ها خواندند و آن را فتوای متفقهء همه علماء اعلان نمودند، تا حدی که ما روند این نشست ها را بررسی کرده ایم و قطعنامه های آن را مطالعه کرده ایم، آن ها برای بطلان جهاد بر حق کنونی هیچ دلیل شرعی و یا منطقی ندارند، بیشتر حرف های عادی می زنند، به وقوع تلفات مردم ملکی در جنگ انتقاد و مجاهدین را ملامت می کنند که غیرنظامیان، کودکان و زنان را در حملات خود می کشند، ما در پاسخ به این ادعای آن ها می گوییم که هدف جهاد ما هرگز کشتن مردم بی گناه ملکی نیست، ما حتی الوسع می کوشیم مردم بی گناه در حملات جهادی ما تلف نشوند، برای ین هدف کمیسیون جلوگیری از تلفات مردم ملکی ساخته ایم، شماره های سمع شکایات را فعال کرده ایم و مجاهدین را در صورت بی احتیاطی مجازات نیز کرده ایم، اما این لازمه و جنبهء ضمنی جنگ می باشد که سبب یک اندازه تلفات مردم بی گناه ملکی می گردد، اگر ما ببنیم حت در غزوات صحابه کرام رضی اله عنهم اجمعین نیز گاه گاه خطاءً مردم بی گناه کشته شده اند، اما عالمان دین هیچگاه به سبب تلفات غیر عمدی مردم بی گناه، جهاد را باطل نخوانده اند.
حرف دیگر اینست که برای نا مشروع خواندن جهاد کنونی، بسیار پروپاگند می شود که جهاد باید از سوی یک حکومت بر حال و یا سلطان اعلان شود و گرنه درست نیست، ما می گوییم بیایید تاریخ معاصر مبارزات اسلامی را به دقت مطالعه بکنیم، هرگاه جهان اسلام در قرن های هژده و نزده میلادی از سوی هسپانوی ها، فرانسوی ها، انگلیس ها، روسی ها، هالندی ها، ایتالیایی ها و... اشغال شد، از افریقای شمالی تا قفقاز، آسیای میانه، و حتی هند همه سرزمین های اسلامی در سلطهء استعمارگران اروپایی قرار گرفت، اشغالگران در سرزمین های اسلامی دولت های مستبد ایجاد کردند و اشغال سیاسی، نظامی، فکری و اقتصادی خود را ادامه دادند، بعدا هرگاه جهاد مسلحانه بر علیه اشغال در اکثر مناطق آغاز شد آن مبارزه ها که در حقیقت فصل درخشان تاریخ اسلامی است از سوی دولت های وقت اعلان نشده بود، بلکه به تلاش های فردی قهرمان های دردمند جهان اسلام همچون سید احمد شهید، امام شامل داغستانی، عبدالقادر الجزائری، ملا مشک عالم، عمر مختار، عزالدین قسام، محمد احمد المهدی السودانی، ابراهیم بیگ، شیخ الهند محمود الحسن (رحمهم الله) آغاز گردیده بود و با گذشت زمان به قیام های ملی تبدیل شد و استعارگران را از جهان اسلام بیرون راند.


أمارۀ أفغانستان الإسلامیۀ
Islamic Emirate Of Afghanistan

تا امروز هیچ عالمی بر جهاد آن قهرمانان جرح نکرده است و نه هم جهاد آن ها را به این دلیل نامشروع خوانده است که جهاد آن ها حکومتی نه بلکه مردمی بود، همچنان جهادی را که مجاهدین افغان سه دهه پیش در برابر شوروی های اشغالگر و کمیونزم آغاز کردند همه عالمان جهان اسلام ازان حمایت کردند، در حالی که مجاهدین در آغاز جهاد حکومت نداشتند.
دیگر اینکه جهاد کنونی ما جهاد دفاعی است، زیرا کفار بر خاک اسلامی ما هجوم آورده اند و در مقابل آن ها جهاد دفاعی شروع شده است، همه کتب فقه نوشته اند که در صورت حملهء کفار بر کشور مسلمانان، جهاد بر مرد، زن، آزاد و غلام علی الافراد و به گونهء نفیر عام واجب است و همهء شان بدون اجازه از یکدیگر جهاد می کنند، وگرنه همه گنهگار و تارکین فرض هستند، بناءً در جهاد دفاعی نه نیازی به حکومت است و نه هم نیازی به اجازه.
و بالفرض اگر بپذیریم که جهاد را در هر حال باید حکومت صادر بکند، بازهم جهاد ما در برابر امریکا به این دلیل مشروع است که فتوای آن در زمان حکومت بر حال امارت اسلامی به رهبری ملا محمد عمر مجاهد (رح) صادر شده بود، زیرا چند روز پیش از تهاجم امریکا یک و نیم هزار عالمان دین در کابل به تاریخ ۱۴۲۲/۷/۳ ه ق موافق با ۲۰۰۱/۹/۲۱م فتوی صادر کردند که اگر امریکایی ها بر افغانستان حمله بکنند جهاد در برابر آن ها فرض عین است، ۹۵ در صد خاک افغانستان در زمان صدور آن فتوی در سلطهء امارت اسلامی بود و امارت اسلامی از سوی چند کشور به رسمیت هم شناخته شده بود، همچنان این مسئله نیز همچون آفتاب روشن است که در صورت حملهء کفار، حیثیت شرعی یک حکومت اسلامی تنها به عقب نشینی از پایتخت و یا شهرهای بزرگ از بین نمی رود، بناءً امارت اسلامی چنانکه دران زمان یک دولت و حکومت اسلامی بود حالاً هم است و نسبت به ادارهء اجیر امریکا

بیشتر خاک افغانستان را در کنترول دارد.
همچون حرف های فوق الذکر، همه حرف های آن ها بی دلیل و از لحاظ شرعی بی اساس است، آن ها اگر انگشت انتقاد را تنها به سوی مجاهدین دراز می کنند و در برابر کفار اشغالگر حرفی هم نمی زنند و نه اشغال ظالمانهء آن ها را که از آفتاب هم روشن تر است ناروا می خوانند، ازین ثابت می شود که آن ها تنها برای اشغالگران خدمت می کنند، بناءً ما برای عالمان دین می گوییم که ما برای عالمان دین می گوییم که درین موضوع حساس (یعنی نا مشروع خواندن جهاد بر حق) از عاقبت دنیوی و اخروی خود بترسید.
آن ها باید به یاد داشته باشند که امریکا طاغوت بزرگ این عصر است و در هر کنج جهان حقوق مسلمان ها را غصب کرده است، قلبهء اول مسلمان ها را اشغال کرده و بر مسلمان ها در هر جا ظلم می کند، شما ازین هم خبر دارید که مجاهدین افغانستان همچون مردم مظلوم فلسطین با سنگ و چوب در برابر دشمن نمی جنگند، بلکه با آن وسایل پیشرفته می جنگند که از امریکایی ها و مزدوران آنان به غنیمت گرفته اند، با همان سلاح امریکایی ها را به کیفر کردار می رسانند و ما هر روز شاهد فتوحات مجاهدین هستیم، امریکایی ها اعتراف دارند که بیش از ۲۵ هزار عسکر آنان در افغانستان کشته و زخمی شده اند، ده ها هزار عساکر آنان به بیماری های روانی مبتلا شده اند، بناءً شرعا و قانوناً روا نیست که عالمان دین اشغالگران ظالم و محاصره در افغانستان را در کمک بکنند و نجات بدهند، زیرا همکاری با طاغوت امریکایی گناه عظیم و انحراف بزرگی است، خدوند تعالی همهء عالمان ما را ازان مصئون نگهدارد.
در اخیر یکبار دیگر از علمای افغانستان و همه جهان اسلام احترامانه امیدواریم که به جای شرکت در نشست های استخباراتی دشمن، باید با ملت مسلمان و مجاهدین همکار باشند، تا خدواند تعالی فتنهء اشغال را محو و عزت و استقلال مسلمان ها را اعاده بکند، و ما ذالک علی الله بعزیز.

امارت اسلامی افغانستان
۱۴۳۹/۱۰/۲۲ ه ق
۱۳۹۷/۴/۱۵ ه ش _ ۲۰۱۸/۷/۶ م

اعلامیه کمیسیون تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی امارت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم
ادارهء تخصص فی الافتاء و القضاء تحت اشراف کمیسیون تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی امارت اسلامی افغاستان فعالیت می کند، چند سال می شود که درسهای افتاء و قضاء به شکل مسلکی در ادارهء مذکور جریان دارد، نصاب جامع و معیاری دو ساله برای تخصص فی الفتاء و القضاء ترتیب داده شده است و توسط علماء و اساتید ماهر، ورزیده و با تجربهء این فن تدریس می شود، انتظام کامل اعاشه، اباته و متباقی ضروریات از طرف اداره صورت گرفته است.
برای این تخصص، شرایط و ضوابط ذیل در نظر گرفته شده است :
۱ : تنها کسانی که از یک مدرسهء معلوم دینی با درجهء امتیازی فارغ شده باشند، استعداد خوبی در علم فقه و علم اصول فقه داشته باشند و همچنان صلاحیت کتابت و انشاء خوب نیز داشته باشند، می توانند در تخصصِ افتاء و قضاء داخله بگیرند.
۲ : کسی که خواهان داخله در تخصص افتاء و قضاء است، لازم است از مهتمم و یا ناظم مدرسهء که فارغ شده است تصدیق نامهء وضعیت اخلاقی و تعلیمی خود را نیز بیاورد.
۳ : کسی داخله داده می شود که آمادگی خود را برای سپری نمودن مدت کامل دورهء تخصص ظاهر بکند و ضمانت کتبی یک عالم بزرگ را نیز (برای اینکه وی تخصص را تا اخیر می خواند) بیاورد.
۴ : اکتاب های که ازان امتحان تقریری برای داخله گرفته می شود ازین قرار است : صحیح البخاری، بیضاوی یا جلالین، هدایه کامل، نورالانوار یا حسامی، شرح العقائد، مختصرالمعانی، مقامات حریری، سلم العلوم و میبذی. بر علاوه ازین کتاب ها امتحان کتابت و انشاء نیز گرفته می شود.
۵: برای کسانی که شرایط فوق الذکر را تکمیل بکنند و در امتحان داخله کامیاب شوند، بر علاوه از خوراک و اسباب ضروریه یک مقدار پول نقد نیز کمک صورت می گیرد.
۶ : تقسیم اوقات شاگردان تخصص مانند متباقی طلباء نمی باشد، بلکه ایشان بر علاوه از وقت لازم برای استراحت، صلوۀ و طعام، همه وقت خود را صرف درسهای تخصص، مطالعه و تمرین افتاء می کنند.
۷ : شاگردان تخصص مکلف هستند که در هر سه ماه، کتاب های شامل درس و مطالعه را امتحان بدهند.
۸: در سال اخیر، برای شاگردان تخصص از سوی کمیسیون تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی موضوعات و عناوین مختلف انتخاب می شود، هر یکی آن ها در موضوع و عنوان مختلف مقاله می نویسند.
۹ : در اخیر، به شاگردان کامیاب تخصص فی الافتاء و القضاء اسناد (شهادت نامه های) متعبر و معیاری داده می شود.
به تاریخ ۲۵ و ۲۶ شوال المکرم (روز دو شنبه و سه شنبه)

امتحان داخله گرفته می شود وبه تاریخ ۲۷ شوال روز چهارشنبه درس ها آغاز می گردد، ان شاء الله تعالی.
برادران که ارادهء داخله دارند از همین اکنون با شماره های ذیل رابطه بکنند و شهرت خود را ثبت بکنند.
شماره تلفون : ۰۷۰۰۵۴۶۳۰۴
شماره واتس اپ : ۰۷۰۰۵۴۶۳۰۴
شماره مخابره : ۵۶۹۲۰۰

اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در مورد پروپاگند جنرالان امریکایی

جنرال لینس بنچ (معاون فرمانده قوای هوایی امریکایی های اشغالگر در افغانستان) در گفتگو با خبرنگاران در وزارت دفاع امریکا ادعا کرده است که منابع مجاهدین را در افغانستان هدف قرار داده اند و ۱۵۴ بمب را از بین برده اند.
ما این ادعای کاذب را به شدت رد می کنیم، مجاهدین در هیچ جا با چنین زیانی مواجه نشده اند.
هدف ازین گونه ادعاهای جنرالان اشغالگران اینست که افکار مردم امریکا را از رسوای استراتژی ترامپ به مطالب دیگری مبذول بدارند.
امریکایی های اشغالگر پس از ناکامی های پیهم خود، مساجد، مدارس، بازارها، روستاها و غیرنظامیان را هدف قرار می دهند و با ادامهء جنایات تلاش می کنند انتقام ناکامی های خود را از مردم ملکی بگیرند.
مجاهدین امارت اسلامی در برابر هر گونه حمله و وحشت دشمن آمادگی دارند و بمباران و حملات کورکورانهء آن ها زیانی به مجاهدین نرسانیده است.
همچنان مجاهدین مراکز و منابع تجارتی هم ندارند که از سوی دشمن هدف قرار بگیرد، دشمن در بخش تسلیحات نیز در مورد ذخائر مجاهدین هیچ معلومات ندارد.

قاری محمد یوسف احمدی
(سخنگوی امارت اسلامی)
۱۴/۱۰/۱۴۳۹ ه ق
۷/۴/۱۳۹۷ ه ش – ۲۸/۶/۲۰۱۸م

وضاحت سخنگوی امارت اسلامی در مورد جریانات اخیر

پس از آتش بس سه روزهء عید، بی باوری های زیادی در صف دشمن به وجود آمده است، نیروهای مسلح ادارهء کابل گروه گروه با مجاهدین رابطه می کنند، تسلیم می شوند و زندگی آرام را در ساحات زیر کنترول طالبان آغاز می کنند، بناءً عده ای از رسانه های وابسته به دشمن از روی عادت دیرینهء شان یکبار دیگر به تبلیغات بی اساس پرداخته اند، ما درین مورد واکنش خود را قرار ذیل اعلان می کنیم.
آتش بس سه روزهء امارت اسلامی در روزهای عید برای آسایش هموطنان عزیز اعلان گردید و از سوی مجاهدین در سراسر کشور عملی شد، اگر چه این نخستین تجربه ای آتش بس در جهاد کنونی بود، اما باز هم کامیاب بود و حقائق زیادی را به نفع جهاد و مجاهدین هویدا ساخت.
استقبال گستردهء مردم از مجاهدین، گل پاشی بر طالبان و برافراشتن پرچم سفید از سوی شهروندان واقعیت های بود که محبوبیت مجاهدین درمیان مردم را ثابت کرد.
آنعده مجاهدین که در سه روز اول عید به ساحات زیر کنترول دشمن رفته اند و یا در منظره های تصویری و ویدیوی با عساکر جانب مخالف دیده شده اند، ما این کار آن ها را خطای عمدی نمی دانیم و امارت اسلامی بر نیت و ارادهء هیچ فرد مجاهد شک ندارد.
رژیم مزدور و رسانه های مخالف مجاهدین، این اقدام صلح آمیز امارت اسلامی را به گونهء نادرست تعبیر می کنند و می کوشند در عرصهء تبلیغات استفادهء نا درست بکنند، معلوم می شود که مزدوران امریکا صلح را به حیث یک ضرورت حیاتی مردم به رسمیت نمی شناسند، بلکه از شعارهای صلح و آتش بس نیز به حیث ابزار استفاده می کنند، آن ها اگر چه در ظاهر گریه و زاری برای صلح می کنند و لیکن هرگاه مجاهدین عملا یک گام صلح آمیز برداشتند، دشمن دست به چنین حرکات و تبلیغات مخاصمانه می زنند و باور ضعیفی را که در مورد صلح وجود دارد نیز از بین می برند.
تغییراتی که چند هفته پیش در تشکیلات امارت اسلامی صورت گرفته است، دشمن درین مورد ادعا می کند که ربط به موضوع آتش بس دارد، این ادعا هیچ ربطی با حقیقت ندارد، بلکه واقعیت اینست که در تغییرات مذکور، مسئولین معزول نشده اند بلکه به وظایف بلند تر مقرر شده اند.
از مجاهدین امیدواریم که در مورد قضایای مذکور، تحت تاثیر حرفهای بعضی افراد غیر مسئول قرار نگیرند، به دست آوردهای سیاسی، نظامی و اجتماعی خود مطمئن و در برابر دسایس دشمن هوشیار تر باشند، تا برای دشمنان اسلام و جهاد فرصت برای استفادهء نادرست میسر نشود.

ذبیح الله مجاهد
(سخنگوی امارت اسلامی)
۱۴۳۹/۱۰/۶ ه ق
۱۳۹۷/۳/۳۰ ه ش – ۲۰۱۸/۶/۲۰ م

شعر و ادب

تهیه کننده: ابوعابد

تغیر حال مردم و دگرگونی روزگار

ای مسلمانان خلایق حال دیگر کرده‌اند
از سر بی‌حرمتی معروف منکر کرده‌اند
در سماع و پند اندر دین آیات حق
چشم عبرت کور و گوش زیرکی کر کرده‌اند
کار و جاه سروران شرع در پای اوفتاد
زان که اهل فسق از هر گوشه سر بر کرده‌اند
پادشاهان قوی برداد خواهان ضعیف
مرکز درگاه را سد سکندر کرده‌اند
شرع را یکسو نهادستند اندر خیر و شر
قول بطلمیوس و جالینوس باور کرده‌اند
عالمان بی عمل از غایت حرص و امل
خویشتن را سخره اصحاب لشکر کرده‌اند
گاه وصّافی برای وقف و ادرار عمل
با عمر در عدل ظالم را برابر کرده‌اند
مالداران توانگر کیسه درویش دل
در جفا درویش را از غم توانگر کرده‌اند
سر ز کبر و بخل بر گردون اخضر برده‌اند
مال خود بر سایلان کبریت احمر کرده‌اند
بر سریر سروری از خوردن مال حرام
شخص خود فربی و دین خویش لاغر کرده‌اند
از تموز زخم گرم و بهمن گفتار سرد
خلق را با کام خشک و دیده تر کرده‌اند
خون چشم بیوگانست آنکه در وقت صبوح
مهتران دولت اندر جام و ساغر کرده‌اند
تا که دهقانان چو عوانان قباپوشان شدند
تخم کشت مردمان بی بار و بی‌بر کرده‌اند
شاعران شهرها از بهر فرزند و عیال
شخص خود را همچو کلکی زرد و لاغر کرده‌اند
ای دریغا مهدیی کامروز از هر گوشه‌ای
یک جهان دجال عالم سوز سر بر کرده‌اند
مصحف یزدان درین ایام کس می‌ننگرد
چنگ و بر بط را بها اکنون فزونتر کرده‌اند
کودکان خرد را در پیش مستان می‌دهند
مر مخنث را امین خوان و دختر کرده‌اند
ای مسلمانان دگر گشته‌ست حال روزگار
زان که اهل روزگار احوال دیگر کرده‌اند
ای سنایی پند کم دِه کاندرین آخر زمان
در زمین مُشتی خر و گاو سر و بر کرده‌اند

حکیم سنایی غزنوی

نبرد آهن و ایمان

سنت دیرین حق باشد شکست زورگو
پوز ظالم بر زمین مالیده بینی دایما !
درنبرد حق وباطل سهم باطل ذلتست
حق بود پیروز هر جا باطل اندر انزوا
در قبال نصر حق، ماده ندارد ارزشی
سازه ی بنده چه باشد ! در قبال کبریا !
گر نبودی نصر رب دیروز با انصار دین
روسیه هرگز نگشتی اندرین جا روسیا!
گر نبود امروز هم امداد حق با طالبان
پشت آمریکا نمیشد باکلاش شان دوتا!
ورنه در آلات جنگی کی بود مانند هم
تانک ضدمرمیش، با موتور اوراق ما !
یا جت بی سر نشینش قابل سنجش بود
با کلاش کهنه و پوشیده در زنگار ها!
راشد امداد الهی گرنه باشد یار مان
طالب حجره کجا و قوت ناتو کجا

راشد مبارز

له نفس سره خبرې !

نفسه تیاروته که رڼا ته مي وړې ؟
دومره پوښتلی شم چي چاته مي وړې؟
در سره ډیر په پټه خوله ولاړمه
نور مي پوښته چي هرې خواته مي وړې
ستا هغه خوښ دي چي شیطان خوښ کړي
ته هله خوښ یې چي ګنا ته مي وړې
تیار دي نکړم د عقبا سفر ته
بس له دنیا څخه دنیا ته مي وړې
ولې په ستر ګوړوند شې غرق به مي کړې
خدای نه لرمه چي بوداته مي وړې؟
زما د زړه په وینو پایې ومرې
دوست مي دښمن ګڼې بدخواته مي وړې
شکر چي ومي پیژندې په ژوند کي
ډول خوښوې ډم یې ګداته مي وړې
درنه پناه غواړمه نفسه! الهام
بریالی مه شې چي بلا ته مي وړې

سید احسان الله الهام

حکایتی از سلطان عادل

سلطان محمود غزنوی رحمه الله شبی هرچه کرد خوابش نبرد. غلامان را گفت: حتما به کسی ظلم شده او را بیابید. پس از کمی جستجو غلامان بازگشتند وگفتند: سلطان به سلامت باشد دادخواهی نیافتیم.
اما سلطان را دوباره خواب نیامد. خود برخواست وبا جامه مبدل بیرون شد.در پشت قصر ودر کنار حرمسرا ناله ای شنید که خدایا! محمود اینک در حرمسرا با ندیمان خود نشسته ونزدیکی قصرش چنین ستم می شود. سلطان گفت: چه می گویی؟ اینک من محمودم واز پی تو آمده ام. بگو قصه چیست؟ آن مرد گفت : یکی از خواص تو که نامش را نمی دانم شب ها به خانه من می آید وبه زور زن مرا مورد آزار واذیت قرار می دهد. سلطان گفت: اکنون کجاست؟ جواب داد شاید رفته باشد. شاه گفت: هر وقت آمد مرا خبر کن. واو را به پاسبان قصر معرفی کرد وگفت: هر زمان این مرد مرا خواست به من برسانیدش حتی اگر در نماز باشم. شب بعد باز همان قومندان به خانه آن مرد بی نوا رفت.مرد مظلوم به سرای سلطان شتافت. سلطان محمود با شمشیر برهنه به راه افتاد . در نزدیکی خانه صدای عیش مرد را شنید دستور داد چراغ را خاموش نگاه دارید. آنگاه آن ظالم را با شمشیر کشت. پس از آن دستور دادتا چراغ را روشن کنند ودر صورت کشته نگریست پس در دم سر به سجده نهاد. آنگاه صاحب خانه را گفت: قدری نان بیاورید که بسیار گرسنه ام. عرض کرد : سلطان چون تو چگونه به نان درویشی چون من قناعت توان کرد؟ سلطان گفت: هرچه هست بیاور. مرد تکه ای نان آورد وسبب خاموش وروشن کردن چراغ وسجده ونان خواستن سلطان را پرسید. سلطان محمود غزنوی رحمه الله گفت: آن شب که از قصه تو با خبر شدم با خود اندیشیدم در زمان سلطنت من کسی جرآت این کار را ندارد مگر یکی از فرزندانم.گفتم چراغ را خاموش کن تا محبت پدری مانع اجرای عدالت نشود. چراغ که روشن شد نگاه کردم دیدم بیگانه است سجده شکر گذاشتم. اما غذا خواستنم از این رو بود که از آن شب که از چنین ظلمی در ملک خود اطلاع یافتم با خود عهد بستم لب به آب وغذا نزنم تا داد تو را از آن ستمگر بستانم. اکنون از آن ساعت تا حال چیزی نخورده ام.

آب سرمایهء زندگی مورد بی توجهی عامه

آب از نعمت های عظیم الله متعال است. الله تعالی می فرماید: و جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كلَّ شَیءٍ حَیٍ سورۀ الانبیاء آیۀ ۳۰ ترجمه: هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم (پیدا کردیم). با استناد به این قول الهی، در مکالمات عامه نیز این سخن در چرخش است که هرجا آب باشد همانجا زندگی است.

یکی از این سرمایه های عظیم کشور ما که الله متعال نعمت ها و ثروت های فراوان به آن داده است، آب های جاری و شیرین آن است که نه تنها در داخل مردم را سیراب کرده است بلکه در همه جهات بسوی کشورهای همسایه در جریان است و آنها از آن استفاده می کنند.

اما همان اندازه که آب نعمت عظیم الله متعال است و ارزش حیاتی دارد، با تاسف که در جامعهء ما به آن توجه لازم صورت نمی گیرد. حکومت ها به ارزش آب های جاری توجه نکرده اند. از آن در تولید انرژی و زراعت استفادهء لازم ننموده اند تا جائیکه حال ذخایر زیرزمینی آب نیز با تهدید مواجه شده و عواقب بسیار بدی برای آیندهء کشور خواهد داشت.

در یك و نیم دههء اخیر علی الرغم اینکه میلیاردها دالر به شکل کمك به افغانستان سرازیر شده است، اما مقامات فاسد بجای اینکه بخشی از این پول ها را در پروژه های ملی زیربنایی و انکشافی و خصوصا در پروژه های عام المنفعه و بخش زراعت و آبرسانی مصرف کنند، آن را میان خود تقسیم و چور و چپاول کردند که کشور از کاروان پیشرفت یك گام بیشتر به عقب مانده است.

دو دهه پیش در سال های حاکمیت کامل امارت اسلامی، باوجود اینکه افغانستان با خشکسالی شدید مواجه گردید، اما بازهم کمبود آب و مشکل آلودگی مثل امروز جدی نبود. در حال حاضر آب های زیرزمینی شهر کابل به حدی آلوده شده است که به هیچ وجه قابل نوشیدن نیست. در مناطق اطراف سطح آب های زیرزمینی به شکل غیر تخمینی پایین رفته است که با آن سرچشمهء بعضی از رود ها خشك شده و آب ندارند. در بعضی از ساحات حتی چاه های عمیق نیز خشك شده و باغ ها و کشتزارها را با خطر خشك شدن مواجه کرده است.

اگرچه کمبود آب یك مشکل جهانی شمرده شده و معظلهء جدی قرن بیست و یکم خوانده می شود. اما کشور ما از جمله مناطقی است که اگر به مدیریت درست آب توجه صورت گیرد، منابع انگفت آبی این کشور توان آنرا دارد که آب مورد ضرورت هموطنان را فراهم کند.

همانطور که پیشتر نیز گفته شد، آب سرمایهء زندگی است و زندگی انسان ها به آن وابسطه است. از اینرو لازم است که تمام باشندگان این سرزمین و همهء جهات سیاسی به این موضوع توجه جدی نمایند. تا خدای ناکرده در دراز مدت ملت ما با بحران مواجه نگردد.



قُل للزّمان، إذانحَنى إجْلالاً: أرَأيْتَ مثلَ الطالبان رجالاً؟

به زمانه، حینی کَه بَه خاطر بزَرگی به (طالبان) قامت خم میَکند، بگو: آیا مَثل طالبان مردانی را دیده ای؟

هَیهاتْ... لَو بَصُرَ الزَّمانُ بمثْلهم لَمْ یُلْفَ مُفتَخراً بهمْ مُخْتالاً

هرگز...اگر زمانه مثل آنها هم ببیند، هَمچَنَانکه به اینها فخر میکند به آنَها فخر نمیکند

قَومٌ یَحِیلُونَ الخُطوبَ مُراکِباً لِلمَجْدِ وَالمَوْتِ الزُّؤام نعالاً

آنها(طالبان) قومی اند که سختی ها و مَصیبت ها را برایَ حصوَل مجد و بزرگی مَرکَب خود و مرگ سخت و دشوار را پاپیوش خود ساخته اند

اُنظُر اِلَیهِم إذْ یَخُوضُونَ الوَغی وَ یُعانِقُونَ بساحِهَا الأَهْوالاً

به آنها بنگر که حیَن داخَل شدن در معرکه با سختی های آن هم آغوشَ میشوند و معانقه میکنند

و استَخبرَنْ إیْسافَ تلْكَ جُیُوشَهُ تُنْبیكَ کَیفَ تَمَزَّقَت اَوْصالاً

از آیساف بپرس، تَورا خَبر خواهد داد که لشکرهای وی چگوَنه تار و مارشدند و از هم پاشیدند

هذَا الحُطامُ یَکادُ یُنکِرُ أَنَّهُ با الاَمْس کَانَ أَمامَهُم أرْتالاً

(وقتی به وسایل مخروبه دشمن کَه با هم انباشته شده اندَ، می نگرَی) به تو وانمود میکند که گویا دیروز اینها یک کاروان نظامی نبودند

أنعم بجُندِ الطالبان؛ أما سَعَوا نَحْوَ العُلی وَالمُسلمُونَ کُسالی؟

با لشکر طالبَان نَیکوَیی کنَ؛ آیا نمی بینی که حینی که مسلمان ها نشسته بودَند، آنها به خاطر کسب بزرگی سعی و تلاش نمودند؟

قادُو المَسِیرَ فَلا غَضاضَةَ أنّنا صِرْنا عَلَیهِم في الجهادِ عِیالاً

صف را رهبری کردند، هیچ جای چشم پوشی نیست که ما عَیال و رعیت آنها درَ جهادَ گَردیدیم.

قُل للَّذي یَنْوي المَساسَ بعَزمهم: اَلنَّجمُ أدْنى منْ مُناكَ مُنالاً

به کسیکه میخَواهَد به عَزم و همت طالبَان بَتازد و زبان درازی کند، بگو! سَتاره نزدیکتر از هدف (شوم) تو از روی دست یابی است، یعنی میتوانی به ستاره دست یابی، باوجودیکه چقدر بلند است، ولی هرگز نمیتوانی تا از بزرگی طالبان بکاهی.

هَلاّ صَرَفْتَ إلى عَدُوِّكَ هِمَّةً وَ أُرَیْتَنا في حَرْبه استبسالاً

(ای طعنه زن! اگر اینقدرَ غیرت و جرئَت داری) پس چرا در مقابل دشمَن از آنَ کَار نَمی گیری و شجاعت خود را در جنگ به ما نشان نمیدهی؟

عَجَزَ ابْنُ مُلجم أنْ یَری کَحَفیدِه في العالَمینَ جَهالَةً وَضَلالاً

ابن ملجم (قاتَل علی بَنً ابی طالب) نا توَان شدَ(و پس از تلَاش های بیش از حد نتوانست) تا مثل نواسه هایش (داعشی ها و خوارج معاصر) در جهل و ضلالت کسی را بیابد.

شاعر:حسام المذحجي
ترجمه: فاروق جان